

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال بیست و پنجم
بهار ۱۴۰۲ خورشیدی
نيسان تا سيوان ۵۷۸۳ عبری
مارس تا مه ۲۰۲۳ میلادی

شماره

۵۸

بافت
אָפּק
בִּינָה



חג
השבועות

❖ نشست رئیس جمهور با پیروان ادیان توحیدی ❖ منابع مطالعاتی یهودیت

❖ اصلاح قانون ارث اقلیت های دینی ❖ هوشنگ شیرازی (خالداری): شادی آفرین مجالس



نشست رئیس جمهور با پیروان ادیان توحیدی (۱۷ بهمن ۱۴۰۱)

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

شماره ۵۸، سال بیست و پنجم

بهار ۱۴۰۲ خورشیدی

نیسان تا سیوان ۵۷۸۳ عبری

مارس تا مه ۲۰۲۳ میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران
مدیر مسئول: دکتر همایون سامه‌یح نجف‌آبادی
سردبیر: آرش آبائی

اجراء، صفحه‌آرایی و طراحی جلد: مردخای امین شموئلیان
تایپ: بهاره برخوردار

همکاران این شماره به ترتیب الفبا:

آتوسا آرمین - سیما اخلاقی - شرگان انورزاده - سحر بروخیم -
نیوشا پایاب - نسترن جاذب - لئا دانیالی - رحمن دلرحیم -
المیرا سعید - لیورا سعید - امید محبتی مقدم - مهران ملک - الهام مؤدب
دوریتا معلمی - بهادر میکائیل - امیرفرزاد نعیموت -
مرجان یشایایی - مژده یمینیان.

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی: ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - نامبر: ۶۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی: bina126@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

کانال نشریه: @ofoq_bina

◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نام نویسنده بلامانع است.
◆ عکس روی جلد: دریافت دو لوح تورات توسط حضرت موسی
برگرفته از اثر مارک شاگال، هنرمند شهیر یهودی (۱۸۸۷-۱۹۸۵)

افق بی‌نا - אפוק בינה - در عبری به معنای چشم‌انداز آگاهی و بصیرت است.

فهرست

- سخن سردبیر: امید در جامعه‌ی کلیمیان ایران / آرش آبائی / ۲
- سرمقاله: اهدای اموال برای انتفاع عمومی / همایون سامه‌یح / ۳

گزارش و اخبار

- نشست رئیس جمهور با پیروان ادیان توحیدی / ۴
- نشست اهالی نشر ادیان توحیدی با معاونت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / ۶۷
- دیدار رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان از انجمن کلیمیان / ۶۹
- فعالیت‌های کتابخانه‌ی انجمن کلیمیان در سال ۱۴۰۱ / الهام مؤدب / ۶۴
- اخبار / ۷۰

دین

- وینار «بررسی راهبرد جاهلیت مدرن» / حاخام یونس حمامی / لاله‌زار / ۶
- دوستی و احترام میان اسلام و یهود / رحمن دلرحیم / ۱۲
- نقش ادیان در خروج از بحران محیط زیست / آرش آبائی / ۱۴
- منابع مطالعاتی یهودیت / آرش آبائی / ۶۶

اجتماعی

- اصلاح قانون ارث اقلیت‌های دینی / امیرفرزاد نعیموت / ۸
- توضیح نماینده‌ی کلیمیان درباره‌ی بخشنامه‌ی قانون ارث اقلیت‌ها / ۱۱
- شبات: درمانی برای تنهایی / سیما اخلاقی / ۱۸
- آداب و قوانین تغذیه در عید پسخ / مژده یمینیان / ۳۰
- دکتر مسعود برال: پزشک خیرخواه / مردخای امین شموئلیان / ۴۲
- فاصله‌ی خواستن تا توانستن / مژده یمینیان / ۴۴
- پدیده‌ی جدیدی به نام طلاق در جامعه‌ی کلیمی (۲) / دوریتا معلمی / ۴۵
- تربیت مقتدرانه، فرزندان با کفایت / لیورا سعید / ۴۷

تاریخ و فرهنگ

- بقا و کرامت در میراث فرانکل / مرجان یشایایی / ۲۰
- وزارت امور خارجه و حفاظت از کلیمیان ایرانی مقیم بالکان و فرانسه
ویشی در جنگ جهانی دوم / رضا آذری شهرضایی - نیوشا پایاب / ۲۳
- روزالیند فرانکلین: دانشمند زن یهودی / مجتبی برهانی داریان / ۲۸
- کنیسیای ابریشمی و مجتمع موسی ابن عمران (۱) / مهران ملک / ۳۳
- مروری بر کنیسه‌های تهران / ۳۵
- بررسی مقابر منتسب به انبیای بنی‌اسرائیل در ایران / ۳۶

ادبیات و هنر

- ده فرمان: شعری از «شاهین تورا» / شادروان پیام / لاله‌زاری / ۱۶
- شعر ایمان به خدا / رحمن دلرحیم / ۲۲
- شادی آفرین مجالس: هوشنگ شیرازی (خالداری) / الهام مؤدب / ۳۸
- زندگی زیباست / شرگان انورزاده / ۴۳
- اجبار: مرگ خاموش / سحر بروخیم / ۴۳
- یشایایی و «یک عمر زندگی با سینمای ایران» / ۴۹
- «هارون یشایایی» به روایت ناصر فکوهی / المیرا سعید / ۵۱
- آن‌ها می‌دانند چگونه قصه بگویند / آتوسا آرمین / ۵۳
- رمان «دورا پرودر» / نسترن جاذب / ۵۶
- کتاب «شهیدان ایرانی پیرو ادیان توحیدی» / ۵۸
- وقتی عسارا شالم شد / لئا دانیالی / ۵۹
- طنز: کار نون و آب دار / ۶۳



امید در جامعه‌ی کلیمیان ایران

آرش آبائی

جامعه‌ی اقلیت کلیمی ایران در اکثر حالات و شرایط خود متاثر از جامعه‌ی اکثریت است، و البته در کنار مشکلات جاری برای همگان، معمولاً محدودیت‌های بیشتری برای این جامعه وجود دارد که ناشی از برخی تفاوت‌های فرهنگی، ایدئولوژیکی و اعتقادی است. همین موضوع باعث می‌شود که در شرایط بحرانی، این جامعه بیشتر به انزوا و درون‌گرایی روی آورد و مشارکت اجتماعی خود را تا حد ممکن کاهش دهد؛ که این واکنش طبیعی هر واحد اجتماعی ضعیف‌تر برای حفظ حاشیه‌ی امن در فضای جامعه‌ی بزرگتر است. به همین دلیل تلاش مدیریت جامعه‌ی کلیمی طی دهه‌های اخیر، همواره امید بخشی و سوق دادن جامعه به سوی پویایی، ارتباط و مشارکت موثر در جامعه‌ی اکثریت بوده است.

انتشار مجله‌ی بینا در کنار اقدامات نهادهای دینی- فرهنگی و سازمان‌های اجتماعی جامعه‌ی کلیمیان، عاملی است جهت امید بخشی به این جامعه؛ و مانعی است در برابر انزوا و پریشانی خاطر این جمعیت اقلیت. مجله تلاش دارد علیرغم وجود مشکلات، در محتوای خود، نیمه‌ی پر لیوان را بازنمایی کند، همانند انعکاس اخبار حضور موثر نمایندگان از جامعه‌ی کلیمی در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، و نیز اکثر همایش‌ها و گردهمایی‌های مربوط به گفتگوی بین دینی. اخبار فعالیت‌های سازمان‌های درون جامعه، علاوه بر بازنمایی موفقیت‌های اجتماعی و معرفی افراد موفق کلیمی، همه و همه در جهت نمایش پویایی این جامعه است. از این رو، از همه‌ی اقشار محترم جامعه‌ی کلیمیان ایران، و همه‌ی اعضای نهادهای اجتماعی، چه در تهران و چه در شهرهای دیگر، برای منعکس کردن اخبار امیدبخش و فعالیت‌های این جامعه‌ی پویا، دست یاری می‌طلبم؛ با یادآوری این نکته که آیندگان، ما را از لابه‌لای سطرهای همین مکتوبات خواهند شناخت.

امیدوارم که نشریه‌ی بینا بتواند سهم خود را در این تکلیف مهم به‌خوبی ادا کند.



اهدای اموال برای انتفاع عمومی

دکتر همایون سامه‌یح

مدیر مسئول مجله، رئیس انجمن کلیمیان تهران و نماینده‌ی ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی

طی سال گذشته (۱۴۰۱) شاهد دو عمل خیر در جامعه‌ی کلیمیان بودیم که نه تنها احساسات خیرخواهانه‌ی جامعه را برانگیخته کرد، بلکه بر خدمت‌رسانی انجمن کلیمیان به جامعه‌ی تحت حمایت خود تاثیر به‌سزایی گذاشت.

تمایل زیاد جامعه‌ی کلیمیان جهت کمک در موارد درمان بیماری، تامین مسکن، تهیه جهیزیه، دیه و بسیاری از موارد دیگر باعث مباحثات و افتخار جامعه بوده و خود نشانه‌ی اتحاد و همبستگی جماعت محترم می‌باشد. کفایت یکی از معتمدین در فضای مجازی و یا در کنیساها در مورد جمع‌آوری کمک فراخوان بدهد، تا با سیل اهدا وجوه روبرو شویم، به‌گونه‌ای که در برخی موارد میزان کمک‌های جمع شده از مقدار لازم بیشتر بوده است.

اما از طرفی گاهی با مسائلی روبرو می‌شویم که موجب تعجب می‌گردد. تعدادی از همکیشان ما دارای فرزند و یا خویشاوندی نیستند، به‌نحوی که اموال آن‌ها بعد از فوت بلاوارث خواهد ماند و اغلب آنان در دوران کهولت سن مورد سوء استفاده‌ی افراد کلاهبردار از داخل یا خارج از جامعه قرار می‌گیرند و خواسته یا ناخواسته با اعطای انواع و کالتهای گوناگون، اموالشان را از دست داده و گاه با وجود دارایی قابل توجه، در فقر و بیماری فوت می‌کنند.

در سال گذشته شاهد دو مورد اهدای املاک به انجمن کلیمیان تهران بودیم که نه تنها باعث افزایش رفاه اجتماعی در جامعه شد بلکه نام صاحبانشان نیز جاودانه گشت. تفاهم مرحوم مهندس آلبرت رحمانیم با انجمن کلیمیان تهران و ثبت املاک به نام انجمن کلیمیان تهران یکی از اعمال خیر و مطمئناً عقلانی ایشان بوده و جامعه‌ی کلیمی تا قرن‌ها وام‌دار آن مرحوم خواهد بود. مورد دوم اهدای تمام اموال منقول و غیرمنقول مرحومه افسانه دارور از طرف وراث وی به انجمن کلیمیان بود. لازم به ذکر است که منزل مسکونی مرحومه که در حال حاضر در حال انجام عملیات ثبتی می‌باشد به نام ملک دارور نامگذاری خواهد شد.

امیدواریم سایر همکیشانی که دارای وارث نیستند نیز دست به انجام چنین عمل خیری بزنند چراکه با اعطای صلح عمرا به انجمن کلیمیان تهران نه تنها مفتخر به انجام صواب و میصوای بزرگی خواهند شد، بلکه در دوران کهنسالی نیز انجام تمام خدمات رفاهی این عزیزان چه در منزل و چه در سرای سالمندان به عهده‌ی انجمن کلیمیان تهران خواهد بود. لازم به ذکر است که طبق قوانین احوال شخصیه‌ی کلیمیان اصولاً اموال اشخاصی که فاقد وارث باشند به نام انجمن کلیمیان تهران ثبت خواهد گردید، ولی اهدای اموال توسط خود افراد در دوران حیات، صورتی بسیار خوشایندتر خواهد داشت.

در پایان با عرض تبریک به مناسبت فرارسیدن سال نو شمسی و موعد پسخ به همکیشان عزیز، امید است سال پیش رو مملو از موفقیت، سلامتی، شادی و امید برای تمامی هموطنان باشد.

نشست رئیس جمهور با پیروان ادیان توحیدی



ملی رو به پیشرفت و آینده روشن حرکت کنند، خاطر نشان کرد: برای همه ما روشن است که ادیان ابراهیمی ضد کفر و الحاد هستند و محور همه‌ی آنها خداپرستی، دعوت به اخلاق و کنار گذاشتن تکبر، شیطنت، ظلم و فساد است.

رئیس جمهور اضافه کرد: نقطه مشترک همه‌ی ادیان ابراهیمی توجه به خدا، توجه به خود و خودسازی و دست‌گیری و گره‌گشایی برای دیگران است. همه‌ی ادیان ابراهیمی خودبینی و خودبرتربینی و استکبار را محکوم؛ و ظلم و فساد را مورد نکوهش قرار می‌دهند.

رئیس جمهور اعتقاد به نجات انسان را اعتقاد مشترک همه باورمندان به ادیان ابراهیمی دانست و افزود: اعتقاد به موعود و وعده‌ی خدا برای نجات انسان و اجرای عدالت و مبارزه با ظلم، باور مشترک موجود در همه ادیان ابراهیمی است.

رئیس‌ اضافه کرد: جامعه‌ی بشری باید بداند که کنار گذاشتن خدا از معادلات سیاسی نه سعادت که ظلم و از بین رفتن حقوق بشر را برای جامعه بشری به ارمغان می‌آورد. این خداوند است که حقوقی را برای انسان‌ها قرار داده و حکومت‌ها صرفاً باید حافظان و صیانت‌کنندگان از حقوق زنان، کودکان، محیط‌زیست و امثال آن باشند.

رئیس جمهور با اشاره به اینکه اصول اخلاقی ادیان ابراهیمی به‌دنبال تربیت انسانی خدا‌باور است، خاطر نشان کرد: دین به‌دنبال

جمعی از پیروان ادیان توحیدی ۱۷ بهمن ۱۴۰۱ با حجت‌الاسلام والمسلمین «سید ابراهیم رئیسی» رئیس جمهور در تالار همایش اجلاس سران در تهران دیدار کردند. از طرف جامعه‌ی کلیمیان، دکتر همایون سامه‌یح، هاراو یهودا گرامی و نیز تعدادی از اعضای انجمن کلیمیان و شخصیت‌های کلیمی حضور داشتند.

رئیس جمهور در این نشست با بیان این‌که موفقیت‌ها و گام‌های بلندی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف نصیب ملت ایران شده است نیز متعلق به همه ملت بزرگ ایران است، افزود: دفاع مقدس یکی از جلوه‌های زیبا و شکوهمند ایستادگی و بصیرت ملت ایران است که همه‌ی اقوام و مذاهب ایرانی با تقدیم شهدایی در آن ایفای نقش کرده و در این افتخار سهیم دارند.

رئیس‌ با تاکید بر این‌که امروز بیش از هر زمانی نیازمند انسجام و وحدت ملی هستیم، اظهار داشت: انسجام و وحدت مهم‌ترین زمینه و مناسب‌ترین بستر برای توسعه‌یافتگی در کشور است. البته وحدت و انسجام به معنای نفی گفت‌وگو نیست، بلکه بستری برای گردهم آمدن صاحبان اندیشه و تبادل دیدگاه‌ها و نظرات آنها با یکدیگر در راستای تقریب نگاه‌ها است.

رئیس‌ با اشاره به این‌که دشمنان نمی‌خواهند ملت ایران در کنار هم در صفا و صمیمیت و تحت لوای یکپارچگی و انسجام



پرورش انسان‌هایی است که تحت هر شرایطی و در انجام هر کاری خدا را از یاد نبرند، چرا که کسی که خدا را فراموش کند انسانیت خود را از یاد برده و مرتکب ظلم و جنایت می‌شود و این نکته‌ای است که همه‌ی ادیان ابراهیمی به آن تاکید کرده‌اند. در آموخته‌های هیچکدام از ادیان ابراهیمی یأس و ناامیدی نیست، بلکه آینده را امیدبخش می‌دانند و معتقدند که نجات برای آینده حیات انسان وجود دارد؛ آنان به موعود و آن چیزی که خداوند برای نجات انسان و اجرای عدالت در هستی وعده داده است، باور دارند و خواسته‌ی همه‌ی ادیان ابراهیمی اجرای عدالت و مبارزه با ظلم و فساد است.

رئیس‌ی در بخش دیگری از سخنانش گفت: انقلاب اسلامی ایران به دنبال ساختن جامعه‌ای است که انسان‌های خداپاوار و دور از ظلم و فساد و تباهی و جامعه‌ای برخوردار از معنویت و اخلاق و عقلانیت متکی بر تفکر پرورش دهد، نه انسان‌هایی که به دیگران ظلم کنند و یا انسان‌هایی که زیر بار ظلم بروند.

رئیس‌ی اظهار داشت: آنچه امروز برای جامعه ما ضرورت دارد این است که بازنگاهی به آنچه که باید انجام می‌شد و آنچه انجام شده، داشته باشیم و سعی کنیم که ضعف‌ها و کاستی‌ها برطرف شده و برای تشکیل ایرانی قوی بر قوت‌ها بیافزاییم.

رئیس‌ی جمهور در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به این که همه‌ی انبیای الهی یکدیگر را تصدیق کرده‌اند، توهین به پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) را اهانت به همه انبیاء و ادیان الهی و توحیدی عنوان کرد و افزود: اینکه کسی به خود اجازه دهد تحت لوای یک دولتی، به پیامبر الهی قریب به ۲ میلیارد مسلمان در جهان اهانت کند، نامش آزادی نیست، بلکه اهانت به همه‌ی خداپاواران بر روی زمین و اتفاقاً محدودکننده‌ی آزادی بیان است. رئیس‌ی جمهور در ادامه موضع متحد پیروان ادیان الهی در محکومیت توهین به نبی مکرم اسلام (ص) و قرآن کریم را قابل تقدیر دانست و بر ضرورت تقویت انسجام در دفاع از ادیان الهی تأکید کرد.

رئیس‌ی در ادامه اظهار داشت: پرچمی که امام خمینی(ره) در ایران برافراشت زندگی در لوای ادیان توحیدی و اثبات این حقیقت محکم است که دین به‌رغم همه‌ی پیچیدگی‌های دنیای امروز برای بشریت نسخه زندگی دارد و پاسخگوی همه‌ی

نیازهای انسان است.

رئیس‌ی تأکید کرد: امروز کسانی که به نام یهود در فلسطین و به ملت مظلوم آن ظلم می‌کنند، هیچ نسبتی با دین یهود و پیروان حضرت موسی (ع) ندارند. امروز کسانی که به نام مسیحیت در هر نقطه‌ای از جهان به مردم ظلم می‌کنند هیچ ارتباطی با دین مسیحیت و حضرت عیسی (ع) ندارند. چرا که همه‌ی انبیاء الهی از ظلم بیزار بودند.

رئیس‌ی جمهور با بیان این که کسانی که به نام دین چه شیعه و چه سنی، چه یهودی و چه مسیحی به بشریت ظلم می‌کنند، نه از دین و دیانت، بلکه از شیطان وجودشان پیروی می‌کنند، اظهار داشت: امروز به نام آزادی بر ضد آزادی، به نام زن و بر ضد زن و به نام دین بر علیه دین، اقدام می‌کنند چرا که می‌خواهند از این عناوین مقدس برای پیشبرد اهداف پلیدشان سوءاستفاده کنند که باید با قدرت در مقابل چنین افرادی ایستاد.

رئیس‌ی در پایان گفت: امیدواریم خدای متعال توفیق دهد وظایفمان را در قبال مردم بشناسیم و به آنها عمل کنیم و در جهت رفع رنج دیگران و پیشرفت کشور احساس مسئولیت داشته باشیم و تلاش کنیم. ■

منابع:

۱. آفتاب‌نیوز
۲. خبرگزاری دانشجو



ادیان ابراهیمی و توحیدی در رابطه با اعتقاد به خدای یگانه، بحث نبوت، بحث معاد و منجی موعود اشتراکات فراوانی با یکدیگر دارند و فقط در نوع اجرای احکام دینی تفاوت‌هایی در آنها مشاهده می‌شود ولی به طور کلی همه‌ی ما به خدای یگانه باور داریم و به سمت او نماز می‌خوانیم. اگر اختلاف نظری هم هست باید علمای ادیان با هم بحث کنند.

اتفاقات اخیر ما را به یاد رفتارهای دوران بربریت و جاهلیت می‌اندازد. چون توان مقابله با یک کتاب، یک ایده و ایدئولوژی را ندارند، فکر می‌کنند با پاره کردن و سوزاندن کتاب آن ایدئولوژی را از بین می‌برد، در صورتی که مسلماً معتقدان به آن کتاب را مصمم‌تر می‌سازد و جز ایجاد نفاق، آتش‌افروزی و دشمنی میان ادیانی که اشتراکات بسیار زیادی دارند، نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد.

درست است که یهودیت و اسلام تفاوت‌هایی با هم دارند ولی از نظر مقابله با دنیای کفر اشتراکات بسیار زیادی دارند و دشمن مشترک دارند. دنیای امروز نیازمند هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و هم‌فکری است و باید با حفظ اعتقادات خویش، اختلافات را هم پذیرفت و سعی کنیم این اختلافات را به حداقل برسانیم.

اقدام اخیر مصداق آن است که فردی در برابر یک ایده کم آورده و از پای میز مذاکره برمی‌خیزد و مشتکی بر صورت طرف مقابل می‌زند، این مشت زدن نشانه‌ی پیروزی نیست! بلکه این نشان‌دهنده‌ی آن است که از نظر گفتاری و مبانی و منطقی دچار کمبود است و چون نمی‌تواند آن را جبران کند چنین رفتاری از

وینار بین‌المللی «بررسی راهبرد جاهلیت مدرن در مواجهه با عقلانیت رهایی‌بخش توحیدی»

به دنبال هتک حرمت به قرآن کریم و اهانت به مقدسات اسلامی در چند کشور اروپایی، وینار بین‌المللی «بررسی راهبرد جاهلیت مدرن در مواجهه با عقلانیت رهایی‌بخش توحیدی»، ۱۲ بهمن، از سوی خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) برگزار شد.

این نشست با حضور حاخام یونس حمامی لاله‌زار؛ رهبر دینی کلیمیان ایران؛ سهراب انبارکی؛ رئیس بسیج حقوقدانان کشور و سخنرانی چند شخصیت بین‌المللی برگزار شد.

حاخام یونس حمامی لاله‌زار رهبر دینی کلیمیان ایران در این وینار هتک حرمت و سوزاندن قرآن را محکوم نمود.

متن سخنان حاخام یونس حمامی لاله‌زار، رهبر دینی کلیمیان ایران، به شرح ذیل است:

متأسفانه توهین به مقدسات در چند سال اخیر وجود داشته و ادیان توحیدی سوزاندن کتاب مقدس قرآن در اروپا را برخلاف هر دین و باوری می‌دانند. نام خداوند برای ما تقدس دارد.

چون نام خدای یگانه و یکتا در کتب دیگر ادیان آمده، هرگونه اهانت به آن کتاب مقدس اهانت به خداست و از فردی که ادعا می‌کند خداپرست هست این بعید است، چون انسانی که به خدا اعتقاد دارد حاضر نیست به کتابی که در آن نام خداوند آورده شده اهانت کند حتی اگر به آن کتاب ایمان نداشته باشد.

در تورات تأکید شده مکان‌های بت‌پرستی در سرزمین‌های مختلف نابود شود و در این کتاب هرگونه اهانت به نام خدا و حتی نوشته‌ی ساده ممنوعیت دارد چه برسد به اینکه مجموعه‌ای از اسامی متبرکه و اسماء الهی در کتاب مقدس قرآن وجود دارد، پس نباید به آن توهین شود.

و هم‌دین هستند اختلاف نظر وجود دارد و هیچ انسانی شبیه یکدیگر نیست ولی مهم آن است همه به خدا اعتقاد داشته باشیم. اگر چنین باوری وجود داشته باشد هیچ‌کس به خود اجازه توهین به دیدگاه دیگری را نمی‌دهد.

ادیان ابراهیمی و توحیدی در رابطه با اعتقاد به خدای یگانه، بحث نبوت، بحث معاد و منجی موعود اشتراکات فراوانی با یکدیگر دارند

بهترین شیوه‌ی امر به معروف این است که با رفتار و گفتار و عملکردمان افراد را اصلاح کنیم و اهانت به دیگری به ویژه اهانت به کتاب مقدس قرآن که بیش از یک میلیارد انسان به آن باور دارند مسلماً قابل قبول و پذیرش نیست.

جامعه‌ی یهودیان ایران اقدام اخیر را محکوم می‌کند و وظیفه هر انسان آزاده‌ای است که چنین رفتار جاهلانه و دور از باور و اعتقادات الهی را محکوم کند.

نباید به اسم آزادی بیان به دیگر ادیان توهین کرد. این آزادی بیان نیست بلکه این آزادی لجام‌گسیخته برای سوءاستفاده تلقی می‌شود. آزادی تا حدی قابل قبول است که باعث آسیب و آزار دیگران نشود.

در دعای حضرت داوود (ع) آمده: فرد خطاکار از بین نرود بلکه خداوند به هر فردی عقل و فهم و درک صحیح اعطا کند تا بتواند نفس اماره‌اش را رها سازد و در چنین حالتی صلح و دوستی در دنیا برقرار می‌شود و آرزوی جهانیان هم همین است. طبق باور یهودیان زمانی که منجی موعود ظهور می‌کند همه‌ی افراد دنیا خداپرست می‌شوند ولی باور و ادیان دیگری هم وجود خواهد داشت و یعنی این که دین یهودیت باور و ادیان دیگر را پذیرفته است. ■

او سر می‌زند. فردی که ادعای عالم بودن دارد و خود را روحانی دینی تلقی می‌کند، اقدام اخیر او به نوعی تحقیرآمیز و توهین‌آمیز بوده و نه تنها از دیدگاه ادیان بلکه از منظر هر عقل سلیمی قابل قبول نیست.

سوزاندن کتاب، ایده‌ها را از بین نمی‌برد و اگر فردی ادعا می‌کند عالم و آگاه هست بیاید صحبت کند و بگوید مبانی که من به آن اعتقاد دارم درست است و مبانی شما ایراد دارد.

اشتراکات ادیان توحیدی آنقدر زیاد است که نقاط اختلاف کم‌رنگ به چشم می‌خورد. در هر دینی مذاهب و مسلک‌های بسیاری وجود دارد و شاید در یک سری از مراسمات میان آنها تفاوت‌هایی به چشم بخورد اما هیچ‌یک اصل دین را زیرسؤال نمی‌برند. در واقع اصل دین، اعتقاد به خدا و تسلیم شدن در برابر امر خداست.

توهین کردن به دینی که پیروان بسیار زیادی دارد منطقی نیست، فردی که دین متفاوت دارد نباید به ادیان دیگر توهین کند، زیرا آن دین توانسته بسیاری از افراد را به خدوند نزدیک‌تر سازد. توهین به ادیان دیگر چه مسلمان باشد، چه مسیحی و یهودی جز ابله‌ی و جاهلیت تعبیر دیگری ندارد و انسان را یاد دوران بربریت و جانشینان اسکندر مقدونی که به بت‌ها و الهه‌های مختلف یونانی اعتقاد داشتند، می‌اندازد، دورانی که وقتی با یهودیت مواجه شدند و نمی‌توانستند با منطق و گفتار آن را رد کنند، دستور دادند تومارهای تورات را بسوزانند.

برای این که تورات و قرآن را بخوانیم وضو می‌گیریم تا با طهارت دست به کتب مقدس بزنیم، چرا؟ چون نام خداست و کلام هم کلام خدا. صرف اعتقاد به خداوند باید انسان را از رفتارهای غیرمنطقی بازدارد.

دشمنان به دنبال ایجاد تفرقه میان ادیان و اقوام مختلف هستند و منافع و سود آنها در جنگ‌افروزی است. اینگونه رفتارها مصداق شعله‌ور ساختن اختلاف‌هایی است که در اصل مورد پذیرش واقع شده، به عبارت دیگر میان دو برادر که هم‌مسلک

اصلاح قانون ارث اقلیت‌های دینی

امیر فراز نعیموت
وکیل دادگستری

رؤسای محترم کل دادگستری‌های استان‌ها

با عنایت به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به ماده واحده قانون «اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم» مصوب ۱۳۱۲ و قانون رسیدگی به دعوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی» مصوب ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، اطلاق ماده ۸۸۱ مکرر الحاقی به قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ بر اقلیت‌های دینی مشمول اصل فوق‌الذکر، صدق نمی‌کند، لازم است محاکم قضائی در مورد احوال شخصیه آنان برابر مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام نمایند. فلذا مقررات مذهب متوفی راجع به ارث لازم‌الرعایه است.

معاون اول قوه قضائیه - محمد مصدق

مسلمان نیستند ارثی از اموال متوفی نمی‌برند و در واقع آن شخص مسلمان وارث کلیه‌ی ماترک متوفی می‌شود. این ماده از زمان تصویب و اجرا تاکنون محل بحث و اختلاف نظر فقها و حقوقدانان بوده است. چرا که اکثر اهالی علم حقوق و فقه با توجه به تفاسیر فقهی و حقوقی، اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی را از شمول این ماده خارج دانسته‌اند، زیرا ایشان معتقدند که لفظ «کافر» در متن این ماده دلالت بر کافر غیر اهل کتاب یا به بیان فقهی «کافر حربی» دارد. ایشان، که یکی از سرشناس‌ترین آنان مرحوم آیت‌الله شاهرودی رئیس اسبق قوه قضائیه بود، بر این نظر استوارند که اموال و دارایی‌های اهل کتاب در حکومت اسلامی تحت حمایت و استیمن نظام اسلامی می‌باشد و مادام که در لقای جمهوری اسلامی قرار دارند حفظ حقوق و منافع مکتسبه ایشان در دستور کار حکومت اسلامی است. در میان دلایل و مستندات بیان شده از سوی فقها و حقوقدانان استدلال‌ات بسیاری بر این پایه وجود دارد. اکثریت مراجع و دستگاه‌های حقوقی عالی‌رتبه همواره بر این اتفاق نظر بوده‌اند که نباید در تفسیر ماده قانونی مورد بحث، اقلیت‌های شناخته شده در قانون اساسی را شامل حکم این ماده دانست.

در تاریخ ۱۹ آذرماه ۱۴۰۱ محمد مصدق معاون اول قوه قضائیه طی صدور بخشنامه‌ای به یکی از چالش‌های بزرگ نظام حقوقی ایران پاسخ داد تا این بخشنامه که در خصوص ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ صادر شده است روشنگر مسیر حقوقی تفسیر و اجرای این ماده‌ی مهم قانونی باشد.

از آنجا که تفسیر و اجرای این قانون تاثیر به‌سزایی در حقوق مربوط به احوال شخصیه‌ی اقلیت‌های دینی رسمی کشور دارد به صورت مختصر به ماهیت این ماده و چالش‌های موجود قضایی در خصوص آن و تاثیر بخشنامه‌ی مذکور در چگونگی اجرای آن می‌پردازیم.

ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی: «کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد، وراثت کافر ارث نمی‌برند اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.»
تفسیر و تعریف ماده: این ماده که برگرفته از یکی از قواعد فقهی امامیه است که اکثر فقها منبع اصلی آن را اجماع دانسته‌اند، بیان می‌دارد چنانچه شخص غیر مسلمانی فوت کند و در طبقات مختلف ارث یک نفر از وراثت مسلمان باشد، وراثتی که



جمهوری اسلامی ایران
معاونت اول قوه قضائیه

باسم تعالی

تاریخ: ۱۳/۰۹/۱۳۹۱

شماره: ۱۰۰۰/۲۳۷۶۷/۹۰۰۰

پوسته: ندارد

رؤسای محترم کل دادگستری‌های استان‌ها

سلام علیکم؛

با عنایت به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به ماده واحده قانون «اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم» مصوب ۱۳۱۲ و قانون «درسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی» مصوب ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، اطلاق ماده ۸۸۱ مکرر الحاقی به قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ بر اقلیت‌های دینی مشمول اصل فوق‌الذکر، صدق نمی‌کند، لازم است محاکم قضائی در مورد احوال شخصیه آنان برابر مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام نمایند. فلذا مقررات مذکور متوفی راجع به ارت لازم‌الرعایه است.

محمد مصدق
رئیس هیات اول قوه قضائیه

رونوشت:

آقای دکتر اسفندیار اختیاری نماینده محترم ایرانیان زرتشتی در مجلس شورای اسلامی جهت اطلاع.

حقوقی صورت می‌پذیرفت، چرا که عدم وجود منبع قانونی لازم‌الاجرا برای تفسیر و اجرای این ماده در طول زمان سبب تضییع حقوق افراد شده و متأسفانه بعضاً شاهد بوده‌ایم که عده‌ای افراد سودجو از این خلاء سوء استفاده نموده و با طرح ادعاهایی واهی و تظاهر دروغین به تشرف به دین اسلام سعی در پایمال نمودن حق و حقوق افراد خانواده خود نموده‌اند. حل این معضل در طول حدود سه دهه از ابلاغ این ماده قانونی همواره یکی از دغدغه‌های مسئولان جوامع اقلیت دینی ایران علی‌الخصوص حقوقدانان و وکلای این جوامع در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی بوده است که با رایزنی‌های متعدد با مسئولان قوه‌های قضائیه و مقننه سعی در حل این مشکل و

بر اساس اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی اقلیت‌های دینی شناخته شده می‌باشند که طی تفسیر فوق از ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی باید آنان را خارج از حکم این ماده دانست.

هر چند نظریه‌های فقها و حقوقدانان و بعضاً احکام قضایی محدود و چند نمونه نظریه‌های مشورتی قوه قضائیه دال بر خروج اقلیت‌های دینی مذکور از حکم ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی بوده است، اما دستیابی به یک رویه‌ی قضایی واحد ایجاب می‌کرد که از طرف مراجع قانونی ذی‌سمت جهت اجرای صحیح این ماده قانونی تعیین تکلیف صحیح و مستند بر پایه اصول

**قانون "رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال
شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان
زرتشتی، کلیمی و مسیحی"**

ماده واحده: رأی وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۹/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عیناً و به شرح ذیل به تصویب رسید:

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این که به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاهها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمة در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند. این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

قانون "رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی" در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه روز پنجشنبه مورخ سوم تیرماه یک هزار و سیصد و هفتاد و دو مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح ماده واحده فوق به تصویب رسیده است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

اکبر هاشمی رفسنجانی

خروج قانونی اقلیت‌های دینی از شمول ماده صدرالذکر داشته‌اند.

خوشبختانه مساعی و تلاش‌های قانونی مسئولان ذی‌ربط با حسن نظر و همکاری روسای قوه قضائیه ادوار مختلف علی‌الخصوص حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای و همچنین آیت‌الله دکتر رئیسی مثمر ثمر واقع گردید و مطابق بخشنامه‌ی شماره‌ی ۹۰۰۰/۲۳۷۶۷/۱۰۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۲ قوه قضائیه خطاب به روسای کل دادگستری‌های استان‌های ایران صراحتاً عنوان گردید که با توجه به ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم، حکم ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی در خصوص ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی صدق نمی‌کند و در واقع این اقلیت‌های دینی از شمول عنوان کافر در این ماده خارج بوده و طریقه تقسیم میراث متوفی ملتزم به این ادیان بر پایه قوانین فقهی و مذهبی دین متبوع خودشان صورت می‌پذیرد، به این نحو که مراتب تقسیم ارث پیروان این ادیان طبق قانون از مراجع قانونی شرعی این ادیان (در خصوص کلیمیان: انجمن کلیمیان تهران) استعلام می‌شود و بر پایه‌ی پاسخ واصله، دادنامه‌ی نحوه‌ی تقسیم ارث صادر می‌شود.

لازم به یادآوری است که پیگیری‌های مداوم نمایندگان اقلیت‌های دینی کلیمی، مسیحی و زرتشتی دوره‌ی یازدهم مجلس شورای اسلامی موجب حصول نتیجه‌ی نهایی شد و به‌ویژه تلاش‌های چندین ساله‌ی دکتر اسفندیار اختیاری، نماینده‌ی ایرانیان زرتشتی در مجلس، در صدور این بخشنامه بسیار موثر بوده‌است. علاوه بر این، نظر مثبت و اقدام شایسته‌ی محمد مصدق، معاون اول قوه قضائیه، موجب قدردانی و سپاس جوامع اقلیت‌های دینی است.

خوشبختانه در مورد این بخشنامه‌ی قوه قضائیه، در جامعه زرتشتی و کلیمی حکم و رای دادگاه به سود اقلیت‌های دینی گرفته شده و با گرفتن اولین رای، صدور حکم بر اساس احکام قبلی صادر خواهد شد.

در هر حال صدور این بخشنامه نشانه‌ی اهتمام به رعایت حقوق بشر و حقوق اقلیت‌های دینی در نظام جمهوری اسلامی است. ■

توضیح نماینده‌ی ایرانیان کلیمی درباره‌ی بخشنامه‌ی قانون ارث اقلیت‌ها

با عرض سلام و ارادت خدمت یکایک همکیشان عزیز پیرو بخشنامه‌ی اخیر معاون اول ریاست قوه قضائیه در مورد قانون ارث، لازم است در مورد اهمیت موضوع و همچنین اهمیت نحوه‌ی عملکرد نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس یازدهم نکاتی را خدمت سروران توضیح دهم:

این بخشنامه نظریه‌ی مجمع تشخیص مصلحت در سال ۱۳۷۲ را در مورد احوال شخصیه اقلیت‌های دینی تایید کرده و این بدان معناست که حداقل از سال ۱۳۷۲ شمول عطف ماسبق را داراست و از آنجایی که به مصوبه مربوط به احوال شخصیه اقلیت‌های دینی ۱۳۱۲ نیز اشاره شده، بسته به هنر و کیل می‌توان تا این سال نیز به رای دادگاه اعتراض نموده و در محکمه پیروز شد.

می‌بایست در مورد علت تشکیل مجمع تشخیص مصلحت به‌دستور حضرت امام(ره) اشاره‌ای داشته باشم:

در ابتدای شروع به کار دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی طبق قانون اساسی لازم است تمام قوانین مصوب در مجلس به تایید شورای محترم نگهبان برسد تا قانون مخالف قانون اساسی و شرع نباشد و پس اعلام نقص به صحن مجلس برگشته، رفع نقص و مصوب شده و پس از ارجاع مجدد به شورای نگهبان، به‌صورت قانون به قوه ابلاغ می‌شود.

در صورتی که شورای نگهبان قانونی را خلاف شرع یا قانون اساسی تشخیص دهد و مجلس نیز به مصوبه‌ی خود مصر باشد، قانون به مجمع تشخیص ارجاع می‌گردد و نظریه‌ی مجمع هرچه باشد، ارجح به شرع و قانون اساسی خواهد بود و مجلس، قانون اساسی و حتی شرع نمی‌توانند قوانین مجمع را لغو نمایند.

در سال ۱۳۷۰ قانون ارث در مجلس تصویب شد و حتی نمایندگان اقلیت‌های مذهبی با تفکر این که این قانون در مورد جوامع خود صدق نمی‌کند به آن رای مثبت دادند.

پس از تصویب قانون، نظر قضات و قوه‌ی قضائیه در مورد شمول این قانون در مورد اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی متناقض بود. خوشبختانه در سال ۱۳۷۲ مجمع تشخیص

مصلحت نظام در مقام حل معضل، مصوبه‌ی ۱۳۱۲ را تایید می‌کند که تاکید می‌کنم بالاتر از شرع و قانون اساسی است. نظریه‌ی مجمع به‌صورت اختصار این بود که احوال شخصیه-ی اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی در هر حالتی باید رعایت گردد (که شامل قوانین ارث هم می‌گردد). متأسفانه دادگاه‌ها احکام را بر طبق شرع صادر می‌کردند و نه طبق قانون؛ البته در ابتدا احکام متناقض بود. برخی از قضات، احکام را به نفع اقلیت‌ها و برخی به ضرر آن‌ها آرای خود را صادر می‌کردند و در چند سال اخیر تمام احکام طبق شرع صادر می‌گردید.

هنر و استراتژی آقای دکتر اختیاری (نماینده‌ی زرتشتیان)، تاکید بر مصوبه‌ی مجمع بود و در زمان ریاست آیت‌الله شاهرودی، آملی لاریجانی، رئیسی و اژه‌ای، تمام مذاکرات و مکاتبات از ابتدا شروع می‌شد و با اتمام خدمت رئیس قوه و شروع به کار ریاست جدید، تمام عملیات و پیگیری‌ها از صفر شروع می‌شد.

یکی از افتخارات بزرگ نمایندگان اقلیت‌ها در دوره‌ی یازدهم، تاکید بر نظریات نماینده‌ی محترم زرتشتیان در مجلس بدون در نظر گرفتن برخی از خودسانسوری‌ها بود که بیش از این تمایل به بسط موضوع ندارم.

بنده به‌نوبه‌ی خود با تشکر از همکاران محترم نماینده‌ی اقلیت‌ها در مجلس و با تشکر از نمایندگان ادوار تاکید می‌کنم آنچه باعث این افتخار بزرگ برای اقلیت‌های دینی و همچنین نظام مقدس جمهوری اسلامی گردید، مذاکرات و مکاتبات مستمر نمایندگان اقلیت‌ها با ریاست محترم قوه، حجت الاسلام والمسلمین اژه‌ای و معاون اول ایشان، حجت الاسلام مصدق به سرگروهی آقای دکتر اختیاری و حمایت قاطع دیگر نمایندگان بود.

مطمئناً قانون ارث و مشکلات حاصل از آن بسیار مهم بوده چنانچه برخی از وکلای جوامع اقلیت در مورد آن مقالات و پایان-نامه نوشته‌اند، لذا حقیر جلوه دادن این افتخار بزرگ و پیشرفت موثر جوامع اقلیت دور از انصاف است.

با تشکر

دکتر همایون سامه‌بیج

نماینده‌ی کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی

دوستی و احترام میان اسلام و یهود

رحمن دلرحیم

مدرس زبان عبری و تعلیمات دینی یهود



و یا رحمن دلرحیم:

«تمام ما چه زرتشت و چه بودا، کلیمی یا مسلمان یا مسیحا، همه از یک پدر هستیم مردم، چو انگشتان دستیم مردم، همه ادیان سوی یک الله است، تفاوت در طریق و سیر راه است.»

حضرت یوسف (ع) که سمبل و نمونه‌ی تقوا و پاکدامنی است، از بنی اسرائیل بوده است و قرآن کریم درباره‌ی او شهادت به شهادت در خودداری از بی‌عفتی و خیانت می‌دهد و او را می‌ستاید. حضرت دانیال نبی از انبیای یهود است که پیشگویی‌ها و تعبیرات او مورد تصدیق و احترام اسلام است. حضرات یونس و ایوب که به تفصیل در قرآن مجید از ایشان ذکر شده از انبیای یهود بوده‌اند.

خلاصه‌ای از متن معاهده‌ی حضرت محمد (ص) با بزرگان یهود چنین است:

«از یهودی‌ها هرکس پیرو ما باشد از یآوری و برابری برخوردار شود، کسی به او ظلم نکند و کسی را بر ضد او یاری

تمام ادیان مردم را به نیکوکاری نسبت به یکدیگر که موجب سعادت دنیا و آخرت است دعوت و رهبری می‌نمایند. تورات مقدس (لاویان ۱۹) می‌فرماید: «همنوعت را مثل خودت دوست بدار» و قرآن مجید می‌فرماید: (سوره حجرات، آیه ۱۳) «ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن‌گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.»

و حضرت محمد (ص) می‌فرمایند: «از ظلم و ستمکاری در حق دیگران سخت پرهیز داشته باشید، چه این که ظلم موجب ظلمات و تاریکی روز قیامت (برای افراد و عدم دستیابی آنان به راه نجات) می‌شود» (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۲)».

و سعدی: «بنی آدم اعضای یکدیگرند، که در آفرینش ز یک گوهرند»:

آن‌ها قبلا بر تو بازگو کردیم و پاره‌ای دیگر را بازگو نکردیم وحی فرستادیم و از میان آن‌ها خدا با موسی به وضوح سخن گفت.

سوره مائده آیه ۴۴: ما تورات را فرستادیم که در آن هدایت و روشنایی است و پیغمبرانی که تسلیم امر خدا هستند بدان کتاب بر یهودان حکم کنند و نیز خداشناسان و علمایی که مأمور نگهبانی (احکام) کتاب خدا هستند و بر (صدق) آن گواهی دادند. سوره اعراف آیه ۱۵۹: گروهی از قوم موسی هستند که مردم را به راه حق هدایت می‌نمایند و با معیار حق حکم می‌کنند.

سوره یونس آیه ۴۷: هر امتی پیامبری دارد و چون پیامبرشان آمد میان آن‌ها به عدالت داوری شود و مورد ظلم قرار نخواهد گرفت.

سوره ابراهیم آیه ۵: موسی را نشانه‌های خود فرستادیم و گفتیم که قوم خود را از تاریکی‌ها به روشنایی رهسپار گردان و روزهای انعام و انتقام خدا را به آن‌ها یادآوری کن که در آن‌ها برای هر شکیبایی سپاسگزار نشانه‌هایی است.

سوره اسرا آیه ۲: به موسی کتاب دادیم و آن را وسیله هدایت دودمان یعقوب مقرر داشتیم که زنده‌ها هیچکس غیر از مرا که خدای عالم هستم کارگزار خود تلقی نکنید.

سوره انبیا آیه ۴۸: به موسی و هارون تورات را که معیار تمیز حق از باطل و روشنی راه و پندی برای پرهیزکاران بود عطا کردیم.

این آیات مبارکه را با فرمایشات حضرت رسول اکرم (ص) به پایان می‌برم.

«قولوا لا اله الا الله تفلحوا». یعنی «بگوئید نیست خدایی غیر از خدای واحد تا رستگار شوید».

که برابر است با آیه مقدسه تورات که هر روز سه مرتبه ضمن نماز یومیه یهودی‌ها ذکر می‌شود:

"שְׁמַע יִשְׂרָאֵל ה' אֱלֹהֵינוּ ה' אֶחָד"

«شَمَعِ یِسْرَائِل اِدُونای الوهِنو ادونای احاد».

«بشنو ای بنی‌اسرائیل: خدا، خالق ماست، خدا یکتا

است».

نکنیم. یهودی‌ها پیرو دین خود و مسلمانان پیرو دین خویشند. یهودی‌ها در جنگ عهده‌دار مخارج خود و مسلمانان عهده دار مخارج خویشند و همدیگر را بر ضد کسی که با پیروان این قرارداد به جنگ برخیزد یاری کنند» (ابن هشام ۱۱۵/۲ - ۱۱۸). حال چند آیه مبارکه از دیدگاه قرآن مجید درباره‌ی بنی‌اسرائیل:

سوره بقره آیه ۴۰: دودمان یعقوب، نعمت مرا که بر شما ارزانی داشته‌ام به خاطر آورید و به پیمان من وفا کنید من هم به پیمان خود با شما وفا می‌کنم و تنها از کيفر من بترسید.

سوره بقره آیه ۶۰: چون به صحرا رسیدند موسی برای قومش جوهای آب شد به او گفتیم چوبدست خود را بر آن سنگ بزن آنگاه دوازده چشمه از آن جاری شد و هر تیره آبشخور خویش را شناخت (به آن‌ها خطاب کردیم) از روزی الهی بخورید و بیاشامید و در زمین تبهکاران سرکشی نکنید.

سوره بقره آیه ۵۰: هنگامیکه دریا را (محض ورود شما) شکافتیم آنگاه شما را نجات داده و فرعونیان را در برابر چشمانتان غرق ساختیم.

سوره آل عمران آیه ۸۴: بگو: ما به خدا و به آنچه بر ما و ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب نازل گردیده و نیز آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده است ایمان داریم و میان هیچ یک از آن پیامبران تفاوتی قائل نمی‌شویم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم.

سوره انعام آیه ۵۲: زنده‌ها کسانی که بامداد و شبانگاه پروردگار خویش را به نیایش می‌خوانند و خشنودی او را می‌جویند طرد نکن و نه تو مسئول حساب آن‌ها هستی و نه آن‌ها مسئول تو که طردشان کنی و در زمره ستمگران قرار گیری.

سوره نساء آیه ۱۶۳: ما به تو وحی فرستادیم همانگونه که نوح و پیامبران پس از او مثل ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب پیامبران دودمان عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی فرستادیم و همانگونه که داود زبور را عطا کردیم. سوره نساء آیه ۱۶۴: و بر پیامبرانی که سرگذشت پاره‌ای از

نقش ادیان توحیدی در خروج از بحران‌های محیط زیست

آرش آبائی



زمین، حفظ طبیعت، کاشت نهال، مهربانی با حیوانات و آنچه در محیط زندگی وجود دارد تأکید شده است.

حجت‌الاسلام محمدمهدی تسخیری معاون ارتباطات و امور بین‌الملل دانشگاه ادیان هم در این همایش گفت: رجوع به آیات الهی و تبیین این مهم که دین جاری کننده‌ی محبت، عدالت و سلامت است می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگو دینی برای توجه به مسائل زیست محیطی شود.

در ادامه ضرورت و چرایی توجه به ظرفیت ادیان برای مواجهه تاریخی با بحران معاصر زیست محیطی و به‌ویژه ضعف و قوت رویکرد علمی/تحصیلاتی در این مواجهه از سوی انجمن مدیریت سبز ایران توسط دکتر محمد حسن امامی (رئیس انجمن) و مهندس احمدی مطرح شد. در ادامه چهار پنل تخصصی با حضور هیئت رئیسه متشکل از نمایندگان ادیان و شخصیت‌های دانشگاهی و اجرائی با عناوین ذیل ارائه شد:

- چرایی و ضرورت نیاز انسان معاصر به ادیان
- تبیین رابطه انسان-طبیعت، فصل مشترک تمامی ادیان
- اکولوژی اجتماعی و دین
- تغییرات اقلیمی و زیبایی‌شناسی طبیعت

• دیدگاه یهودی

حاجام دکتر یونس حمای لاله‌زار، رهبر دینی کلیمیان و آرش آبائی در پنل ویژه‌ی ادیان، دیدگاه‌های یهودیت درباره‌ی محیط‌زیست را بیان کردند که محورهای اصلی سخنان ایشان بر اساس متون مقدس یهود و آموزه‌های تلمودی و عرفانی

همایش ملی «نقش ادیان الهی در خروج از بحران‌های جهانی محیط‌زیست» به اهتمام مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها، دانشگاه ادیان و مذاهب و انجمن مدیریت سبز ایران، با حضور نمایندگانی از انجمن کلیمیان تهران و اصفهان (حاجام دکتر یونس حمای لاله‌زار، سیون ماهگرفته و آرش آبائی) ۲۳ آذر ۱۴۰۱ در اصفهان برگزار شد.

در بخش افتتاحیه‌ی همایش، ماموستا عبدالاسلام کریمی مشاور رئیس جمهور در امور اقوام و ادیان توحیدی با اشاره به اینکه طبیعت در همه‌ی ادیان توحیدی مقدس است و انسان در برابر آن مسئول است، گفت: نگاه معرفتی به طبیعت بسیار مهم است و آنچه داریم امانتی از سوی پروردگار است که به ما سپرده شده و حق تخریب آن را نداریم.

سید رضا مرتضوی، استاندار اصفهان، هم در این کنفرانس با بیان اینکه یک درصد از جمعیت اصفهان را پیروان ادیان توحیدی شامل زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان تشکیل می‌دهند گفت: آثار تاریخی و محلاتی نیز به نام بزرگان ادیان توحیدی در اصفهان ثبت شده است. وی با بیان این‌که در زمان حکومت صفوی مکانی به نام صفاخانه در اصفهان وجود داشته که علمای ادیان مختلف در آن گرد هم می‌آمدند و حول مسائل روز جامعه تبادل نظر می‌کردند، گفت: در حال حاضر در شهر اصفهان ۱۶ کلیسا برای ارامنه، ۲۱ کنیسه برای کلیمیان و بیش از ۶ آتشکده برای زرتشتیان وجود دارد. وی افزود: در کتب ادیان توحیدی و آموزه‌های پیامبران الهی همواره بر آبادی



چنین است:

از دیدگاه یهود، همه‌ی هستی آفریده‌ی خداست و تنها در اختیار او قرار دارد. به همین علت او طبیعت و آفریده‌های خود را به امانت به انسان سپرده است تا از آن بهره برده و در عین حال از آن مراقبت نماید. آیات آغازین تورات در سفر پیدایش بر این موضوع تاکید دارد. ضمن آن که در همین آیات آمده است که خداوند پس از آفریدن هر بخش از جهان، بر نیکویی آن تاکید می‌نماید؛ و سپس اعلام می‌شود که انسان به شکل معنوی خداوند آفریده شده است. مجموع این آیات لزوم همکاری و شراکت انسان با خداوند در حفظ آفریده‌های نیکو را (که همان محیط زیست است) مورد توجه قرار می‌دهد.

اعیاد سه‌گانه‌ی تورات، هر یک با مناسبت‌های کشاورزی و زیست‌محیطی در ارتباط است. ضمن آن که جشن «ییلانوت» به‌طور خاص جشن درختان نام نهاده شده و در اهمیت حفظ درختان آیه‌ای از تورات (تثنیه فصل ۲۰) کندن درخت میوه را برای احداث سنگر در زمان جنگ حرام می‌شمارد؛ و بدین ترتیب هرگونه تخریب و هدر دادن منابع طبیعی به‌طور غیر ضرور منع شده است. در تلمود نیز روایتی از ربی یوناتان ذکر شده است که می‌گوید «اگر در حال کاشتن درخت بودی و خبر رسید که «ماشیح» (منجی موعود جهان) ظهور کرده است، ابتدا کار کاشتن نهال را انجام ده و سپس به استقبال ماشیح برو». علاوه بر این آیاتی در تورات (سفر اعداد فصل ۳۵) بر ایجاد حاشیه‌ای مناسب در اطراف شهرها (که مانع از تراکم بوده و فضای زیست‌محیطی مناسبی برای ساکنان شهر فراهم می‌کند) اشاره دارد.

تورات بر لزوم حفظ جان انسان تاکید دارد، چنان‌که «پیکوئچ نیفش» (نجات جان) بر آیه‌ای از تورات (لاویان فصل ۱۸) بدین مضمون مبتنی است: «احکام و قوانین مرا رعایت کنید، که از طریق آنها انسان زنده می‌ماند». همچنین هرگونه آسیب رساندن به خود طبق تورات (لاویان فصل ۱۹) منع شده است. لذا هر گونه تخریب غیر ضروری محیط زیست اعم از گونه‌های حیوانی و گیاهی یا ایجاد آلودگی که موجب در خطر قرار گرفتن جان انسان باشد، خلاف آموزه‌های یهود است. عرفان یهود بر تکمیل و ترمیم جهان (تیقون عولام) به دست انسان تاکید دارد. «تیقون عولام» یک آموزه‌ی بنیادین «قبالا» (عرفان یهود) است که یک وظیفه‌ی انسان عارف را، تلاش برای اصلاح جهان و بهبود وضعیت آن می‌داند؛ که حاصل آن، ورود به دوران مسیحایی و بهشتی است. همانطور که یهودیان در پایان هر نوبت از نمازهای روزانه (پلا'ینو ل'ش'ی'בה)، این جمله را ذکر می‌کنند: «امیدواریم که ... با حاکمیت خدای قادر مطلق، جهان ترمیم گردد...». (ל'ל כ'ן נ'קו'ה ל'ך ה' א'לק'ינו... ל'ת'ק'ן ע'ול'ם ב'מ'ל'כו'ת ש'ד'י)، لذا بهبود وضعیت زیست‌محیطی را می‌توان یک ارزش عرفانی یهودی برشمرد.

نقش اخلاق: در کنار باورهای دینی، اخلاق به‌طور کلی و اخلاق دینی به‌طور خاص تاثیر مهمی در بهبود تمام شئون زندگی و از جمله مسائل زیست‌محیطی دارد. مضمون اساسی اخلاق «وارد نکردن رنج غیر لازم به انسان» است، و تخریب محیط زیست، رنجی غیر ضروری را به انسان‌ها وارد خواهد ساخت.

همچنین قاعده‌ی طلایی اخلاق که مهم‌ترین آموزه‌ی ادیان از جمله دین یهود است در این آیه‌ی معروف در تورات مندرج است که «هم‌نوعت را مانند خودت دوست بدار» (لاویان فصل ۱۹ آیه ۱۸). این آیه که برخی علما آن‌را عصاره‌ی کل تورات دانسته‌اند، بهترین پشتیبان دینی برای حفظ محیط زیست است، که اگر به هم‌نوعان خود و کل بشریت عشق بورزیم، راضی به آسیب رساندن به جهان به عنوان محیط زیست مشترک خود نخواهیم شد. ■

ده فرمان

گزیده‌ی اشعار شاهین تورا (بخش نخست)

پیام لاله‌زاری



شادروان پیام لاله‌زاری (۱۳۹۵-۱۳۵۱) از فعالان فرهنگی جامعه‌ی کلیمیان شیراز، در سال ۱۳۹۴ اقدام به نشر گزیده‌ی اشعار «شاهین تورا» در یک کانال تلگرامی نمود. از این شماره قصد داریم این گزیده‌ها را با استفاده از زحمات مهندس لاله‌زاری و کتاب «شاهین تورا» به کوشش دکتر منوچهر خوبان، نشر شرکت کتاب (لس آنجلس، امریکا)، ۱۳۷۸ منتشر کنیم.

سردبیر

که تدوین آن را در سال ۶۹۸ هجری قمری آغاز کرده است. شاعر از حکایت‌ها و روایت‌های تلمودی و میدراشی در نظم موسی‌نامه استفاده نموده و این بر غنا و کیفیت کار او افزوده است. شاهین تسلط بی‌مانندی بر میدراش (تفسیر تلمودی) و حتی روایت‌های اسلامی داشته است.

خطاب حق تعالی با موسی در باب ده احکام

خطاب آمد کلیما عشر آیات
که هست آن ابتدای اصل تورات
منم آن صانع پیدا و پنهان
منم پروردگار انس و حیوان
منم خلاق مخلوقات آفاق
منم دارنده‌ی افلاک و نه طاق
منم چشم و چراغ ماه و خورشید
منم عفو گناه و بیم و امید
برآوردم شما را من به بیرون
ز مصر از بندگی پیش فرعون

در خاطر من نیست که کی و چگونه شاهین را شناختم ولی همین قدر می‌دانم که شیفته‌اش شدم و روزهای بسیاری را با او و اشعارش گذراندم. نزدیک به یک سال هر شب‌ها پاراشای هفته (فصول قرائت هفتگی تورات) را با شاهین مرور می‌کردم. من می‌خواندم و پدرم گوش می‌سپرد. بعد از صبحانه‌ی شب‌ها برای شنیدن شاهین بی‌تابی می‌کرد و چون شاهین شروع می‌شد آرام می‌گرفت و لبخند بر لب می‌آورد. پدر که رفت، شاهین هم در خانه‌ی ما تعطیل شد. حالا یک سال بعد از رفتن پدر «شاهین تورا» را باز کردم تا شعرهای نغز و زیبایش را به یاد پدر و برای آرامش روحش با همکیشانم به اشتراک بگذارم. شاهین تورا پل ارتباطی محکمی است میان ادبیات کتاب مقدس و ادبیات فارسی. ریسمانی است که یهودیت را با ایران و زبان فارسی پیوند می‌دهد. شاهین تورا را گویا در گذشته‌هایی دور در خانه‌ها می‌خواندند و لذت می‌بردند ولی الان را نمی‌دانم.

شاهین نخستین شاعر یهودی است که به فارسی شعر سروده است. شاهین را می‌توان از لحاظ قدمت، کیفیت و کمیت شعری سرآمد و رهگشای شاعران یهود دانست. در بسیاری از نسخه‌های خطی، کاتبان او را مولانا شاهین شیرازی می‌نامند. موسی‌نامه (تورات، سفر خروج) نخستین اثر شاهین است

گواهی در حق مردم به باطل
نشاید دادن ای خورشید کامل
کسی کو راست گوید، او بماند
بسا کامی در این گیتی براند
خلاف آن کو دهد بر کس گواهی
بگیرد روزگارش زو تباهی
دهم بر کس حسد بردن نشاید
که حسود زود زود از پا درآید
به مال و عورت و اطفال کس چشم
میندازد تا ایام در خشم
نگردد با شما از ناگهانی
در او دیگر نیابیدان امانی
بپوشید از جهاز خلق دیده
ز اموال و کنیز و جاه و بنده
چو ده آیت بر او قادر فرو خواند
فرو در کار او حیران فرو ماند
وزان جانب ز دور استاده هارون
همه جان گشته از خود رفته بیرون
شراب وحدت حق نوش کرده
خطاب حق سراسر گوش کرده
زهر جانب روان از ابر دُربار
بر آمد ناگهانی بانگ شوفار^۱
همی غرید و می زد نعره هر دم
دل آن ابر تر از حکم اکرم
چراغ و مشعله زان ابر بسیار
پدید آمد بسی از حکم جبار
بنی یعقوبیان آن‌ها بدیدند
به گوش خویش یکسر چون شنیدند
تماما جمله سوزیدند بر جای
ولی نهاد از ایشان کس برون پای

که تا بسیار در گیتی بمانید
به عز و ناز و دولت کام رانید
ز دولت هم نگردید سرنگون سار
بمانید هم به عالم قرن بسیار
به حضرت نیز روی اسپید باشید
به رخ تابنده چون خورشید باشید
ششم باید که خون کس مریزید
به یک دیگر نباید برستیزید
که هر کو خون بریزد، آخر کار
بگردد در قصاص آن گرفتار
بگردد رو سیه در روز محشر
وطن باشد ورا در نار و آذر
نشاید هان بدان آژرد کس را
در این راه اندرون مور و مگس را
ندای هفتمین فرمود زنهار
که از نار زنا ای قوم دین دار
نگه دارید خود را تا توانید
هوایی زین نمط در دل مرانید
که زان سوزنده تر آتش نباشد
چو آن چیزی برم ناخوش نباشد
خطاب هشتمین با وی بفرمود
به مال کس نباید دیده بگشود
ز مال و نعمت و اجناس مردم
بپرهیزد از آنان همچو کژدم
که از دزدی بدتر کاری نباشد
از آن کار بدترین کاری نباشد
که ناگه بنگری از در درآید
به زر بازی کند از سر بر آید
نهم در راستی نامی برآرید
حساب گفت کج در دل میارید

دوم باید که هان گمره نباشید
به وحدانیتیم نیکو شناسید
به ماه و آفتاب چرخ سیار
نبندید دل به معبودان پرگار
به جز من قادر و فریادرس را
دگر سجده نباید برد کس را
منم واحد، یکی در بود و نابود
منم حی و قدیم و فرد و معبود
سوم بر نام من بیهوده سوگند
نشاید خورد ایا پیر خردمند
که تا بسیار گردید و برومند
بینید از خود و فرزند فرزند
جهانتان جمله در فرمان درآید
ز من تان جملگی حاجت برآید
به گیتی در بگردیتان سرافراز
بود فرخنده تان انجام و آغاز
چهارم روز شنبه را گرامی
بود داشتن ورا در شادکامی
که در شش روز من این جمله عالم
به قدرت آفریدم شاد و خرم
به روز هفتمین آرام دادم
در شادی به عالم برگشادم
زن و فرزند، خدمتکار و حیوان
غلام و بنده و آزاد و مهمان
گذاریتان نباید بود در کار
بر ایشان گو چنین فرموده جبار
معظم روز شنبه، خاص خاص است
سپاس و حمد شنبه بی قیاس است
خطابی همچین فرمود جبار
که مام و باب را عزت نگه دار

بفرستیم ولی آن‌ها را برای مدت‌های مدید از نزدیک ملاقات نکنیم. آیا این کافی است؟ مسلماً پاسخ منفی است. روی آوردن به رسانه‌های اجتماعی به عنوان راهی برای فرار از تنهایی و تعمیق روابط دوستانه تنها یک فریب است و نمای ظاهری دوستی است. در این سال جدید، سال ۲۰۲۳، بسیاری از ما آنقدر تنها شده‌ایم که گویی سال‌هاست که در جزیره‌ای تنها زندگی کرده‌ایم و یا اکنون به تنهایی در آن جزیره به سر می‌بریم. اما راه حل چیست؟ راه این است که برای تسکین درد تنهایی به جای پناه بردن به رسانه‌های اجتماعی، به روابط صمیمانه و دوستانه با اطرافیان خود روی بیاوریم.



نوشتن یک پیام در زیر عکس یک دوست، تنهایی ما را پر نمی‌کند و یا به اشتراک گذاشتن پست یک دوست با دیگران یک گفتگو محسوب نمی‌شود. بلکه درست است که ملاقات با یک دوست از نزدیک ممکن است راحت نباشد و دردسرهایی داشته باشد. به عنوان مثال ممکن است مجبور شویم برای ملاقات دوست خود ساعت‌ها در ترافیک بمانیم و یا برخی از برنامه‌های زندگی خود را تغییر دهیم، اما این ارتباط در ایجاد و حفظ یک رابطه نقش مهمی دارد و با اطمینان می‌توان گفت به هیچ طریق دیگری به این خوبی نمی‌توان حس صمیمیت و دوستی خود را با دیگران تقویت کرد.

در کتاب تورات هم می‌خوانیم که خداوند در ابتدا انسان را تنها خلق کرد و بعد خداوند گفت: "خوب نیست که انسان تنها باشد، من در مقابل او انسان دیگری را خلق خواهم کرد."

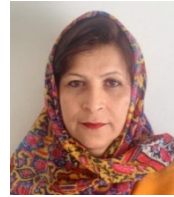
متوجه شده‌اید که با وجود آن که توسط دنیای مجازی کاملاً احاطه شده‌ایم و ظاهراً در تمامی ساعات زندگی با تعداد بی‌شماری در تماس هستیم، هنوز احساس تنهایی ما را رها نمی‌کند؟

یهودیت برای تنهایی راه چاره‌ای دارد و آن هم معجزه‌ی شبات (شنبه) است.

شبات:

درمانی برای تنهایی

ترجمه: سیما اخلاقی (رفوا)



اگر خوب دقت کنیم متوجه می‌شویم که همواره عاملی وجود دارد که بیش از سوءتغذیه، کمبود خواب و یا عدم تحرک سلامتی ما را تهدید می‌کند و آن تنهایی است.

تنهایی انسان را بی‌تاب و بی‌قرار می‌کند. تنهایی حتی خطر بروز آلزایمر، افسردگی و دیابت را در افراد افزایش می‌دهد. وقتی صحبت از تنهایی می‌شود محققان می‌پرسند چرا مردم کشورها، به عنوان نمونه مردم کشور آمریکا، رفته رفته زمان کمتری را صرف ارتباط با دوستان خود می‌کنند؟

در سال ۲۰۲۱ در یک نظر سنجی که در کشور آمریکا تحت عنوان "کیفیت دوستی‌ها در بین آمریکائیان" انجام شد نشان داده شد که آنان نسبت به گذشته زمان کمتری را به روابط شخصی با دوستانشان اختصاص می‌دهند و حتی روابطی که هنوز حفظ کرده‌اند هم به مانند گذشته صمیمانه و نزدیک نیست. با دوستانشان کمتر حرف می‌زنند و نسبت به گذشته از دوستان خود کمتر درخواست کمک و راهنمایی می‌کنند.

فکر می‌کنید علت چیست؟ شاید بتوانیم یکی از دلایل به وجود آمدن این وضعیت را بیماری کرونا بدانیم که طی دو سال گذشته گریبان مردم دنیا را گرفت و آنها را واداشت که به صورت ایزوله و دور از سایر افراد خانواده و دوستان زندگی کنند. اما، واقعیت این است که این روند کم شدن ارتباطات دوستانه در بین افراد آمریکایی قبل از پاندمی کرونا شروع شده بود و به دنبال همه‌گیری این بیماری و برقراری شرایطی که ایجاد می‌کرد افراد ارتباطات خود را محدود کنند، تنها این روند تسریع شد و علت اصلی این معضل را باید در جای دیگر جستجو کرد. پس چرا آمریکائیان نسبت به گذشته با دوستان کمتری روابط صمیمانه دارند و بیشتر از گذشته از احساس تنهایی شکوه می‌کنند؟

این سوال یک پاسخ ساده دارد. رسانه‌های ارتباط جمعی، رسانه‌های اجتماعی موفق شده‌اند با مرتبط کردن ما با هزاران نفر در آن واحد، با ایجاد توهم دوستی، ما را فریب بدهند. ممکن است سال‌ها دوست خود را از نزدیک ملاقات نکنیم اما هر روز یک پست از او در یکی از رسانه‌های اجتماعی پیدا خواهیم کرد، یا ممکن است در هفته چندین بار به دوستان نزدیک خود پیامی

برای کودکان بسیار اهمیت دارد که ببینند والدین آنها هم دوستانی دارند. مسلماً کودکان و یا نوجوانان ما ترجیح می‌دهند والدین خود را به جای کنار کامپیوتر و یا موبایل خود، در کنار دوستانشان ببینند.

اگر تهیه‌ی غذای شبات (برای تعداد زیاد میهمانان) کار سختی به نظر می‌رسد، می‌توانید یک غذای ساده تهیه کنید و خانواده و دوستان خود را دعوت کنید. اگر فکر می‌کنید که دوست یا فامیلی ندارید که دعوت کنید راه حل آن ساده است: کافیست در یکی از گروه‌هایی که در رسانه‌های جمعی عضو هستید یک کامنت بگذارید که: "بسیار علاقه‌مند هستیم که برای شام شبات میزبان شما باشیم". خواهید دید که در زمان کوتاهی میهمانان بسیاری خود را به خانه شما دعوت خواهند کرد. یا با دوست خود تماس بگیرید و از او بپرسید برای شب شبات این هفته میهمان دارد؟ در بدترین حالت اگر او شما را برای این هفته نتواند دعوت کند حتماً موقع دعوت میهمانان هفته‌ی بعدی به یاد شما خواهد بود.

اخیراً یکی از دوستان من در پستی که در یک گروه گذاشته بود نوشت: "چه کسی دوست دارد که این شب شبات میزبان یک زوج و دو فرزند زیبایی آنان باشد؟ ما دسر را می‌آوریم". این پیام ساده و بی‌آلایش آن چنان مرا تحت تاثیر قرار داد که من فوراً آنها را برای شام شب شبات به منزلم دعوت کردم. پیش از آن که ازدواج کنم، من بسیاری از شبات‌ها را در خانه‌ام به تنهایی غذا می‌خوردم چون اشتباهاً فکر می‌کردم اگر بخواهم یک میهمانی خیلی خوب را در این شب برگزار کنم باید تعداد زیادی میهمان دعوت کنم. اما پذیرایی کردن از تعداد زیادی میهمان کار راحتی نبود. در حالی که کافی بود حتی یک نفر از دوستانم را دعوت می‌کردم و از زیر سایه‌ی سنگین تنهایی بیرون می‌آمدم.

با شروع سال جدید ۲۰۲۳ و پشت سر گذاشتن بیماری کرونا، همه‌ی ما سعی داریم که سبک زندگی سالم‌تری را در پیش بگیریم و حداقل مقداری از وزن اضافی خود کم کنیم. با دعوت حداقل یکی از دوستان خود برای مراسم شب شبات می‌توانیم حداقل یک شب به جای این که به از دست دادن وزن خود فکر کنیم، چشمان خود را به روی سلامتی روحی‌ای باز کنیم که می‌توانیم به دست بیاوریم. ■

منبع:

Jewish Journal, 2023, Tabby Refael

منظور از معجزه‌ی شبات دورهمی‌ها و میهمانی‌های شبات است که دوستان و افراد خانواده را در مراسم شب و روز شبات گرد هم می‌آورد. یک برنامه‌ی منظم را در نظر بگیرید که بر اساس آن همه‌ی افراد خانواده و یا دوستان در طول سال حداقل هفته‌ای یک بار دور هم جمع می‌شوند و برای یهودیانی که قوانین شبات را به دقت رعایت می‌کنند و در این روز تلویزیون، کامپیوتر و تلفن‌های خود را خاموش می‌کنند، حتی فرصت ارزشمندتری فراهم می‌شود که در این دورهمی‌ها با سایر افراد خانواده تعامل بهتر و بیشتری داشته باشند.



گذراندن یک وعده‌ی غذایی شبات مثل شام شب شبات و یا وعده‌های روز شبات با دوستان، چه میزبان باشیم و چه میهمان، دیگر جایی برای طفره رفتن از ملاقات دوستان و یا خانواده به بهانه‌ی نداشتن فرصت باقی نمی‌گذارد. اگر دوستی دارید که دسترسی به او کار آسانی نیست، دعوت او به شام و یا ناهار شبات چیزی نیست که از آن استقبال نشود. مسلماً هر کسی نیاز دارد که غذا بخورد و کیست که دعوت به یک وعده غذایی گرم و دلچسب را رد کند؟

همچنین شام شبات فرصت مناسبی را فراهم می‌آورد که بتوان هم دوستان و هم افراد خانواده و فامیل را با هم دعوت کرد و در کنار آنها اوقات خوشی را داشت و چه بسا که در این ارتباطات بتوان دوستان جدیدی را هم به دایره‌ی دوستی خود اضافه کرد. به علاوه این گرد هم آمدن فرصت مناسبی را برای کودکان و جوانان خانواده فراهم می‌آورد که با همسالان خود روابط نزدیکی را برقرار کنند.

مسلماً وقتی میهمان دعوت می‌کنیم فضای میهمانی بدون سر و صدای بچه‌ها و یا بحث و گفتگوی میهمانان نخواهد بود، اما همین اختلاف‌نظرها و بحث‌هاست که بین افراد دل‌بستگی و محبت ایجاد می‌کند و به صمیمیت و دوستی افراد خانواده و یا گروه دوستی عمق و غنای بیشتری می‌دهد. برای این روابط هیچ جایگزین مناسب دیگری نمی‌توانیم پیدا کنیم.



بقا و کرامت در میراث فرانکل

دکتر بوری ورتایمر^۱



ترجمه: مرجان یشایی

روزنامه‌نگار و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

را می‌دید.

فرانکل درک عمیق خود را از نهاد بشر از طریق این تخیل و تصویرسازی در تاریک‌ترین و ظالمانه‌ترین مکان‌ها اینطور بیان می‌کند: «آنگاه به معنای بزرگ‌ترین رازی که شعر بشری و اندیشه و عقیده بشری باید آن‌را به اشتراک بگذارند، پی بردم: رستگاری انسان از طریق عشق و در عشق است. عشق.» این مکاشفه بود که به فرانکل این روشن‌بینی و عزم را داد تا رنج خود را با شرافت و وقار و کرامت تحمل کند و تشخیص دهد که تنها قدرت و نور درونی، او را از عذاب وجودش رهایی می‌بخشد. او نمی‌توانست شرایط خود را تغییر دهد و نمی‌توانست پدر و مادر و همسرش را از مرگ ناپهنگام آنها به دست نازی‌ها در امان نگاه دارد، اما می‌توانست تعداد بی‌شماری دیگر را که اراده‌ی زندگی را از دست داده بودند، امیدوار کند.

لوگوتراپی (معنادرمانی) در جستجوی لذت عمیق و واقعی

فرانکل پس از زنده ماندن از «راه حل نهایی»^۲ هیتلر و بازسازی نسخه‌ی خطی مصادره شده‌اش در زمینه‌ی لوگوتراپی، درمان مبتنی بر معنا را توسعه داد و به کمال رساند. "لوگوس" یک کلمه یونانی است که به معنی یا دلیل ترجمه شده است و این مفهوم جستجوی انسان برای معنا است که جهت‌گیری روانشناختی فرانکل را در بر می‌گیرد. او در کتاب «انسان در جستجوی معنا» نوشت: «انسان می‌تواند به خاطر آرمان‌ها و ارزش‌هایش زندگی کند و حتی بمیرد». در این کتاب، فرانکل به تحقیقاتی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد موارد خودکشی با

ویکتور فرانکل (۱۹۰۵-۱۹۹۷)، جان به در برده از چهار اردوگاه مرگ آلمان نازی، روان‌پزشک و عصب‌شناس اتریشی و پدیدآورنده‌ی معنادرمانی (لوگوتراپی)، رازی برای شادی داشت:

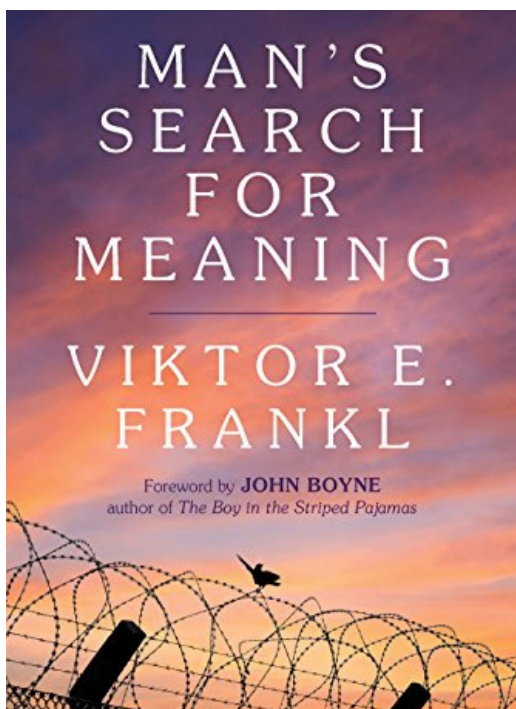
«برای آن سر و دست نشکنید!»

او به عنوان یک استاد بارها به دانشجویانش توصیه می‌کرد که به دنبال هدفی بزرگ‌تر از خود شادمانی باشند و قول داد که شادی و موفقیت، محصول جانبی ناخواسته‌ی آن هدف بزرگ‌تر خواهد بود. این فلسفه‌ی او قبل، حین و بعد از هولوکاست بود. در کتاب «انسان در جستجوی معنا» فرانکل تجربه‌های خود در اردوگاه مرگ را شکنجه‌هایی جسمی، ذهنی و روحی توصیف کرده بود. شکنجه‌هایی مانند ضرب و شتم، گرسنگی دادن، تحقیر، کثیفی، سرمازدگی، بی‌خوابی و نبود دسترسی به هر نوع مراقبت‌های شخصی مانند دوش گرفتن یا مسواک زدن. به گفته او، تهدید به مرگ همه جا بود، پس هیچ جای تعجب نبود که خودکشی، دغدغه‌ی فکری هر زندانی باشد. فرانکل واکنش عادی زندانیان به شرایط اردوگاه‌ها را «فروکش کردن احساسات» می‌نامد که می‌توانست حساسیت‌زدایی نسبت به ضرب و شتم مدام، مرگ و بی‌حرمتی باشد.

عملاً، نقش فرانکل به عنوان پزشک اردوگاه بارها جان او را نجات داد، اما به طور انتزاعی‌تر، عشق او به همسرش بود که او را واقعاً زنده نگه داشت. او توصیف می‌کرد که اغلب به ابرها نگاه می‌کرد و تصویر همسرش، لبخند و نگاه دلگرم‌کننده‌ی او

^۲ برنامه آلمان نازی برای کشتار جمعی سازمان‌یافته یهودیان در جنگ دوم جهانی که منجر به وقایع هولوکاست شد.

^۱ دکتر بوری ورتایمر یک درمانگر رفتاری معنامحور و شناختی، و استاد کمکی روانشناسی است.



آسایش و رضایت از خود بوده است، پس او از چه جهت با حیوانات تفاوت دارد؟ پاسخ به هیچ وجه این نیست. به عقیده‌ی فرانکل، هر فردی جنبه‌ی معنوی دارد، یا آن چیزی که او آن را «بُعد ادراکی» نامید که او را بالاتر از نیازها و خواسته‌های اساسی و دنیوی قرار می‌دهد. الیزابت لوکاس، نویسنده و پزشک برجسته‌ی لوگوتراپی در کتاب «درمانگر و روح» می‌نویسد: «روح به دنبال شهوت نیست، بلکه به معنا نیاز دارد، به دنبال ارضای نیازها نیست، بلکه به دنبال وظایف و اهداف معنادار در زندگی است. برای برخی از افراد، این ممکن است والامشانه و غیر واقعی به نظر برسد - بالاخره، زندگی سخت و فقط گذراندن روز به اندازه‌ی کافی چالش برانگیز است. مشکل این نگرش این است که رضایت، شادی و خلق و خوی کلی ما را تحت تأثیر رویدادهای روزمره قرار می‌دهد، انگار ما در خدمت شرایط قرار می‌گیریم. لوکاس یکی از فلسفه‌های اصلی فرانکل را این می‌بیند که هر موقعیتی صرف‌نظر از اینکه چقدر دردناک یا پیش پا افتاده است، باید با معنا درآمیخته شود. فرانکل درک کرد که رنج یک عارضه‌ی جانبی اجتناب ناپذیر شرایط انسانی است که می‌توانیم به صورت ناسازگارانه یا با متانت و خونسردی به آن پاسخ دهیم. برای او و دیگر درمانگران، چیزی که ضروری است، یافتن هدف در «برای چیزی بودن» و «برای کسی بودن»

چیزی که او آن را «خلأ وجودی» می‌نامید مرتبط است، و گفت که موارد «اختلال روانی» در روزهای یکشنبه که افراد تنها می‌مانند تا درباره‌ی «فقدان محتوا در زندگی‌شان» فکر کنند، گسترده‌تر است. به عقیده فرانکل، وقتی انسان به دنبال چیزهای زودگذر، مانند پول، شهرت، خوشبختی یا موفقیت است، ناگزیر در تار و پود بی‌معنایی قرار می‌گیرد. این بی‌معنی بودن، خود را در پیریشانی روانی از جمله اضطراب، افسردگی، وابستگی به الکل و مواد مخدر و خودکشی نشان می‌دهد. فرانکل معتقد بود که علت سرخوردگی وجودی این است که باور داشته باشیم زندگی فقط زمانی خوب است که همه‌ی چیزهایی را که نیاز داریم و آرزو داریم داشته باشیم.

فرانکل معتقد بود دلیل سرخوردگی در وجود ما این است که آرزوی معنوی ما برآورده نشده است. در اعماق هر فردی نیاز به هدف و چیزی یا شخصی برای زندگی وجود دارد.

اما زندگی در آلمان نازی به فرانکل نشان داد که همه چیز در زندگی در هر لحظه ممکن است از دست برود. فرانکل می‌دانست فقط احساس کرامت و معنا می‌تواند دائمی باشد. او تشخیص داد که دارایی، تحسین و پول، خوشبختی نمی‌آورد، نه تنها به این دلیل که این چیزها ناپایدار هستند، بلکه به این دلیل که به محض دستیابی به دارایی‌های مادی، احساس نارضایتی و اشتیاق برای بیشتر به دست آوردن به وجود می‌آید. ما بیشتر و بیشتر پول به دست می‌آوریم، کالاهای بیشتری مصرف می‌کنیم، آزادی شخصی و جنسی بیشتری داریم، با این حال بیشتر و بیشتر از همیشه بدبخت هستیم. چرا؟ فرانکل معتقد بود حس بدبختی وقتی به وجود می‌آید که آرزوی معنوی ما برآورده نشده است. در اعماق هر فردی نیاز به هدف و چیزی یا شخصی برای زندگی وجود دارد. آنطور که فرانکل می‌گوید، "بیشتر و بیشتر زنده می‌مانند تا زندگی کنند." روانشناسان این را اصطلاحاً تردمیل لذت‌بخش می‌نامند - سرخوشی به سرعت از بین می‌رود و حسادت بازمی‌گردد. بنابراین، این معنای بیشتر است که بشر خواهان آن است نه چیزهای بیشتر.

در جستجوی معنا

اگر فرض کنیم که هدف نهایی بشر در زندگی دستیابی به

واکنش خود را انتخاب کنند. او نوشت: «انسان دست‌بسته‌ی شرایط یا تصمیم‌هایی نیست که برایش گرفته‌اند، بلکه خودش تعیین می‌کند که آیا تسلیم شرایط شود یا در مقابل آنها بایستد. به عبارت دیگر، انسان در نهایت خود تعیین می‌کند.» در اردوگاه‌های مرگ نازی، فرانکل نه آنچه را که کم داشت، بلکه آنچه را که به او معنا می‌داد، در پیش زمینه‌ی شخصی خود قرار داد. او اعتقادی داشت که می‌گفت: بگذارید ما را نه با آنچه برایمان اتفاق می‌افتد، بلکه با انتخاب‌های خوبی که برای خود، برای دیگران، برای جهان و برای همیشه انجام می‌دهیم، بشناسند. ■

منبع:

Jewish Journal, 2023

ایمان به خدا

رحمن دل‌رحیم

اگر خواهی تو نیرو، جان خسته
اگر خواهی گشائی درب بسته
اگر در شب تار دنبال نوری
و چو گم گشته‌ای در راه دوری
اگر غریبی و خواهان کیشی
و چون آواره‌ای بی قوم و خویشی
اگر بیماری و خواهان طبابت
یا چو عارف به دنبال عبادت
نشان در دشت دل گل‌های ایمان
بکن تو با خدا تجدید پیمان
معطر کن لبانت با تقیلا
رسد بوی خوشش تا عرش اعلا
چو خوانی تو خدایت را هر روز
موفق می‌شوی و شاد و پیروز

*تفیلا: نماز

است. فرانکل زندگی «خود متعالی» را تنها راه به سوی یک زندگی معنادار توصیف کرده و معنا تنها به‌خاطر تمرکز بر آینده مهم نیست، بلکه فرانکل معتقد بود که تمام وسعت تجربیات زیسته، روابط عاشقانه، خلاقیت‌ها و اهداف با گذشت زمان از بین نمی‌رود. لوکاس می‌نویسد: «آنچه که وجود دارد، اهدافی است که به آن رسیده‌اند... مجموع همه چیزهایی که زندگی را ارزشمند کرده است». پس چگونه می‌توان به نقشه‌های خنثی شده، عشق‌های از دست رفته، بیماری‌های روحی و جسمی، مرگ و رنج نابهنگام معنا داد؟ فرانکل تظاهر نمی‌کرد که همه‌ی پاسخ‌ها را دارد، اما معتقد بود که برخی چیزها برای همیشه فراتر از درک انسان‌های فانی باقی می‌ماند و باوری غیر از این معنایی عمیق‌تر و کیهانی را از زندگی سلب می‌کند.

زندگی خوب است

زیبایی و منحصر به فرد بودن لوگوتراپی (معنادرمانی) در ایمان عمیق آن به شایستگی نوع بشر و خود زندگی است. با این باور به عنوان نقطه شروع، هدف لوگوتراپی این است که به افراد کمک کند احساس ارزش و ارزشمندی زندگی خود را افزایش دهند و وقتی همه چیز طبق برنامه پیش نمی‌رود، مشکلات و شکست‌های خود را مدیریت کنند. نکته اینجاست که حتی زمانی که همه چیز به کل به راه اشتباه می‌رود، زندگی ارزش ذاتی خود را حفظ می‌کند. ما می‌توانیم یاد بگیریم که در میان رنج جستجو کنیم تا معنا و نور را پیدا کنیم، نه این که بگذاریم این رنج‌ها ما را به تاریکی بکشاند. این بدان معنا نیست که لوگوتراپی چشم بر رنج می‌بندد. همچنین به این معنا نیست که لوگوتراپیست‌ها خوش بینانی سرخوش هستند. همانطور که لوکاس بیان می‌کند، «باید توجه کرد که افراد اگر درباره‌ی مشکلات خود یکسونگری داشته باشند ... یا تنها بر مسائل منفی تمرکز کنند، در مورد مجموع رویدادهای منفی و مثبت در زندگی خود تا چه حد می‌توانند اشتباه کنند.» معنادرمانی به این دلیل موثر است که با این باور مثبت شروع می‌شود که انسان قوی و انعطاف پذیر است و اگر بتواند به هر چالشی معنا بدهد، بر آن غلبه خواهد کرد.

بر اساس درک فرانکل، مردم در تئاتر زندگی قربانیان در مانده نیستند، بلکه بازیگرانی هستند که می‌خواهند نحوه‌ی

وزارت امور خارجه ایران و حفاظت از کلیمیان ایرانی مقیم بالکان و فرانسه ویشی در خلال جنگ جهانی دوم

رضا آذری شهرضایی
پژوهشگر تاریخ معاصر ایران
تلخیص: نیوشا پایاب



سفارت ایران در سوئیس، هشیاری و پیگیری لازم را به عمل نمی‌آوردند، صدها نفر از آنان در اروپا و در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها از بین رفته بودند. تقلیل و معرفی این اقدام انسانی سازمانی و گروهی - که البته با همکاری وزارت امور خارجه سوئد به عنوان حافظ منافع کشورمان در بالکان و وزارت امور خارجه سوئیس در فرانسه و یونان و آلمان صورت می‌گرفت - به اقدام شخصی یک فرد، شاید به لحاظ تاریخی چندان منصفانه و مطابق واقع نباشد. در سال‌های اخیر در سایت‌های مختلف تقدیر از یک دیپلمات ایرانی به نام عبدالحسین سرداری به عنوان ناجی یهودیان ایرانی در فرانسه طرح شده است. در این مقاله تلاش بر این است، با رجوع به اسناد وزارت امور خارجه در آن دوران روایتی دیگر از آنچه درباره‌ی کلیمیان

جنگ جهانی دوم رویدادی اسفبار بود که پیامدهای دردناکی داشت. ایرانیان هم ناخواسته سهمی عظیم از این پیامدهای مصیبت‌آور را متقبل شدند. اشغال ایران توسط متفقین برای یاری رساندن به روسیه‌ی شوروی و تحمیل خسارات مادی و معنوی به ایرانیان، از جمله پیامدهای ناخوشایند جنگ برای ایران بود.

در این میان حوادث دردناک دیگری هم بودند که در سطوحی پایین‌تر برای شهروندان عادی ایران رخ داد و تاکنون مجال برای بررسی آنان فراهم نشده و ذیل حوادث بزرگ‌تر گم و ناپدید شد. اقلیتی از کلیمیان ایرانی در بالکان و فرانسه زندگی می‌کردند و دارای کسب و کار بودند که اگر نمایندگی‌های وزارت امور خارجه ایران در اروپا، به‌خصوص

آن کشور اقامت دارند شامل نماید». وی به این دو سفارت مأموریت می‌دهد که «به وسایل ممکنه بازجویی نمایید که در این مورد نسبت به اتباع دول بی‌طرف خصوصاً مصر که وضعیت خاصی را دارد چه رفتار می‌شود و از نتیجه‌ی تحقیقات وزارت امور خارجه را آگاه سازید».

همچنین پاسخ استعلام وزارت امور خارجه از مشاور حقوقی وزارتخانه در این خصوص چنین بود: «حق حاکمیت دول نسبت به اتباع خارجه مطلق نبوده بلکه محدود به حدی است که اصول و قواعد بین‌المللی مقرر می‌دارد. با توجه به اصول نامبرده هر دولتی مجاز و مختار است اتباع بیگانه‌ی مقیم قلمرو خود را از حق تملک اموال غیرمنقول محروم نموده، آنها را وادار به فروش اراضی مزروعی و مستغلات خود بنماید، ولی هیچ دولتی حق ندارد که املاک اتباع بیگانه را ضبط نماید و به طریق اولی هیچ دولتی محق نیست به ملاحظات نژادی و مذهبی، املاک پاره‌ای از اتباع خارجه را ضبط کند ... دولت رومانی می‌تواند به منظور «رومانی‌ژاسیون» یعنی استخلاص زندگانی اقتصادی و مالی رومانی از نفوذ یهودی‌ها، اتباع کلیمی دول خارجه را وادار به فروش املاک خود بنماید، ولی به هیچ عنوان مجاز نیست مجاناً و بدون پرداخت قیمت عادلانه املاک آنها را ضبط کند».

اداره سوم سیاسی وزارت امور خارجه، از سفارت ایران در استکهلم می‌خواهد موارد حقوقی ذکر شده را برای وزارت امور خارجه سوئد بیان و خواهان رفع مزاحمت از اتباع کلیمی ایرانی توسط دولت رومانی شود. در پاسخ، سفارت ایران در استکهلم به وزارت امور خارجه ایران متذکر می‌شود: «به قرار اطلاع حاصل از وزارت خارجه سوئد قوانین رومانی راه حل را در موضوع املاک یهودی‌های اتباع ایران مسدود نموده، امیدواری دارد موضوع به خوبی حل شود». همچنین وزیر مختار ایران در برن، طی نامه‌ای از سفارت مصر در برن می‌پرسد که اتباع یهودی مصری، همانند اتباع یهودی ایرانی، دچار قوانین ضد یهودی دولت رومانی شدند و دولت مصر در قبال این قوانین ضد یهودی دولت رومانی چه تدابیری را اتخاذ کرد. سفارت مصر در برن، در پاسخ به سفارت ایران در برن، سفارت سوئیس را حافظ منافع مصر در بخارست می‌داند و متذکر می‌شود این سفارتخانه اقداماتی در جهت وارد کردن مصر به لیست بند ۲ تصویب نامه‌ی دولت رومانی افزوده که باعث گردید که اتباع یهودی مصر اموال‌شان مصادره نگردد.

ایران رخ داد، بیان شود.

بعد از اشغال ایران در سوم شهریور ۱۳۳۰ تغییراتی در روابط ایران با دول محور رخ داد. سفارت سوئد در ایران حافظ منافع دول آلمان، مجارستان، رومانی و بلغارستان شد. همچنین دولت سوئد حافظ منافع ایران در بالکان گردید و سوئیس هم حافظ منافع ایران در فرانسه‌ی ویشی، یونان و آلمان. بنابراین حفظ اتباع ایرانی در بالکان و فرانسه از طریق سفارت سوئد در بالکان و در فرانسه‌ی ویشی، توسط سفارت سوئیس انجام می‌شد. بعد از اشغال ایران توسط متفقین، اتباع کلیمی ایران در بالکان و فرانسه مورد اذیت و آزار و جان و مال آنان در معرض خطر قرار گرفت. اتباع ایرانی نیازمند اقدامات عاجل وزارت امور خارجه ایران برای حفظ آنان بودند.

• در رومانی

سفارت سوئد حافظ منافع اتباع ایرانی به ویژه کلیمیان ایرانی بود و وزارت امور خارجه ایران مکاتبات مستمری در خصوص آگاهی از وضعیت آنان به انجام رساند. سفارت سوئد به وزارت امور خارجه ایران اطلاع داد که هیأت دولت رومانی قانونی را تصویب کرده که اموال غیرمنقول یهودی‌ها را مصادره نماید و کلیه یهودی‌ها باید اموال غیرمنقول خود را اعلام کنند. این قانون شامل یهودیان خارجی مخصوصاً کلیمیان ایرانی هم شده، بنابراین مأمور سفارت سوئد به وزارت امور خارجه رومانی مراجعه و در خصوص کلیمیان ایرانی به مذاکره می‌پردازد. وزارت امور خارجه رومانی به مأمور سفارت سوئد اعلام می‌کند که ممکن است دول دیگر معامله‌ی متقابل نمایند و به احتمال قوی در خصوص یهودیان خارجی معافیت صورت می‌گیرد. نهایتاً تنها اقدامی که میسر گردید این بود که تا زمانی که وزارت خارجه رومانی بازرسی‌های لازم را در مورد اتباع ایران تمام نکرده و البته این مدت هم طولانی نخواهد بود، اقدام در ضبط اموال غیرمنقول اتباع یهودی ایران، متوقف بشود.

معاون وزارت امور خارجه خطاب به سفارتخانه‌های ایران در برن و آنکارا مشکلات یهودیان ایرانی را در رومانی برشمرده و پیش‌بینی‌های لازم برای رفع مشکلات یهودیان ایرانی را بیان می‌کند: «بنا بر اصل مسلم حقوقی اگر دولتی بر اثر حق حاکمیتی که دارد خود را محق در ضبط قسمتی از اموال اتباع کلیمی خود بداند نمی‌تواند به ملاحظات نژادی یا مذهبی اتباع کلیمی دول دیگر را که برای امور تجارتي و یا کارهای دیگر در

صوفیه باید این شهر را ترک و به شهرهای مختلف که مأمورین دولتی معین کرده‌اند بروند و به خانواده‌های یهودی اخطار شده که ظرف سه روز صوفیه را ترک کنند، در غیر این صورت به اجبار با ترن به لهستان تبعید خواهند شد.

سفارت سوئد «مستقیماً با کمیساریای مخصوص امور مربوط به یهودی‌ها وارد مذاکره و اقدام شده و تقاضا نموده است از مزاحمت اتباع یهودی ایران موقتاً خودداری شود».

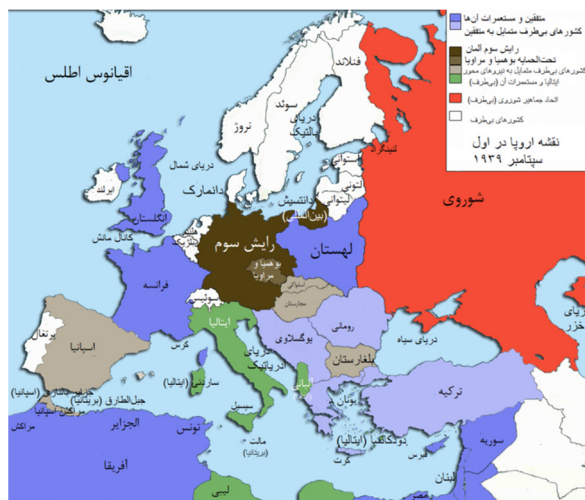
نماینده‌ی وزارت امور خارجه ایران در سوئد به وزارت خارجه اطلاع می‌دهد که یهودیان ایرانی خارج از بلغارستان تبعید نشدند و اقدام سفارت سوئد موفقیت آمیز بود.

به رغم تدابیر لازم، ظاهراً تعدادی از خانواده‌های یهودی ایرانی به روسیه تبعید شدند، بلافاصله سفارت سوئد در بلغارستان آگاه شده و وابسته‌ی نظامی سفارت برای سرکشی و آگاهی از وضعیت آنان اعزام می‌شود؛ او در گزارشی می‌نویسد: خواسته‌ی آنان این بود که گذرنامه‌ی ایرانی‌شان تمدید شده و راهی برای بازگشت‌شان به ایران فراهم شود. زندگی در بلغارستان برایشان از آن پس دیگر مقدر نبود، زیرا دولت بلغارستان با زور یهودیان ایرانی را وادار کرده اموال خود را بفروشدند و بلغارستان را ترک کنند و آنان دیگر امکاناتی برای احیاء زندگی و تأمین معاش خود نداشتند.

وزارت خارجه سوئد بعد از ارسال گزارش وابسته‌ی نظامی خود، متذکر می‌شود وضعیت یهودیان ایرانی مناسب است ولی چون امکان تأمین مایحتاج خود را در بلغارستان ندارند، لازم است وزارت امور خارجه ایران راهی برای بازگشت آنان فراهم آورد.

همچنین سفارت ایران در استکهلم طی نامه‌ای به وزارت خارجه سوئد اعلام می‌کند در خصوص فروش اجباری اموال و اخراج یهودیان ایرانی از صوفیه، وزارت امور خارجه سوئد رسماً اعتراض وزارت خارجه ایران را به دولت بلغارستان ابلاغ کرده و در مورد اجحاف ظالمانه‌ی آن دولت نسبت به ایرانیان یهودی که مغایر با حقوق بین‌الملل بوده ابراز ناخرسندی کرد.

در مورد بازگشت یهودیان ایرانی از بلغارستان؛ دولت ایران اقداماتی نموده و وزارت کشور ایران به تاریخ ۱۳۲۲/۹/۳ به وزارت امور خارجه ایران اعلام می‌کند که «عبور از خاک ترکیه خالی از اشکال نیست و به علاوه مقامات رسمی بلغارستان نیز از دادن روایید به کشورهایی که جزو [دول] محور نیستند امتناع



سفارت سوئد در رومانی تا زمانی که به اندازه‌ی کافی گذرنامه‌ی ایرانی در اختیار داشت، به هر کسی که ادعای تابعیت ایرانی نمود، برای حفاظت از آنان گذرنامه‌ی ایرانی در اختیارشان گذاشت و حتی زمانی که گذرنامه‌ی ایرانی به اتمام رسید، گذرنامه‌ی سوئدی حافظ منافع برای کلیمیان ایرانی صادر می‌کرد. به گزارش وزیر مختار ایران در بلغراد، سفارت سوئد در رومانی برای رفع مزاحمت آلمان‌ها خیلی سهل و آسان به هر کسی که ادعای تابعیت ایرانی داشت پاسپورت می‌داد. در دی ماه ۱۳۲۵ مأموریت سفارت سوئد در رومانی برای حفاظت از اتباع ایرانی پایان می‌یابد و وزیر مختار ایران در بلغراد برای بررسی اوضاع اتباع ایرانی به بخارست می‌رود و در خصوص اقدامات سفارت سوئد در رومانی می‌نویسد: «در بوکارست (بخارست) تمام اتباع خودمان را پذیرفتم، دریافتم که تماماً از مسلمان و ارمنی و یهودی فوق‌العاده از زحمات سفارت سوئد راضی بودند، حتی موقعی که آلمان‌ها و اولیاء آلمانی‌مآب رومانی سرکار بودند و زجر و زحمت فوق‌العاده به یهودی‌ها وارد آورده بودند و بیشتر آنها را کشته و دارایی آنها را ضبط و از منازل‌شان بیرون کرده بودند، در چنین مواقعی سفارت سوئد به اندازه‌ی زحمت کشیده و اقدامات نزد آلمان‌ها کرده که به ایرانی‌ها حتی یهودی‌های ایرانی کوچک‌ترین اذیت و آزاری وارد نیامد».

• در بلغارستان

وزارت امور خارجه سوئد به عنوان حافظ منافع ایران در بلغارستان طی یادداشتی به تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۲۲ به نمایندگی ایران در استکهلم اطلاع می‌دهد که دولت بلغارستان قوانینی تصویب کرده که به موجب آن کلیه‌ی یهودی‌های ساکن

حال یهودی‌های اتباع ایران مقیم فرانسه می‌شود، سفارت آنها [منظور سوئیس است] در ویشی از وزارت خارجه فرانسه در این زمینه توضیحات خواسته و مشغول اقدام است بلکه بتواند آنها را از این مقررات معاف دارد و عملاً زیر سرپرستی خود قرار دهد.

وزیر مختار ایران: یهودی‌های ایرانی مهاجر نیستند بلکه قسمتی از جامعه‌ی ایرانی هستند که کاملاً آداب و سنن ایرانیان را رعایت کرده در عین حال اصول دین حضرت موسی را رعایت می‌کنند.

وزیر مختار ایران در نامه‌ای دیگر به تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۲۱ به وزارت خارجه سوئیس در مورد ویژگی‌های یهودیان ایرانی می‌نگارد: ایرانیان یهودی که در ایران به دنیا آمده و اجداد آنان ایرانی است و در ایران به نام کلیمی نام برده می‌شوند و به فارسی صحبت می‌کنند و ابداً زبان عبری و ییدیش نمی‌دانند و کاملاً جزو جامعه ایرانی هستند به لحاظ جسمانی همانند دیگر ایرانیان هستند و خیلی وطن پرست هستند و همه‌ی آنان که در فرانسه اقامت دارند، خواهان بازگشت به ایران هستند اما دولت ویشی با خروج آنان مخالفت می‌کنند.

در تکمیل این مطالب خطاب به وزارت خارجه سوئیس نوشته شد: یهودی‌های ایرانی مهاجر نیستند بلکه قسمتی از جامعه‌ی ایرانی هستند که کاملاً آداب و سنن ایرانیان را رعایت کرده در عین حال اصول دین حضرت موسی را رعایت می‌کنند. به همین دلیل در ایران به "موسایی" یا "جهود" نامیده می‌شوند. آنان هیچ گاه مهاجرت نکردند و با نژاد سامی هیچ اختلاطی ندارند. یهودیان ایرانی به همراه دیگر برادران ایرانی مسلمان خود در حدود سی سال پیش به قصد تجارت در اروپا سکنی گزیدند و همواره ارتباط خود را با اقوام خود در ایران و زادگاه خود قطع ننموده‌اند. آنان هم در ابتدای جنگ همانند دیگران ایرانیان حفظ بی‌طرفی جنگ کردند، متأسفانه دولت ویشی اجازه بازگشت به هیچ ایرانی را نمی‌دهد. این نامه، باز بر روی ایرانی بودن آنان تأکید کرده و خواستار آن شد که تا زمانی که نمی‌توانند فرانسه را ترک کنند و از قوانین جاری تبعیت می‌کنند با توجه به حضور اجباری، شرایط برای آنان سخت‌تر نشود و همچنین فرمانداری پاریس کلمه «یهودی» را از روی اوراق آنها پاک کند.

وزارت خارجه سوئیس در گزارشی به سفارت ایران در

دارند و همچنین به علل دیگر، به نظر وزارت کشور بهتر است به تقاضاکنندگان اعلام شود که فعلاً در محل سکونت خود بمانند تا اینکه وسایل مسافرت فراهم شود». سفارت سوئد در صوفیه تا اواسط سال ۱۳۲۶ همچنان به خدمات‌رسانی به ایرانیان در صوفیه پرداخته و بعد از این تاریخ سفارت ایران در بلغراد کار خدمات‌رسانی را برای ایرانیان در صوفیه به عهده می‌گیرد.

• در یونان

تعداد قلیلی یهودی ایرانی در آتن زندگی می‌کردند که سفارت سوئیس در آتن به عنوان حافظ منافع ایران مسئول حفاظت از آنان گردید. وزارت خارجه سوئیس در گزارشی به تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۲۲ می‌نویسد: «اشغالگران آلمانی در یونان اقدام به جمع‌آوری یهودیان نموده، ظاهراً با قطار اجباراً به لهستان منتقل خواهند شد. نمایندگی سوئیس در یونان در ۲۹ اسفند ۱۳۲۱ رسماً به دفتر سفیر آلمان نامه نوشته که تعداد قلیلی یهودی ایرانی در آتن سکونت دارند که مورد حمایت سفارت سوئیس هستند و خواستار شدند که آنان را به سمت لهستان اعزام نکنند، مسئولین آلمانی جواب دادند که هنوز دستورالعملی برای این امر نیامده است. مسئولین وزارت خارجه سوئیس خواستار مستثنی کردن یهودی‌های ایران و فراهم‌آوری شرایط مطلوب برای آنان گردیدند. سفارت ایران در برن در گزارشی به وزارت خارجه در این باره می‌نویسد: مقامات آلمانی چند نفر از یهودی‌های ایرانی در یونان را به آلمان تبعید کردند، تلاش‌های وزیر مختار سوئیس برای مستثنی کردن آنان به نتیجه نمی‌رسد.

• در فرانسه

سوئیس حافظ منافع ایران در فرانسه، جهت حفظ یهودیان ایرانی از گزند حوادث، تدابیر و تلاش‌های وافر انجام داد. وزیر مختار ایران در برن به وزارت خارجه‌ی ایران اعلام کرد وزارت خارجه سوئیس گزارش کرده قوانین ضدیهودی و اجحافات علیه یهودیان در ویشی رو به ازدیاد است. در خصوص قوانین ضدیهودی می‌نویسد: «از تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۲ [۲۰ آذر ۱۳۲۱] عموم یهودی‌های اتباع بیگانه مکلفند که برگه‌های شناسنامه و خواری خود را نزد [مقامات] محلی ارائه داده که کلمه یهود در روی آنها قید گردد. وزارت خارجه سوئیس می‌نگارد که چون معلوم نیست تا چه اندازه این مقررات شامل

تمیز آن خارج از موقعیت یک دولت بیگانه می‌باشد) مشمول کار اجباری دانسته و سایر بیگانگان را از کار نامبرده معاف داشته است؛ از این رو دولت ایران محق است این عمل دولت فرانسه را مخالف اصول بین‌المللی دانسته و از دولت مشارالیها [فرانسه ویشی] معافیت یهودی‌های اتباع ایران را درخواست نماید. در این اثناء در تاریخ ۹ تیر ۱۳۲۲ وزارت خارجه سوئیس به سفارت ایران در برن اطلاع می‌دهد که دولت سوئیس از طریق نمایندگی خود در برلین مطلع شده که چهار کلیه ایرانی در بازداشتگاه درانسی (Drancy) محبوس هستند. سفارت ایران در سوئیس در گزارشی به وزارت امور خارجه ایران می‌نویسد: دولت ویشی بنا به درخواست مقامات آلمانی در ویشی ۲۱ و ۲۲ ژانویه ۱۹۴۴ (۳۰ دی و اول بهمن ۱۳۲۲) کلیه یهودیان خارجی مقیم فرانسه را بدون استثناء بازداشت و به اردوی کار درانسی اعزام و منازل آنها را مهر و موم کردند، اما نمایندگی سوئیس بعد از ملاقات با مقامات آلمانی اطمینان حاصل کردند که کسانی دارای اوراق و مدارک صحیح و درست باشند، به اردوی دیگری هدایت خواهند شد. با این همه سفارت ایران در برن پیگیر اتباع یهودی خود بوده و بدین طریق سفارت ایران در برن از طریق حافظ منافع ایران در فرانسه یعنی دولت سوئیس اوضاع یهودیان ایرانی را رصد و پیگیری می‌نمود.

• نتیجه

با رجوع به اسناد در دسترس وزارت امور خارجه ایران، می‌توان پی برد که حفظ و مراقبت از اتباع یهودی ایرانی از وظایف سفارتخانه‌ی ایران در سوئیس در برن بوده و این وظایف توسط افراد مختلف صورت گرفته و وزارت امور خارجه ایران با ارسال دستورالعمل‌هایی، سفارتخانه‌ی ایران در سوئیس را هدایت و راهبری می‌نمود. بنابراین حفاظت از اتباع ایرانی به ویژه کلیمیان، کاری جمعی و مسئولیت جمعی بوده و نمی‌توانست ابتکار شخصی و اقدام شخصی باشد. ■

منبع:

فصلنامه تاریخ روابط خارجی، مرکز مطالعات سیاسی و بین-المللی وزارت امور خارجه، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶

سوئیس به تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۲۲ اعلام می‌کند که قانونی در ۳۱ تیر ۱۳۲۰ (۲۲ ژوئیه ۱۹۴۱) تصویب شد که تمامی مؤسسات یهودی بدون استثناء باید «آریایی‌لیزه» شوند. اموال یهودی‌های خارجی باید همچون یهودی‌های فرانسوی فروخته شود. مشاور حقوقی در نامه‌ای به وزارت خارجه این اقدامات دولت ویشی را بررسی کرده و می‌نویسد: «موضوع کار اجباری یهودی‌های اتباع ایران مقیم فرانسه باید از دو جهت مورد بررسی واقع گردد، یکی از لحاظ قراردادهای منعقد بین دولتین ایران و فرانسه و دیگری از حیث اصول و مقررات بین‌المللی... به موجب ماده دوم قرارداد موقت منعقد بین دولتین ایران و فرانسه به تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۰۷ اتباع هر یک از دولت‌های متعاقد در خاک متعاقد دیگر از کار اجباری و قروض اجباری و مالیات‌های استثنایی معافند. این قرارداد برای مدت یک سال یعنی تا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۸ منعقد گردیده و از آن تاریخ به بعد مواد یکم و دوم آن چندین بار، شش ماه به شش ماه تجدید شده بود، ولی اکنون به واسطه عدم تجدید بعدی، اجرای این تعهد بلااثر شده و دولت ایران نمی‌تواند به استناد قرارداد نامبرده از دولت ویشی تقاضا کند که یهودی‌های اتباع ایران را از کار اجباری معاف نماید».

بنابراین چون قراردادهای دو جانبه تمدید نشده بود راهی دیگر پیگیری شد و آن هم از طریق استناد به اصول و قواعد بین‌المللی. «دولت متوقف‌فیها [دولت ویشی] می‌تواند اتباع بیگانه را وادار به کارهای اجباری بنماید مشروط بر این که پیمان‌های منعقد فیما بین آنها را از این کارها معاف نکرده باشند. در صورت نبودن پیمان، کارهای اجباری متعهد به اتباع دولت‌های بیگانه تابع همان شرایط و مقرراتی است که نسبت به اتباع داخله معمول و مرعی می‌باشد، به عبارت دیگر درباره‌ی اتباع بیگانه کار اجباری را فقط در صورتی می‌توان معمول داشت که دولت متوقف‌فیها آن را نسبت به اتباع خود مجرا داشته باشد، به علاوه دولت متوقف‌فیها مکلف است کار اجباری را بدون تبعیض نسبت به اتباع تمام دول بیگانه (در صورت نبودن قرارداد) معمول و مجرا دارد».

اما شرایط در دولت ویشی متفاوت است: «به طوری که از پرونده امر استنباط می‌شود، در فرانسه کار اجباری شامل اتباع داخله [فرانسه ویشی] نیست و از طرفی هم دولت فرانسه فقط قسمتی از اتباع بیگانه را به ملاحظات نژادی (که تشخیص و

روزالیند فرانکلین: دانشمند زن یهودی

مجتبی برهانی داریان

مترجم و مدرس زبان انگلیسی



تأثیر زیادی بر زندگی و حرفه‌ی او داشت و به او کمک کرد تا زبان فرانسه‌اش را بهبود بخشد. فرانکلین در کالج نیونهام موفق به اخذ بورسیه تحقیقاتی شد و از این طریق به «آزمایشگاه شیمی فیزیک دانشگاه کمبریج» پیوست تا زیر نظر «رونالد

جورج ریفورد نوریش» کار کند. «نوریش» همان کسی بود که بعداً جایزه نوبل شیمی را دریافت کرد. علیرغم موفقیت‌های علمی «نوریش»، به دلیل خلق و خو و سبک زندگی وی، فرانکلین نتوانست با وی همکاری موفقی داشته باشد و از کار در آزمایشگاه او استعفا داد.

در آن زمان بریتانیا علیه آلمان نازی اعلام جنگ کرده بود و قانونی را به نام «قانون خدمت ملی» به تصویب رسانده بود. طبق این قانون، مردان بین ۱۸ تا ۴۱ سال، و زنان مجرد بین ۲۰ تا ۳۰ سال و همچنین زنان بیوه‌ی فاقد فرزند، موظف به پیوستن به ارتش بریتانیا برای مقابله با آلمان نازی شده بودند. این قانون شامل فرانکلین هم می‌شد و از این رو وی جهت اجرای این قانون، در سال ۱۹۴۲ به «انجمن تحقیقات استفاده از ذغال سنگ بریتانیا» پیوست. در همین زمان «نوریش» به عنوان مشاور نظامی در انجمن نیز خدمت می‌کرد. روزالیند و یکی از بستگان نزدیکش به نام آیرین، در انجمن به صورت داوطلبانه «نگهبان حمله هوایی» شدند و به هنگام بمباران‌های هوایی به مناطق مربوطه رفته و رفاه حال مردم منطقه را بررسی می‌کردند.

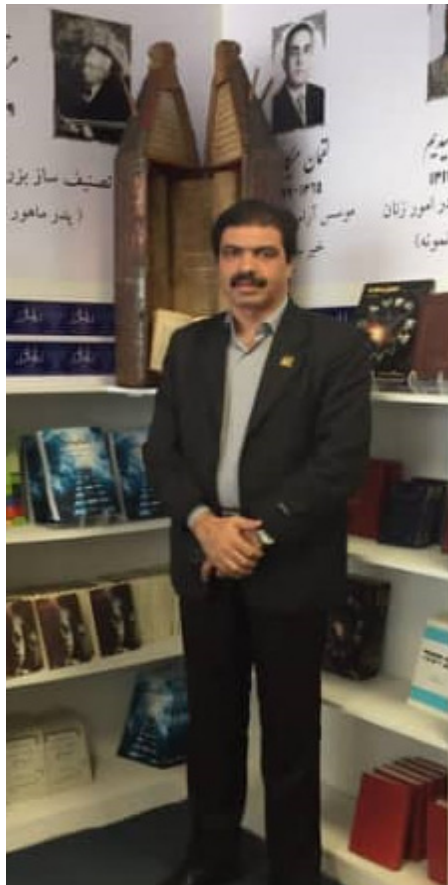
او طی اقامتش در انجمن، علاوه بر کمک فیزیکی به ارتش، به انجام تحقیقات برای مصارف نظامی نیز اقدام می‌نمود. حوزه‌ی مطالعه او ذغال سنگ بود. تحقیقات فرانکلین، به طبقه‌بندی

«روزالیند فرانکلین» در سال ۱۹۲۰ میلادی در لندن، در یک خانواده مرفه و با نفوذ یهودی بریتانیایی متولد شد. او دختر بزرگتر و دومین فرزند خانواده بود. پدرش «آرتور» یک بانکدار لیبرال لندن بود که در «کالج مردان کارگر شهر» تدریس می‌کرد و مادرش «موریل فرانسیس والی» نام داشت. عموی پدری وی وزیر کشور و اولین یهودی شاغلی بود که در کابینه‌ی بریتانیا خدمت می‌کرد. والدین فرانکلین به اسکان پناهندگان یهودی از اروپا که از دست نازی‌ها فرار کرده بودند کمک کردند. در همین حین آن‌ها دو کودک یهودی را به خانه خود بردند و از آن‌ها مراقبت کردند.

فرانکلین از اوایل کودکی توانایی‌های تحصیلی استثنایی از خود نشان داد. او ۱۱ ساله بود که به مدرسه دخترانه «سنت پل» در هامرسمیت، غرب لندن، یکی از معدود مدارس دخترانه در لندن که فیزیک و شیمی تدریس می‌کرد، رفت. فرانکلین در سال ۱۹۳۸ موفق به اخذ مدرک پایان دوره تحصیلات پایه خود شد و توانست با شایستگی‌هایی که از خود نشان داده بود، بورسیه تحصیل در دانشگاه را نیز دریافت کند. پس از اخذ بورسیه، پدر فرانکلین از او خواست از آنجا که آن‌ها خود خانواده مرفه‌ی هستند و به عنوان کار خیره، آن بورسیه را به یکی از پناهندگان فقیری که شایستگی و لیاقت تحصیل در دانشگاه را دارند اهدا کند.

فرانکلین در سال ۱۹۳۸ به کالج نیونهام در دانشگاه کمبریج رفت و مشغول به تحصیل در رشته شیمی در بخش علوم طبیعی دانشگاه کمبریج شد. دانشگاه کمبریج از سال ۱۹۴۷ شروع به اعطای مدرک لیسانس و فوق لیسانس به زنان کرد و زنان فارغ‌التحصیل قبلی قادر بودند این مدارک را با توجه به سابقه تحصیلی خود دریافت کنند. در سال ۱۹۴۱ فرانکلین در امتحانات نهایی خود موفق به دریافت مقام دوم شد. این نتیجه عالی باعث شد تا نتیجه‌ی امتحان وی به عنوان معادل مدرک لیسانس جهت اشتغال و استخدام پذیرفته شود. در آخرین سال تحصیلی خود در کمبریج، فرانکلین یک پناهنده‌ی فرانسوی، آدرین ویل، شاگرد سابق ماری کوری را ملاقات کرد، که

یادی از فعال اجتماعی مرحوم فرید یاشار



فرید یاشار فرزند جلال یاشار و ملوک ظهوری، فرزند دوم خانواده بود که در سال ۱۳۴۱ متولد شد.

وی دو دوره بازرس انجمن کلیمیان و چندین دوره عضو و مسئول کمیته‌ی جوانان انجمن کلیمیان بود. عضویت در سازمان دانشجویان یهود، هیئت امنای ستاد خیریه‌ی کوروش و مدیریت همایش‌های جوانان کلیمی از سوابق درخشان اوست. وی همچنین از بنیانگذاران گروه گردشگری یاران و نیز فروشگاه «کاشر مارکت پرناسا» بود.

چندین نسل از جوانان کلیمی شاهد فعالیت‌های مسئولانه‌ی مرحوم یاشار بوده‌اند. او در ۱۴ آذر ۱۴۰۱ درگذشت.

یادش گرامی

زغال‌سنگ‌ها و پیش‌بینی دقیق عملکرد آنها برای اهداف سوخت و تولید وسایل زمان جنگ مانند ماسک‌های گاز کمک کرد. این کار اساس پایان‌نامه‌ی دکترای فرانکلین قرار گرفت و توانست مدرک دکترای خود را از دانشگاه کمبریج در سال ۱۹۴۵ اخذ کند. در همین سال جنگ جهانی پایان یافت.

روزالیند از سال ۱۹۴۵ تا پایان عمرش در سال ۱۹۵۸، در مراکز علمی متعددی بر روی موضوعات مختلف کار کرد و به دستاوردها و نتایج مهمی رسید. نقش او در پیشبرد علم DNA انکار ناپذیر است و حتی عده‌ای بر این باور هستند که جایزه‌ی نوبل در این زمینه باید به او داده می‌شد و نه به رقبای علمی او. نهایتاً روزالیند در سال ۱۹۵۸ در ۳۸ سالگی به علت سرطان در چلسی انگلستان درگذشت. چهار سال بعد کریک، واتسون و ویلیکینز به دریافت جایزه نوبل نائل آمدند اما به علت مرگ فرانکلین، جایزه‌ی نوبل به او اعطا نشد. بعدها تحقیقات مختلفی، نقش به‌سزای وی را در کشف دی‌ان‌ای به اثبات رساند.

زندگی روزالیند فراز و نشیب‌های فراوان داشت. او زندگی مرفه را در خردسالی، جنگ جهانی را در جوانی، کارشکنی همکاران علمی‌اش را در طول زندگی کاری‌اش و دست و پنجه نرم کردن با سرطان را در اواخر زندگی تجربه کرد. در طول زندگی خود یک میهن‌دوست واقعی بود و به کشورش در جنگ علیه رژیم نازی کمک کرد. پژوهش‌های علمی او بارها با شکست مواجه شدند اما او هیچگاه متوقف نشد. او به عنوان اولین پیش‌قدم راه کشف دی‌ان‌ای و همچنین کشف ساختار زغال‌سنگ و گرافیت و ساختار ویروس شناخته شده است. ■

منابع:

1. <https://www.londonremembers.com/subjects/rosalind-franklin>
2. Rosalind Franklin, Cold Spring Harbor Laboratory's Dolan DNA Learning Center
3. <https://web.archive.org/web/20120114162700>
4. <http://www.admin.cam.ac.uk/news/press/factsheets/women2.html>



آداب و قوانین تغذیه

در عید پسخ



مژده یمینیان

کارشناس تغذیه

از جمله مواد غذایی مصرفی در دو شب اول عید پسخ که برای آنها براخا (دعای شکرگزاری) خوانده می‌شود، مَصا (نان فطیر)، کرفس، کاهو، سبزی تلخ، دست کباب شده‌ی گوسفند، تخم مرغ و غذایی ترکیبی به نام «حَلِق» (حروست) است.

رسم است که در این دو شب همه‌ی افراد خانواده دور یک میز جمع می‌شوند و فرد بزرگتر خانواده یا بزرگ مجلس، به گفتن براخا برای این مواد غذایی می‌پردازد و کتاب هگادا^۵ یا داستان وقایع خروج از مصر، برای یادآوری معجزاتی که خداوند به دست حضرت موسی برای بنی اسرائیل انجام داد، با صدای بلند خوانده می‌شود تا نسل به نسل به آن گوش فرا دهند و هرگز معجزات الهی را فراموش نکنند.

«عید فطیر را رعایت کنید، زیرا در خود همین روز، جمعیت (توحیدی) شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم. پس این روز را نسل اندر نسل رعایت کنید. این قانون ابدی است.»^۶

در این مراسم در ابتدا دعای یابین (یا آب انگور) خوانده می‌شود: «متبارک هستی تو ای خداوند خالق ما و پادشاه عالم که میوه‌ی تاک را آفریدی».

و پس از دعای یابین، به نوبت برای هرکدام از مواد غذایی

نمادین دعایی خوانده و توسط همه‌ی افراد خانواده تناول می‌شود.

یکی از مواردی که در شب اول عید پسخ مورد مصرف قرار

می‌گیرد، کرفس است که معمولاً پس از خواندن دعای

مخصوص، در شرایطی که به مقداری سرکه یا آب نمک آغشته

شده است، توسط همه‌ی حضار به مقدار مشخصی خورده

می‌شود. کرفس نمادی از امید و تجدید حیات و آب نمک برای

نشان دادن اشک‌های یهودیان در زمان بردگی است.

«متبارک هستی تو ای خداوند خالق ما، پادشاه عالم که

محصول زمینی را آفریدی».

علاوه بر اصول و قوانین حاکم بر تمام ادیان الهی که بر مبنای یکتاپرستی است، هر مذهب با آداب و رسوم خاصی عجین شده است که به گونه‌ای آن دین و آیین را از دیگر ادیان متمایز می‌کند. یکی از رسوم زیبایی که جزء لاینفک فرهنگ یهود می‌باشد، قوانین و آداب غذا خوردن است که در مناسبت‌ها و اعیاد مختلف با توجه به علت وقوع آنها متفاوت می‌باشد. فرهنگ غذایی یهودیان در اعیاد مختلف نظیر عید پسخ^۱، شاووعوت^۲، روش هسانا^۳ و ... فرق می‌کند، گویا هر ماده‌ی غذایی که در این اعیاد تناول می‌شود، به گونه‌ای یادآور وقایع تلخ و شیرینی است که در مسیر زندگی اجدادمان قرار گرفته، تا با یادآوری آن حوادث، از نسلی به نسل دیگر و سینه به سینه یاد آن وقایع را در اذهان فرزندان یهودی برای همیشه ابدی سازد.

یکی از اعیاد بسیار مهم یهودیان، عید پسخ یا عید فطیر می‌باشد که در پانزدهم ماه عبری نیشان^۴ در فصل بهار واقع شده است.

این عید، عید آزادی است. موعد رهایی است و به پایان رسیدن یوغ بندگی. زمان چیرگی خیر است و وداع با شر به لطف ده ضربت الهی.

گسستگی امواج دریا است و گذر از تاریکی به سمت نور و روشنایی.

غایت ظلم و نابودی اهریمن است و شکوفایی ایمان و امید

به زندگانی.

ایام عید پسخ که هشت روز می‌باشد، با تشریفات خاصی

همراه است. تشریفات که همه یهودیان ملزم به رعایت آنها

می‌باشند. در دو شب اول عید پسخ، مواد غذایی مصرف می‌شوند

که نمادی از زندگی پر از رنج و سختی یهودیان در زمان

حکومت فرعون است.

^۵ (در عبری به معنای تعریف کردن) HAGGADAH

^۶ تورات، شמות (خروج)، فصل دوازدهم، آیه ۷.

^۱ PASSOVER

^۲ SHAVUOT

^۳ ROSH HASHANAH

^۴ NISAN

به همین علت بعد از گذشت قرن‌ها هر سال یهودیان در تمام نقاط جهان در زمان موعد پسخ برای یادآوری و به پاس معجزاتی که خداوند در زمان سلطنت فرعون برای اجدادشان انجام داد، نان فطیر را در تمام ایام عید، جایگزین ناهای معمولی می‌کنند و هیچ یهودی مجاز به مصرف نانی غیر از نان فطیر نیست.

«هفت روز خمیر مایه در خانه‌های شما وجود نداشته باشد»^{۱۰} مصرف این نان به یهودیان یادآوری می‌کند که همیشه متواضع باشند و هرگز دوران سخت بردگی و زندگی فقیرانه‌ی خود را به دست فراموشی نسپارند.

«این نان فقیرانه‌ای است که پدران ما در کشور مصر، هنگامی که برای مصریان بیگاری نموده و به گل کاری و خست‌زنی مشغول بودند، می‌خوردند»^{۱۱}

دست کباب شده‌ی گوسفند نیز یکی دیگر از مواد غذایی است که در دو شب اول عید پسخ به نشانه خروج از مصر با بازوی برافراشته روی میز قرار می‌گیرد.

«ما در کشور مصر غلامان فرعون بودیم و خداوند خالق ما با قدرت قوی و بازوی افراشته، ما را از آنجا خارج نمود و اگر خداوند مقدس و متبارک، اجداد ما را از مصر خارج نمی‌کرد، هنوز خود ما و فرزندان و اعقاب ما در مصر، برده‌ی فرعون بودند»^{۱۱} دست کباب شده‌ی گوسفند، نمادی از گوشت قربانی پسخ می‌باشد که اجداد بنی‌اسرائیل در زمان معبد بیت‌المقدس در شب اول پسخ برای یادآوری رحم و شفقت خداوند مبنی بر کشتن فرزندهای اولزاد مصری‌ها و زنده نگه داشتن فرزندان نخست‌زاد بنی‌اسرائیل می‌خوردند.

پس از صرف شام هم رسم است که **تخم مرغ‌های پخته** شده که نمادی از استقامت و پختگی می‌باشد، خورده شود. رسوم و قوانین خاصی که مربوط به عید پسخ است، فقط برای دو شب اول عید نمی‌باشد، بلکه یهودیان موظف به رعایت قوانین مصرف مواد غذایی در تمام روزهای عید می‌باشند.

یهودیان باید در تمام ایام عید پسخ، به جای نان معمولی، نان فطیر یا مصا مصرف کنند و از مصرف مواد غذایی «حامص» خودداری کنند. منظور از حامص، خمیر ورآمده‌ی گندم یا جو می‌باشد، بنابراین هرگونه مواد غذایی حاوی خمیر ورآمده گندم یا جو، حامص محسوب می‌شود. به همین منظور یهودیان در

ماده‌ی دیگری که در دو شب اول عید پسخ برای آن دعا خوانده می‌شود **کاهو** است که به همراه سرکه و یا حلق خورده می‌شود. مصرف کاهو و **سبزی تلخ** نظیر کاسنی یا گشنیز به نشانه‌ی تلخی ایام بردگی و زجری است که یهودیان در آن زمان متحمل شدند.

«متبارک هستی تو ای خدا، خالق ما، پادشاه عالم که ما را با فرامین خود تقدیس نمودی و به ما درباره خوردن سبزی تلخ دستور دادی».

حلق (حروست)^۷ یک ترکیب غذایی خوشمزه است که هر خانواده یهودی صرفاً به منظور برگزاری مراسم شب عید و مصرف آن در ایام عید تهیه می‌کند. حلق ترکیبی از مغزهای گیاهی نظیر بادام، پسته، فندق، گردو به همراه کشمش و خرما و آب انار است و بنا بر سلیقه‌ی شخصی به آن موز، سیب، کنجد و ... اضافه می‌شود.

طرز تهیه حلق به این صورت است که ابتدا مغزهای گیاهی به همراه میوه‌های مورد نظر چرخ می‌شوند و سپس به آن آب انار و ادویه‌هایی نظیر فلفل، دارچین، میخک و زنجبیل اضافه می‌شود. اضافه نمودن انواع ادویه برای طعم بخشیدن به حلق، بر اساس سلیقه‌های شخصی متفاوت است. در مراسم حلق یک مرتبه همراه با نان فطیر و مرتبه‌ی دوم همراه با نان فطیر و کاهو خورده می‌شود. شکل حلق شبیه به گل می‌باشد و نمادی از گل و خستی است که با دستور فرعون توسط یهودیان آماده می‌شد. مصرف حلق برای یادآوری کارهای سختی است که در آن زمان یهودیان همراه با شکنجه به دستور فرعون انجام می‌دادند.

نان فطیر یا مصا^۸، یک نان ورنیامده تخت و خشک می‌باشد که از آرد و آب تهیه می‌شود. طرز تهیه نان فطیر به این صورت است که باید قبل از زمانی که خمیر آن فرصتی برای تخمیر و ورآمدن داشته باشد، آماده شود. حداقل زمان برای ورآمدن خمیر، حدود ۱۸ دقیقه است، بنابراین از زمان مخلوط شدن آب و آرد تا زمان پخت مصا، نباید بیش از ۱۸ دقیقه طول بکشد.

در زمان خروج بنی اسرائیل از مصر، یهودیان فرصتی برای ورآمدن خمیرشان نداشتند، بنابراین نان را با عجله درست کردند،

^{۱۰} نقل از متن هگادا شل پسخ

^{۱۱} نقل از متن هگادا شل پسخ

^۷ charoset

^۸ MATZAH OR MAZZAH OR MATZO

^۹ تورات، شמות (خروج) فصل دوازدهم، آیه ۱۹

گروهی از کارخانه‌ها، هنگام تهیه مصا به آن سبوس اضافه می‌کنند به گونه‌ای که هر سروینگ مصا شامل ۷ گرم فیبر می‌باشد. میزان آهن موجود در مصا نسبت به میزان نیاز روزانه نسبت به آهن، کم می‌باشد. هنگام تهیه مصا از مخمرهای شیمیایی استفاده نمی‌شود. بنابراین برای افرادی که نسبت به مخمر تحمل ندارند، مناسب می‌باشد و چون فاقد نمک و قند و چربی می‌باشد، برای بیماران قلبی، عروقی مناسب می‌باشد، اما نباید در مصرف آن افراط شود. توجه داشته باشید که مصا مخصوصاً نوع بدون سبوس آن، اندیس گلیسمی^{۱۳} بالایی دارد و مقدار مصرفی آن باید برای بیماران دیابتی محاسبه شود. همچنین مصرف مصا برای افرادی که نسبت به گندم آلرژی دارند یا از عدم تحمل نسبت به گلوتن^{۱۴} رنج می‌برند، ایجاد مشکل می‌کند.

مصرف مصا به خاطر تراکم زیاد کربوهیدرات، می‌تواند در بعضی از افراد باعث ایجاد احساس ناخوشی و گرفتگی عضلات و ایجاد نفخ و گاز در معده شود. همچنین در بیماران مبتلا به رفلاکس^{۱۵} می‌تواند باعث تشدید ناراحتی شود.

در بیشتر افراد، مصرف مصا باعث ایجاد حالت یبوست می‌شود که افزایش مصرف آب در این زمینه می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. افرادی که در ایام عید پسخ از یبوست رنج می‌برند، باید به اندازه کافی در این ایام میوه و سبزی مصرف کنند. البته مصرف مصا در بعضی از افراد هم باعث ایجاد حالت اسهال می‌شود که این افراد باید مصرف برنج و سیب زمینی را جایگزین مصرف مصا نمایند. ■

منابع:

۱. تورات - شموت
۲. هگادا شل پسخ
3. Matza Nutrition facts and Health Benefits by Leoni Jenser, Ace – updated on September 14,2022
4. Miriam sear then cookware.com
5. cooklist.com
6. verywellfit.com
7. latimimes.com
8. nassimnutrition.com

طی ایام عید پسخ غذاهایی را مصرف می‌کنند که تا حد امکان توسط خودشان تهیه شده باشد، به عنوان مثال با آرد برنج، شیرینی و کیک می‌پزند. از جمله شیرینی‌هایی که برای ایام عید پسخ توسط بانوان تهیه می‌شود، می‌توان به بادام سوخته، شیرینی کنجدی، شیرینی نارگیلی، شیرینی گردویی، لوز نارگیلی و شیرینی توت اشاره کرد. معمولاً یهودیان برای ایام عید پسخ، آجیل را به صورت خام خریداری کرده و پس از شستشو در خانه بو می‌دهند که طعم بسیار خوشایندی دارد و مهمانان هنگام دید و بازدید با محصولات پذیرایی می‌شوند که حاصل هنر و سلیقه بانوان یهودی ایرانی می‌باشد.

نگاهی به تغذیه‌ی یهودیان در ایام عید پسخ

چون عید پسخ در فصل بهار و معمولاً در ایامی نزدیک به ایام عید نوروز، عید باستانی ایرانیان واقع شده است و گاهی اوقات هم مصادف با ایام عید نوروز می‌باشد، سنت دید و بازدید در ایام پسخ به مانند ایام نوروز در فرهنگ یهودیان ایرانی وجود دارد؛ و چون هر دید و بازدید همراه با پذیرایی می‌باشد، در این ایام که معمولاً همراه با تعطیلات و کاهش تحرک و فعالیت‌های روزانه می‌باشد، توجه به میزان کالری دریافتی روزانه، امری ضروری است و برای جلوگیری از افزایش وزن باید از افراط در مصرف آجیل، شیرینی، میوه و حلق خودداری شود. از طرفی چون نان مصرفی در این ایام، نان فطیر می‌باشد که نانی تخت و خشک است، معمولاً برای دسترسی به حالت سیری، به مقدار بیشتری نسبت به نان‌های معمولی مورد مصرف قرار می‌گیرد. در نظر داشته باشید، چون مصا آب کمتری دارد، در مقایسه با نان‌های معمولی، در وزن مساوی، کالری بیشتری دارد، به صورتی که انرژی موجود در ۳۰ گرم نان معمولی، حدود ۸۰ کالری و انرژی موجود در ۳۰ گرم مصا، حدود ۱۱۲ کالری می‌باشد. لذا باید دقت کنید که در مصرف مصا افراط نشود.

نکات قابل توجه در رابطه با مصرف مصا

هر سروینگ مصا طبق نظر^{۱۲} USDA، وزارت کشاورزی ایالات متحده، حدود ۲۸ گرم، دارای ۱۱۰ کالری، ۲۴ گرم کربوهیدرات، ۳ گرم پروتئین و ۰.۴ گرم آهن می‌باشد. مصا فاقد سدیم، چربی و اسیدهای چرب اشباع و فیبر می‌باشد، البته

¹⁴ GLUTEN

¹⁵ REFLUX

¹² UNITED STATES DEPARTMENT OF AGRICULTURE

¹³ شاخص قندخونی



پیشینه‌ی احداث کنیسه‌ی ابریشمی

پس از گذشت چند سال از اسکان کلیمیان در منتهی‌الیه شمالی منطقه‌ی مرکزی تهران (تا اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰)، جمعیت منطقه از بابت مدرسه و مرکز آموزشی یهودی برای فرزندانشان و نیز از نظر وجود کنیسه برای انجام فرائض مذهبی خود در فشار قرار داشتند. از این رو کنیسه‌های ابریشمی و زرگریان با فاصله‌ی ۳ سال در منطقه‌ی مذکور به اهتمام افراد خیر آن زمان به نام‌های آقا جان ابریشمی و عبدالله زرگریان، به همراه بخش مدرسه احداث و پس از مدتی به دو قطب مذهبی و فرهنگی جامعه‌ی کلیمیان در تهران آن زمان تبدیل شدند.

جهت احداث کنیسه‌ی ابریشمی، از اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ خورشیدی جلسات متعددی با حضور افراد خیراندیش جامعه و اعضای شاخص انجمن کلیمیان وقت تهران برگزار گردید و با تأکید مرجع مذهبی وقت کلیمیان ایران، حاخام یدیدیا شوفط، در سال ۱۳۴۲ خورشیدی قطعه زمینی به مساحت تقریبی ۱۰۲۵ متر مربع در خیابان فلسطین شمالی (کاخ شمالی سابق) در محدوده‌ی بلوار کشاورز خریداری و به احداث ساختمان کنیسه‌ی ابریشمی و مجتمع آموزشی مربوط به آن اختصاص یافت. گفتنی است که خریداری و اهدای زمین مذکور توسط یکی از کلیمیان خیر و سرشناس آن زمان به نام آقا جان ابریشمی و تنی چند از دوستان نزدیک و خیراندیش آن مرحوم انجام گرفت و اعضای مؤسس انجمن فرهنگی صدق با آقا جان ابریشمی در این راه همکاری تنگاتنگ داشتند.

این افراد عبارت بودند از: دکتر ناصر اخترزاد (عضو هیئت مدیره‌ی اسبق کانون خیرخواه و بیمارستان دکتر سپهر)، داود بروخیم، منشه پورات، بنیامین شبان، مهدی موسی‌زاده، حبیب-الله لاوی، عبدالله یتن‌الی و موسی نصیر. البته افراد دیگری نیز

گذری بر تاریخچه‌ی کنیسه‌های تهران کنیسه‌ی ابریشمی و مجتمع آموزشی موسی ابن عمران

(بخش اول)

مهندس مهران ملک

کارشناس معماری

حضور کلیمیان در منطقه‌ی بلوار کشاورز

در تاریخ مدون بلدیة تهران قدیم آمده است که پس از این که محدوده‌ی شهر تهران قدیم از دروازه‌های ارگ تهران فراتر رفت و تهران رفته رفته گسترش یافت، تا قبل از تصویب طرح تفصیلی شهر تهران و ایجاد مناطق ۲۲ گانه تهران در سال ۱۳۴۶ خورشیدی، شهر تهران به ۵ منطقه تقسیم می‌شد: جنوب، مرکز، شمال، شرق و غرب. شمالی‌ترین قسمت منطقه مرکزی تهران در آن زمان منتهی می‌شد به کل محور بلوار الیزابت (بلوار کشاورز فعلی) و امتداد آن بعد از میدان ولیعصر به سمت شرق، کل محور خیابان کریمخان زند تا میدان ۲۵ شهریور (هفتم تیرفعلی).

گفته می‌شود کلیمیان تهران قدیم پس از کوچ از محدوده‌ی بازار تهران (منطقه‌ی ۱۲ شهرداری تهران کنونی)، محله‌ی عودلاجان، منطقه‌ی خیابان سیروس و محدوده‌ی بیمارستان دکتر سپهر، مدتی در محدوده‌ی اطراف میدان حسن‌آباد (هشت گنبد سابق) و سپس خیابان شیخ‌هادی زندگی می‌کردند و پس از مدتی به سایر مناطق دیگر تهران آن زمان نقل مکان کردند. صرف‌نظر از گروه‌هایی که در مناطق شرقی تهران (دروازه دولت، دروازه شمیران، سعدی شمالی، میدان سپاه، پل چوبی، خیابان شریعتی، میدان امام حسین (فوزیه سابق) و خیابان گرگان) اسکان یافتند، عده‌ای نیز در بخش‌های شمالی منطقه-ی مرکزی تهران، از جمله کارگر شمالی، جمالزاده‌ی شمالی (جمشیدآباد) و محدوده‌ی مابین میدان ولیعصر و بیمارستان امام خمینی (هزار تختخوابی) سکنی گزیدند.

بخش‌های مختلف مجتمع

این مجتمع در دو طبقه شامل بخش‌های مختلفی می‌باشد که قسمت‌هایی از آن مربوط به چند دهه‌ی اول فعالیت این مجموعه بوده و بخش‌هایی نیز از اواخر دهه‌ی ۱۳۸۰ به بعد طراحی و به‌تدریج به آن افزوده گردیده است. سالن کنیسا با گنجایش تقریبی ۵۰۰ نفر در طبقه‌ی دوم، مدرسه (دیبرستان) با نام موسی ابن عمران در طبقه‌ی اول، میقه‌ی زنانه «روزا» (محل غسل شرعی بانوان) و میقه‌ی مردانه (محل غسل آقایان) در طبقه‌ی زیر همکف واقع است. در طبقه‌ی فوقانی کنیسای اصلی نیز کنیسای کوچک تحت عنوان «کولل» به جهت آموزش‌های دینی و مذهبی نوجوانان و جوانان کلمی (با مدیریت هاراو یهودا گرامی) تاسیس گردیده است. در ضلع غربی کنیسا، ساختمانی مجزا در ۴ طبقه قرار دارد که در سال ۱۳۵۵ خریداری و به ساختمان اصلی مجموعه متصل شده و به عنوان مجتمع آموزشی مورد استفاده قرار گرفته است. در طبقه‌ی سوم این ساختمان نیز یک کنیسای کوچک با گنجایش حدود ۸۰ نفر قرار دارد. همچنین از ابتدای دهه‌ی ۱۳۹۰ خورشیدی یک تالار برای استفاده به‌عنوان رستوران و نیز برگزاری جشن‌های مختلف از جمله نامزدی، عروسی و برمیصوا (جشن تکلیف) با گنجایش حدود ۲۰۰ نفر در طبقه‌ی زیرهمکف ساختمان کنیسا احداث گردیده است. همچنین یک آشپزخانه‌ی مدرن و پیشرفته نیز اخیراً در مجاورت سالن کنیسای اصلی در طبقه‌ی دوم احداث گردیده است که در مراسم مختلف جهت پذیرایی از نمازگزاران کنیسا از آن استفاده می‌شود. ■

ادامه دارد ...

منابع:

۱. محله‌ی کلیمیان تهران، ناصر تکمیل همایون
۲. از بلدیة تا شهرداری تهران، محمدرضا حسن بیگی
۳. سیر تحولات ادیان مختلف در مشرق زمین، عبدالحسین کیایی دیالمه
۴. سایت www.7dorim.com

جزو خیرین در احداث مجتمع فرهنگی مذهبی ابریشمی بوده‌اند. پس از تهیه‌ی نقشه‌ی معماری بنا، حدود ۲ سال احداث ساختمان کنیسا و مدرسه به‌طول انجامید و سرانجام در اواسط تابستان سال ۱۳۴۴ شمسی، ساختمان کنیسا و مدرسه‌ی ابریشمی تهران طی مراسمی افتتاح و مورد بهره‌برداری مذهبی و فرهنگی قرار گرفت. توضیح این‌که کل هزینه‌های ساخت و احداث مجتمع ابریشمی صرفاً توسط افراد خیر آن زمان به‌ویژه آقایان ابریشمی و دوستان وی در انجمن فرهنگی صدق پرداخت شد و انجمن کلیمیان وقت هیچگونه مشارکت مادی در احداث ساختمان کنیسا و مدرسه نداشت.

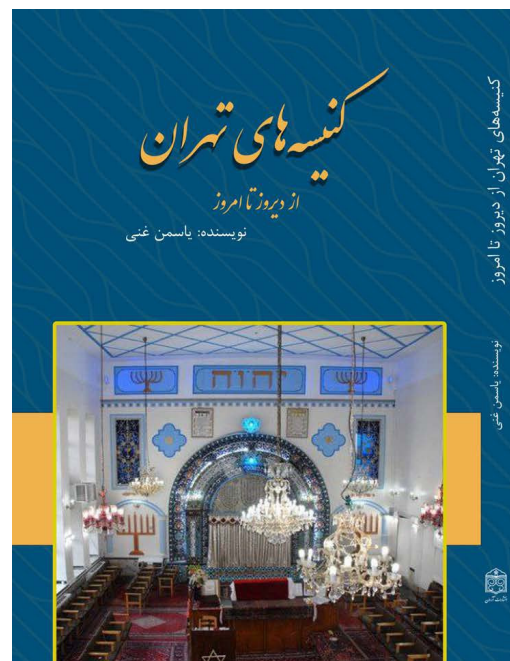


آقایان ابریشمی بنیانگذار کنیسا

شخصیت‌های مرجع در کنیسای ابریشمی

کنیسای ابریشمی از بدو تأسیس تاکنون، چندین مسئول در مدیریت امور مذهبی داشته است. برخی از شخصیت‌های شاخص و مرجع دینی در دوران مختلف فعالیت این کنیسا عبارتند از: حاخام یدیدیا شوفط (مرجع فقید کلیمیان ایران)، حاخام عبدالله تن‌الی، مهندس هوشنگ الیاسیان، مهندس روبرت خالدار، حاخام شموئل مسیح اسرائیلیان، حاخام آرش تهرانی و حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (مرجع دینی کلیمیان ایران). در تمام این سال‌ها جمعی افراد خیر و فرهنگی به اداره‌ی امور کنیسا مشغول بوده و هستند که ذکر اسامی همه‌ی آن‌ها خارج از ظرفیت این مقاله است.

مروری بر کنیسه‌های تهران



عبدالله زاده - کنیسه عزرا یعقوب - کنیسه عزیزخان (مشهدی‌ها) - کنیسه فخرآباد - کنیسه کوروش - کنیسه دوم کوروش (بت ال) - کنیسه کهن - کنیسه گرگان - کنیسه گیشا - کنیسه لویان (سزوار) - کنیسه ملاحینا - کنیسه نصرت - کنیسه هارامام - کنیسه یوسف آباد - کنیسه یوسف خداداد (یزدی‌ها) - کنیسه یوسف نفتالی (داوود موشه).

نویسنده در پایان کتاب ضمن برشمردن ویژگی‌های مشترک و کلی کنیسه‌ها، در باب اهمیت آن‌ها می‌گوید:

«... مطالعه و شناخت و معرفی این بناها در واقع مطالعه‌ی فرهنگ و آئین و باورهای قومی باستانی است که پس از طی هزاران سال با داشتن تاریخی پر فراز و نشیب همچنان هویت قومی و ملی خود را حفظ کرده و همچنان در دل روزگار ناشناخته و مهجور مانده است. یهودیان در هیچ دوره‌ای، از کنیسه و محل عبادت خود دور نبوده‌اند و رمز حفظ بسیاری از ارزش‌های دینی آنها حفظ همین بناهاست. کنیسه‌ها برای یهودیان نه تنها مرکز عبادت که مرکز تجمع و همبستگی و اتحاد آنان است و به هر جا که پا می‌گذاشتند مکانی را بدین منظور اختصاص می‌دادند؛ و ضرورت وجود این ابنیه و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی در اکثر ادوار باعث می‌شد که رو به معماری درونگرا آورده و این بناها را چنان بسازند که از معماری محیط پیرامونشان تبعیت کند. در ایران، ادواری که دولت‌های هخامنشی، اشکانی، سلجوقیان، غزنویان، افشاریه و زندیه حکومت می‌کردند، به طور متوسط دوره‌های آزادی و گسترش اقتصادی و اجتماعی یهودیان ایران بوده است، اما بطور کلی در دوره‌ی قاجار، زیر فشار اقتصادی و دینی قرار داشتند. مهاجرت یهودیان از ری، دماوند و سایر شهرها به تهران نیز در اواخر حکومت نادرشاه و اوایل دوره‌ی قاجار اتفاق افتاد. مهاجرت یهودیان به تهران از آمدن آن‌ها به محله‌ی اودلاجان شروع شد که در حقیقت نقطه‌ی عطف تاریخ یهودیان تهران در دویست و پنجاه سال اخیر است...»

این کتاب با حجم ۲۳۰ صفحه، دارای ضمیمه‌ی ۱۰۰ صفحه‌ای شامل تصاویری از کنیسه‌ها است. ■

کتاب «کنیسه‌های تهران از دیروز تا امروز» اثر یاسمن غنی (نشر آرون، ۱۴۰۱) در پنج فصل به بررسی تاریخچه و معرفی کنیسه‌های تهران پرداخته است. نویسنده در فصل اول به حضور یهودیان در ایران می‌پردازد و در فصول دوم و سوم، چگونگی پیدایش کنیسه‌ها، معماری و اجزای آن و نیز آیین‌های مرتبط با کنیسه را بررسی می‌کند. فصل چهارم به علل مهاجرت کلیمیان به تهران، اوضاع اجتماعی آنها در دو قرن گذشته و تاسیس کنیسه‌ها در این شهر اختصاص دارد. فصل پنجم به طور مفصل تمام کنیسه‌های تهران را از نظر موقعیت، وضعیت معماری و مشخصات کلی تا حد امکان تشریح می‌نماید. فهرست کنیسه‌های مورد بررسی در این کتاب (به ترتیب الفبا) بدین شرح است:

کنیسه ابریشمی - کنیسه اتحاد (ژاله) - کنیسه اتفاق (عراقی‌ها) - کنیسه اسحق حکیم (پسیان) - کنیسه اورشرگا - کنیسه باغ صبا - کنیسه پل چوبی - کنیسه حکیم آشر (حاداش، نو) - کنیسه حییم - کنیسه دانیال (کوچک یا لهستانی) - کنیسه خراسانی‌ها - کنیسه دروازه دولت (روحی شاد) - کنیسه راه دانش - کنیسه رفیع نیا - کنیسه زرگریان - کنیسه سرای سالمندان - کنیسه سید خندان (جلفا) - کنیسه طرشت - کنیسه



بررسی صحت مقابر منتسب به انبیای بنی اسرائیل در ایران

کتاب «مقابر؛ تحقیقی پیرامون مقابر انبیای بنی اسرائیل در ایران» (چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۴۰۰) اثر دیگری از یاسمن غنی است. در بخش اول کتاب نویسنده به تعریف مفهوم نبوت در دین یهود و سپس تاریخچه‌ی حضور یهودیان در ایران پرداخته و در ادامه بیش از ۴۰ مقبره‌ی منسوب به انبیای یهود را در ایران مورد بررسی قرار داده است و با توجه به تاریخچه‌ی زندگانی و موقعیت جغرافیایی محل اقامت و مهاجرت‌های احتمالی هر کدام از انبیا، احتمال صحت انتساب مقبره (یا مقابر) منسوب به او در ایران را مورد سنجش تاریخی قرار می‌دهد. نویسنده در این کتاب تلاش کرده تا نگاهی غیرجانبدارانه و مستند به این موضوع داشته باشد و در این راستا از طیف متنوعی از کتب تاریخی و دینی یهود و همچنین از دیدگاه‌ها و نوشته‌های سیاحان و مورخان از گذشته تا امروز بهره گرفته و احتمالات و شواهد موجود را بررسی کرده و در بخش پایانی کتاب چنین نتیجه‌گیری می‌نماید: «... در نهایت از میان ۴۷ مقبره‌ای که به‌عنوان مقابر منسوب به ۳۵ تن از انبیا معرفی شد، چنین به نظر می‌رسد که در چند مورد خاص تا حد زیادی و نه به طور قطعی، می‌توان پذیرفت که آن مقابر مدفن انبیا باشند. قابل پذیرش‌ترین موارد، مقبره‌ی دانیال در شوش است و بعد، مقبره‌ی مُردخای در همدان و مقبره‌ی حَبَقوق در تویسرکان و مقبره‌ی خالد نبی در ترکمن صحرا است. در باقی موارد اگر نگوییم که این انتسابات کاملاً مردود است، اما می‌توان گفت که سند و مدرک تاریخی برای پذیرش آن یافت نشده است. با این حال، این مقابر اگر مدفن پیامبران هم نباشد، و تنها مقبره‌ی یکی از اولیا یا اوصیا باشد، باز به‌واسطه‌ی این انتساب همواره برای پیروان ادیان آسمانی دارای ارزش و احترام است...».

فهرستی از مقابر مذکور که نویسنده مورد بررسی قرار داده به این شرح است:

ردیف	نام پیامبر (صاحب بقعه)	استان	شهرستان	دوره تاریخی پیامبر
۱	ارم بن سام	بوشهر	دشتی	حدود ۴ تا ۵ هزار سال پیش
۲	ارمیا	آذربایجان شرقی	هریس	قرن ۷ و ۶ پ.م.
۳	ارمیا	سمنان	شاهرود	قرن ۷ و ۶ پ.م.
۴	اسحق	خوزستان	دزفول	قرن ۱۸ پ.م.
۵	اسحق نبی	فارس	مرودشت	قرن ۱۸ پ.م.
۶	اشعیا	اصفهان	اصفهان	قرن ۸ پ.م.
۷	انوش	اصفهان	فلورجان	حدود ۵ هزار سال پیش

۲۸	سلام، سلوم، سهولی، القیا	قزوین	قزوین	-
۲۹	سموئیل	مرکزی	ساوه	۱۱۰۰ پ.م.
۳۰	شعیب	خراسان رضوی	قوچان	۱۴۰۰ پ.م.
۳۱	شعیب	خوزستان	شوشتر	۱۴۰۰ پ.م.
۳۲	شیث	فارس	فیروزآباد	۵۶۵۰ سال قبل
۳۳	شیث	مرکزی	خنداب	۵۶۵۰ سال قبل
۳۴	صالح	اصفهان	گلپایگان	حدود ۳ هزار سال پیش
۳۵	صالح	گلستان	گرگان	حدود ۳ هزار سال پیش
۳۶	عزرا	خوزستان	دزفول	قرن ۵ پ.م.
۳۷	عزرا	مرکزی	تفرش	قرن ۵ پ.م.
۳۸	قادر پیغمبر	گیلان	سیاهکل	-
۳۹	قادر بن اسماعیل	قزوین	خرمدشت	-
۴۰	قیدار	زنجان	خدابنده	حدود ۴۰۰۰ سال پیش
۴۱	لوط	تهران	رباط کریم	حدود ۴۰۰۰ سال پیش
۴۲	مُردخای	همدان	همدان	قرن ۵ پ.م.
۴۳	نوح نبی	فارس	نورآباد	احتمالاً ۵ هزار سال پیش
۴۴	یحیی	اصفهان	گلپایگان	۲۰۰۰ سال پیش
۴۵	یعقوب	گلستان	گرگان	۲۲۰۰ پ.م.
۴۶	یوشع بن نون	اصفهان	اصفهان	قرن ۱۳ پ.م.
۴۷	یونس	آذربایجان شرقی	مرند	قرن ۸ یا ۹ پ.م.

۸	اوریا	چهارمحال بختیاری	لردگان	قرن ۸ پ.م.
۹	ایوب	خراسان شمالی	بجنورد	حدود ۴ هزار سال پیش
۱۰	ایوب	فارس	مرودشت	حدود ۴ هزار سال پیش
۱۱	ایوب	مازندران	تنکابن	حدود ۴ هزار سال پیش
۱۲	ایوب و یوشع	قزوین	رودبار الموت	حدود ۴ هزار سال پیش
۱۳	جرجیس	آذربایجان شرقی	جلفا	حدود ۲ هزار سال پیش
۱۴	جرجیس	سمنان	بیارجمند	حدود ۲ هزار سال پیش
۱۵	جرجیس	خوزستان	شوشتر	حدود ۲ هزار سال پیش
۱۶	حجی	همدان	همدان	قرن ۵ یا ۶ پ.م.
۱۷	حزقیل	خوزستان	دزفول	قرن ۷ پ.م.
۱۸	حقیق (حَبَقُوق)	همدان	تویسرکان	قرن ۷ پ.م.
۱۹	خالد نبی	گلستان	کلاله	حدود قرن ۵ میلادی
۲۰	دانیال	اصفهان	گلپایگان	قرن ۷ پ.م.
۲۱	دانیال	خوزستان	شوش	قرن ۷ پ.م.
۲۲	دانیال	سمنان	شاهرود	قرن ۷ پ.م.
۲۳	دانیال	مازندران	تنکابن	قرن ۷ پ.م.
۲۴	داود	لرستان	الیگودرز	قرن ۱۱ پ.م.
۲۵	زکریا	گلستان	انبارالوم	حدود ۲ هزار سال پیش
۲۶	سام و جالوت	قزوین	رودبار الموت	حدود ۵ هزار سال پیش
۲۷	سام و لام	سمنان	سمنان	حدود ۵ هزار سال پیش

شادی آفرین مجالس

مصاحبه با مهندس روبرت خالدار درباره‌ی مرحوم هوشنگ شیرازی (خالدار)



الهام مودب

وی در ۲۳ سالگی مادرم را که ۱۳ سال داشت در زیارتگاه سارح بت آشر (اصفهان) می‌بیند و با او ازدواج می‌کند و به تهران، محله‌ی عودلاجان، مهاجرت می‌کنند. از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰ در مجالس عقد و عروسی، نامزدی، و... هم برای همکیشان و هم برای سایر هموطنان به همراه نوازنده‌ها آهنگ می‌خواند و با تبحر تنبک می‌نواخت. او با مردم ارتباط خاصی برقرار می‌کرد، در حین اجرا شوخی می‌کرد و آنان را می‌خنداند. به تنهایی و بدون وسایل صوتی، با یک تنبک می‌توانست یک مجلس ۲۰۰ نفره را شاد کند. علاوه بر تهران در شهرهای دیگر از جمله بوشهر، ارگ بم، رفسنجان، یزد، اصفهان، شیراز و مشهد نیز برنامه داشت. الگوی او فردی بود به نام «شکر» از مطربان بنام و چیره‌دست شیراز. وی در سال ۱۳۵۲ منزلی در خیابان سیروس (مصطفی خمینی فعلی) خرید و شماره تلفن ثابتی داشت که با همان کار می‌کرد. به عبارت دیگر منزل و دفتر کار ایشان (بنگاه شادمانی) یکی بود.

هوشنگ شیرازی در کارنامه خود موارد زیر را دارد:
پیش از انقلاب:

- سلام بابا
- سلام مبارک.
مبارک: بابا می‌خوام زن بگیرم.
مرشد: خب تو که می‌خوای زن بگیری، چی داری؟
مبارک: خونه دارم، سقف نداره،
ماشین دارم، چرخ نداره،
باغ دارم، درخت نداره،
همه چی دارم، فقط پول ندارم!
(نمونه‌ای از اجرای خیمه شب بازی)

• از هوشنگ شیرازی (خالدار) بگویید.

پدرم هوشنگ شیرازی (خالدار) در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۰ در شیراز به دنیا آمد. به دلیل محل تولدش در شیراز به نام هوشنگ شیرازی شناخته شده است. پدرش باشی، متولد شیراز، نوازنده-ی چیره دست کمانچه و ویولن، در مجالس شادی شرکت می‌کرد و او هم از ۱۲ سالگی پدر را همراهی می‌کرد.

لباس‌های محلی شیرازی و بختیاری را با رنگ‌های شاد معمولاً از بنگاه‌های شادمانی کرایه می‌کردند و در مواردی هم مادرم می‌دوخت.

هزینه‌ی اجرا ۲۰۰ ریال از سال ۱۳۴۲ بود تا ۱۰۰۰-۵۰۰ ریال در اوایل انقلاب و ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال برای ۳ تا ۴ همکار در سال ۱۳۹۰.

برای دستمزد افراد گروه نیز ابتدا هزینه‌ی کرایه تاکسی کسر می‌شد. یک سهم برای کسی بود که برنامه می‌گرفت. جمعاً ۲ سهم برای کسی که هم برنامه می‌گرفت و هم اجرا داشت. مابقی دریافتی به‌طور مساوی بین افراد تقسیم می‌شد. به کارآموزها هم چیزی تعلق نمی‌گرفت.

• همکارانشان چه کسانی بودند؟

دو همکار یهودی ثابت و مطرح او شازده خانم نباتی، نوازنده‌ی تار، و نجات وردی، نوازنده‌ی ویلون بودند که تا سال ۱۳۵۲ با پدر همکاری داشتند. سپس پدر از آنان جدا شد و با شخصی به‌نام کفتتری، اهل شیراز، نوازنده‌ی یهودی و معروف تار و ویلون، تا زمان مهاجرت او در سال ۱۳۶۰ همکاری داشت. در سال‌های آخر فعالیت هنری که کارها کم شده بود شازده خانم نباتی مجدداً با پدر همکاری می‌کرد.

شازده خانم نباتی، متولد تهران، نوه‌ی یحیی خان زرین پنجه بود که به عنوان نوازنده‌ی تار از ۱۲ سالگی به همراه پدرش در مجالس شرکت می‌کرد. او نوازنده‌ی چیره دستی بود و دو یا سه آهنگ محدود می‌خواند که همان حضار را مسحور می‌کرد (از جمله آهنگ «تار شکسته»). او تا ۸۰ سالگی به کار خود ادامه داد.

نجات وردی نیز همکار دیگر پدرم بود که در خیابان سیروس روبروی بیمارستان دکتر سپهر یک بنگاه شادمانی به نام وردی داشت. شازده خانم نباتی و نجات وردی در فیلم هفت دختران به کارگردانی پرویز کاردان نیز اجرا داشتند.

سایر همکاران هوشنگ شیرازی به این شرح بودند:

همکاران یهودی:

اجرا در دربار در سال ۱۳۵۰ به‌همراه شازده خانم نباتی و نجات وردی - اجرا در کافه میامی (هتل سیمرغ فعلی) و باکارا و باریکیو قبل از اجرای خوانندگان معروف - تهیه‌ی یک صفحه (موسیقی) با دو آهنگ به نام‌های «قرتو برم» و «زن و دندان» در سال ۱۳۵۰، همخوانی با نجات وردی و نوازندگی تنبک.

پس از انقلاب:

خیمه‌شب‌بازی از حدود سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ در برنامه‌های شبکه‌ی برون مرزی سحر، بیمارستان شهدای تجریش، مهدهای کودک، شیرخوارگاه آمنه، مدارس کلیمیان و ... - نواختن طبل کوبه‌ای در مراسم عزاداری عاشورا - همکاری با داوود فتحعلی بیگی در شبکه‌ی روستا در سال ۱۳۷۰.

• چرا لقب ایشان "هوشنگ پلاستیک" بود؟

او در بازار کنار مغازه‌ی یوسف عدسیان (ملقب به دخیل، که در اختلافات همکاران بازاری یا زوج‌های همکیش پادر میانی می‌کرد) پلاستیک فروشی داشت. به دلیل این که چهره‌ی شناخته شده‌ای بود، از نام ایشان (هوشنگ شیرازی) توسط فرد (یا افراد) دیگر استفاده شد. از این رو پسوند پلاستیک را به نام خود اضافه کرد. در ضمن صنف پلاستیک نیز تازه شکل گرفته بود.

• خاطره‌ای درباره‌ی ایشان بفرمایید.

هرگاه برخی از نوازندگان گروه نمی‌توانستند در مراسمی شرکت کنند، پدرم راننده‌ی آژانس یا فردی را که هیچ تخصصی نداشت به‌جای نوازندگان می‌برد تا ظاهراً بنوازد. اما پدر خودش مراسم را به‌خوبی مدیریت می‌کرد و کسی متوجه عدم حضور نوازنده‌ی اصلی نمی‌شد.

دیگر این که وی فرزندانش را فقط به درس و تحصیل توصیه می‌کرد، به گونه‌ای که من مهندس شدم، برادرم (رامین) دکتر دندانپزشک و خواهرم (رزیتا) مهندس برق هستند.

• لباس‌های اجرا، هزینه‌ها و دستمزدها معمولاً به چه صورت بود؟



از راست: ایرج - نجات وردی - هوشنگ شیرازی

میزنه، جونوم جونوم جونوم

خدا مهربونه، یار عاشقونه، خودش خوب میدونه، وای وای
وای.

• به بنگاه‌های شادمانی اشاره می‌کنید؟

بنگاه‌های شادمانی مغازه‌های کوچکی در خیابان گمرک یا سه‌راه سیروس بودند. هم وسایل موسیقی می‌فروختند و هم برای اجراهای مراسم مختلف نوازنده و خواننده و... می‌فرستادند. از آن میان می‌توان به دلشاد، مهناز، ترانه، نیک‌نام و موزیک بهنام، حجازی و نجاتی اشاره کرد.

• ورود موسیقی پاپ چه تاثیری بر کار پدر داشت؟

در نهایت به کم شدن کار منجر شد. در برخی مهمانی‌ها در کنار موسیقی پاپ، مردم گروه‌های موسیقی سنتی را برای اجرا در گوشه‌ای از حیاط دعوت می‌کردند.

• در مورد ورود ایشان به دنیای خیمه شب‌بازی توضیح می‌دهید؟

در پی کم شدن کار، پدر به خیمه‌شب‌بازی رو آورد. پس از انقلاب فعالیت او گسترش یافت. او هم به‌عنوان مرشد پای خیمه بود و هم در داخل خیمه عروسک‌گردانی می‌کرد و با استقبال خوب کودکان روبرو شد. پدر خیمه و عروسک‌ها را از علی بیرجندی خرید. عروسک‌ها همه چوبی بود و هنوز آنها را داریم و قدمت آنها تقریباً به ۱۰۰ سال می‌رسد. او به مرور عروسک‌های زیبا را می‌خرید و به مجموعه‌اش اضافه می‌کرد.

تار و ویلون: منوچهر شیرازی - تار: نجات بخشی - ویلون: عطا خانی بمونی - آکاردئون: ایرج - ضرب و تنبک: یعقوب دونل و هوشنگ فلفلی.

سایر همکاران:

ویلون: حسن حسینی‌زاده (حسن شمسی)، حیدری و شهناز - ویلون و کمانچه: دلشاد، عمو قاسم شیرازی - آکاردئون: جعفری و رضا رحیمی - تار: ممد (محمد) تاری، اسماعیل‌زاده، اصغر ادیب‌زاده - ضرب: غلامعلی افشار، محمد حلوائی، حیدر یادگار، فرامرز جهان‌بخش، غلام گردن کج - قره‌نی: رحیمی - سنتور: جعفر تندرو، نظری، علی روشن، ورزنده، فریبز و ضیایی (او علاوه بر نواختن سنتور و دایره زنگی، در داخل خیمه عروسک گردانی و الاغ سواری نیز می‌کرد).

سیاه‌بازان: علی مصری، محمود ژینگول (ماتیکی)، علی سلیمانی، محسن، کاظم شیرین‌سخن (که روبروی سیاه‌بازان بازی می‌کرد و سیاه نمی‌شد).

شعبده‌بازی: زنکو، گالا گالا، ژاسپیر.

عکاس و فیلم‌بردار: لئون رفوا.

• منظور از الاغ سواری چه بود؟

یک ماکت الاغ بود که خواننده با خواندن این آهنگ در جمع کودکان می‌رفت و آنان با ماکت الاغ بازی می‌کردند و عکس می‌گرفتند:

آهای خانم، آهای آقا، الاغ سوارم. پول می‌گیرم. راه می‌برم، الاغ سوارم من. الاغ من پیره، پیره. ترمز نمی‌گیره، گیره، گیره.

...

• آهنگ محلی شیرازی را که پدر می‌خواندند به-یاد دارید؟

بعد از صد سال اگر از سر قبروم گذری، وای جونوم وای دلبر

کفنوم چاک دهوم، زندگی از سر گیروم، وای جونوم وای دلبر

دلّم آسیت پر میزنه، به هر دری در میزنه، به هر سری سر

در سال‌های جنگ محدودیت‌هایی برای اجرا بود. چند بار او را در مجالس بازداشت کردند و به اداره‌ی اماکن بردند. پدر به آنان یادآوری می‌کرد که از این راه امرار معاش می‌کند. به او سخت نمی‌گرفتند، هیچگاه سازش را مصادره و جریمه‌اش نکردند.

او یک بار در سال ۱۳۶۵ برای ساعت ۱۱ بلیط هواپیما برای اجرا در مشهد داشت. ساعت ۱۰ از اماکن آزاد شد و به سمت فرودگاه راه افتاد. خوشبختانه به موقع به پرواز و اجرا رسید.



از راست: دلشاد - کفتری - هوشنگ شیرازی - ناشناس

• همسرشان در زندگی حرفه‌ای ایشان چه نقشی داشتند؟

مادرم مرحومه پروانه خاکشور، در برنامه‌ریزی‌های کاری‌اش همکاری می‌کرد و دستیار وفادار او و به نوعی مدیر برنامه‌اش بود. او چون پرستاری مهربان در ۷ سال دوران بستری در منزل تا لحظه‌ی مرگ در کنارش بود.

• و سخن آخر:

فیلم مطرب (به کارگردانی مصطفی کیایی، ۱۳۹۸) به نوعی بخشی از زندگی پدرم را به یادم آورد. در سال‌های پایانی زندگی پدر در دوران بستری در منزل، از طرف مجله‌ی همشهری ماه با او مصاحبه کردند. عکس او به همان وضعیت بر روی جلد مجله چاپ شد و اشاره شد که شادی‌آفرینان دیروز مجالس، امروز فراموش شده‌اند.

هوشنگ شیرازی در سال ۱۳۹۷ پس از تحمل ۸ سال پارکینسون بر اثر ایست قلبی درگذشت. شعر زیر که همیشه در ابتدای مجالس می‌خواند بر مرازش نقش بسته است:

گدایان بهر روزی طفل خود را کور می‌خواهند
طبییان جملگی مخلوق را رنجور می‌خواهند
گمانم مرده شویان راضی‌اند بر مردن مردم
بنازم مطربان، کاین خلق را مسرور می‌خواهند! ■

او خودش برای آنها لباس می‌دوخت. خیمه‌شب‌بازی بر مبنای بازی و گفتگوی مرشد با عروسکی به نام مبارک بود. یکی از داستان‌ها، داستان پادشاه سلیم خان بود. اول سربازها به احترام می‌آمدند. پهلوان میل می‌انداخت و مبارک آن‌را می‌گرفت و بین آنان دعوا می‌افتاد و مرشد دخالت می‌کرد. برای صحبت به‌جای مبارک، عروسک‌گردان سوت در دهان می‌گذاشت. مرشد صحبت‌های مبارک را که با سوت گفته می‌شد تکرار می‌کرد. گفتگو و بازی مبارک با مرشده‌ی که تنبک می‌زد بچه‌ها را می‌خندانند. از استادان خیمه‌شب‌بازی علاوه بر پدرم، می‌توانم به این‌ها اشاره کنم: احمد خیمه‌ای، رضا خیمه‌ای، غلام خدر، علی بیرجندی.

• کار ایشان چه مشکلاتی داشت؟

پدر مسائل را مشکل نمی‌دید و راه حل پیدا می‌کرد. معمولاً پنجشنبه‌ها فشار کار زیاد بود و گاه همزمان برای اجرا در چند مراسم مختلف از ساعت ۴ بعدازظهر تا نیمه‌شب دعوت داشت. همه انتظار داشتند که در مراسم آنان شرکت کند. تا آنجا که می‌توانست خود بر اساس زمان‌بندی محدود در برخی مراسم شرکت می‌کرد و برای برخی مراسم دیگر، دوستانش را می‌فرستاد که مردم دلخور می‌شدند. با این حال مردم اجرای همکارش غلام گردن کج را می‌پذیرفتند.

آن زمان‌ها خیلی‌ها تلفن ثابت نداشتند. به همین دلیل من ۲ روز قبل برای دعوت حسن حسین‌زاده برای اجرا به منزل او در فلکه‌ی چهارم تهران پارس می‌رفتم. بعضی‌ها هم تلفن ثابت مغازه‌های محل را می‌دادند تا از طریق آنان اطلاع رسانی شود.



در بخش اطفال دانشکده پزشکی و دانشکده پرستاری UCLA خدمت کرد.

او بالاترین سطح از استانداردهای حرفه‌ای، اخلاقی و معنوی را رعایت می‌کرد و در این زمینه به شهرت رسید. دکتر برال مانند پدرش (که ریاست کمیسیون بهداشت و درمان مجلس ایران، ریاست گروه تغذیه، شیمی مواد غذایی و سم‌شناسی دانشگاه تهران و تألیف چندین کتاب از جمله «گیاهان دارویی ایران» را برعهده داشت) بسیار پرکار بود. وی بدون توجه به ساعات اداری و ملاحظات مالی در بسیاری از مواقع بوسیله تماس تلفنی با خانه بیماران خود "خدمات درمانی راه دور" ارائه می‌داد. او به مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی "کل نگر" نیز علاقه داشت؛ بنابراین «تغذیه» و «درمان‌های طبیعی» را نیز در ترکیب با دانش طب مدرن غربی، وارد روش درمانی خود کرده بود.

چندین نسل از بیماران و خانواده‌هایشان دکتر برال را شخصیتی بیش از یک پزشک توصیف می‌کنند: او منبع آرامش، تشویق، امید و خنده بود. فردی مهربان که باعث می‌شد مردم احساس کنند دیده می‌شوند و شنیده می‌شوند. همیشه او به دلیل اصالت و ماهیت سرزنده اش مورد تحسین قرار می‌گرفت و برای بالا بردن روحیه‌ی کودک مورد معالجه تلاش ویژه‌ای می‌کرد. ■

درگذشت دکتر مسعود برال: پزشک خیر خواه لس آنجلس



ترجمه: مردخای امین شموئلیان

دکتر مسعود برال، متخصص اطفال و درمانگر برجسته‌ی جامعه‌ی لس آنجلس، ۳۰ مهر ۱۴۰۱ در سن ۷۸ سالگی دار فانی را وداع گفت.

وی در سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد و از ۱۳ سالگی در "داروخانه ری" نزد پدرش دکتر موسی برال مشغول به کار شد. دکتر موسی برال نماینده‌ی کلیمیان در مجلس موسسان (۱۳۲۸ خورشیدی) و متعاقب آن در مجلس شورای ملی بود. مسعود برال برای تحصیل در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران اقدام کرد و پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده در سال ۱۳۴۸، در دوران خدمت وظیفه ۱۸ ماه را به عنوان "ستوان یکم پزشکی" به ارائه خدمات درمانی در مناطق محروم پرداخت.

وی در سال ۱۳۵۱ برای تکمیل دوره‌های رزیدنتی خود در بیمارستان عمومی شهر واشنگتن دی سی، و بیمارستان‌هایی در اوهایو، ایران را ترک کرد. او در سال ۱۳۵۸ مطب خود را در کالیفرنیا تاسیس کرد. همچنین او به مدت شش سال در مرکز بهداشت دانشکده پرستاری UCLA در محله‌ی "سنت جوزف" داوطلبانه به افراد بی‌خانمان کمک می‌کرد.

برای چندین دهه، دکتر برال به عنوان پزشک معالج در مراکز پزشکی متعدد و نیز به مدت ۱۰ سال به عنوان استادیار

^۱ - طب کل نگر یک مفهوم در حرفه پزشکی است که در آن تمام جنبه‌های نیازهای مردم از جمله نیازهای روانی، جسمی و اجتماعی باید در نظر گرفته شود و بیمار به عنوان یک کل دیده شود.



"زندگی زیباست..."

شرگان انورزاده
فعال اجتماعی

در گذر از روزهای پر فراز و نشیب زندگی، دوران شاد و زیبایی کودکی، که دنیا به کاممان بود و بینهایت خوش بودیم و هر ضربان قلبمان، آوازی شاد سر می داد، می‌دویدیم، بی‌خستگی، می‌خندیدیم. بی‌وقفه، بازی می‌کردیم، بی‌انتهای دوران نوجوانی، که گاهی غصه‌ی دنیا را هم می‌خوردیم، چون کمی پا را از کودکی فراتر نهاده بودیم و ذهنمان، رو به آگاهی و روشنایی بیشتر می‌رفت و دلمان می‌خواست که هر چه زودتر وارد دنیای جوانی و بزرگترها شویم. تا وقتی که جوانی برومند شدیم و امیدها و آرزوهایمان هم بزرگ‌تر و عمیق‌تر شد، در هر برهه از سن و سالمان، زندگی زیبایی‌های خاص خودش را داشت و دارد.

چرخ زمانه، بی‌خستگی و مداوم می‌چرخد. روز پشت روز، هفته پشت هفته، ماه پشت ماه و سال پشت سال، تند و برق‌آسا و بی‌رحمانه می‌گذرد و گاهی یادمان می‌رود که در مسیر این گذر پر پیچ و خم، باید "زندگی" کنیم.

یادمان می‌رود، زیبایی‌های این مسیر را ببینیم. زیبایی‌های چهار فصل خدا را. بهار سبز سبز. تابستان رنگارنگ و پاییز هزار رنگ و زمستان سفید سفید. زیبایی‌های طبیعت که چه خوش در قلبمان می‌نشیند. دریای آبی آبی. جنگل سبز سبز. حتی گاهی نعمت حضور عزیزانمان هم در کنارمان، یادمان می‌رود.

یادمان می‌رود که محبت یک دوست خوب، چه‌طور و چه‌قدر، قلبمان را گرم و دقایقمان را پر معنی می‌کند.

فقط کافی است شکرگزار نعمت‌های خدای مهربان باشیم و هر لحظه از زندگی لذت ببریم.

لذت نوشیدن یک فنجان چای داغ در دل زمستان سرد یا نوشیدن یک لیوان آب سرد و گوارا، در دل تابستان گرم.

لذت معاشرت و خندیدن با یک دوست موافق و هم‌فکر.

لذت بودن در کنار خانواده‌هایمان. لذت دیدن زیبایی‌های طبیعی، که خالق توانا با هنرمندی در جهان به ودیعه نهاد.

لذت بودن، لذت داشتن زندگی.

لذت بی‌انتهایی که در دم به ما می‌گوید:

"زندگی زیباست ای زیبا پسند

زنده اندیشان به زیبایی رسند" ■

اجبار: مرگ خاموش

سحر بروخیم

ای دوست اجبار نکن
هیچ کس را به هیچ چیز
اگر کردی از آن پس تنها چیزهایی که نصیبت می‌شود، دروغ و پنهان‌کاریست،
دروغ می‌شنوی و اعتماد از بین می‌رود.
اعتماد که از بین رفت از آن به بعد همه‌ی واقعیت‌ها
مشکوکند.

و وای به روزی که نتوانی حتی حرف راست را باور کنی،
هم خودت از بین می‌روی و هم از بین می‌بری.

زندگی برایت از زهر تلخ‌تر می‌شود.

حتی از اتفاقات لذت‌بخش هم لذت نمی‌بری.

دست به اعتقادات هیچ کس نزن، حتی نزدیک‌ترین‌ات،

بگذار همانی که هست باشد،

چه خوب، چه بد.

هیچ کس تا نخواهد، تغییر نخواهد کرد.

پس ای دوست! خودت را نرنجان .

آهنی را که موریانه بخورد

نتوان برد از او به صیقل زنگ

با سیه دل چه سود گفتن وعظ

نرود میخ آهنین در سنگ

زندگی کن برای خودت، نه برای دیگران.

بگذار تاوان گناهانشان با خودشان باشد،

بگذار سختی‌ها برای خودشان باشد،

بگذار تقاص اشتباهاتشان را خودشان پس بدهند،

خوب و بد، برای خودشان.

تو آفریده شده‌ای تا شاد باشی.

پس شادی و آرامشت را فدای هیچ کس نکن.

اجبار یک مرگ تدریجی‌ست،

تو اما زنده بمان و زندگی کن. ■



دیورا

ریکا

فاصله‌ی خواستن تا توانستن مصاحبه با دو خواهر نوجوان کلیمی موفق در سبک کیوکوشین

مژده یمینیان

کیوکوشین یکی از سبک‌های کاراته‌ی آزاد است. در مسابقات سالانه‌ی قهرمان قهرمانان بانوان کیوکوشین ایران که ۷ بهمن ۱۴۰۱ در سالن کبکانیان تهران با حضور هیئت نقره‌ئیان (بانوی کلیمی) صدر هیئت رئیسه‌ی کیوکوشین ایران با ۴۰۰ نفر شرکت کننده از ۱۱ استان ایران برگزار شد، دو خواهر نوجوان یهودی به نام ریکا و دیورا فروزان فر با کسب مقام سوم کشوری و دریافت مدال برنز در رده‌ی سنی نوجوانان و نونهالان افتخارآفرینی کردند.

- چه خوب که یک رشته ورزشی را به صورت هدفمند دنبال می‌کنید. آیا در کنار این رشته به فعالیت ورزشی دیگری هم می‌پردازید؟
ریکا و دیورا: بله. پیلاتس و شنای تفریحی به صورت پراکنده.
- در هفته چند ساعت را به کیوکوشین اختصاص می‌دهید؟
ریکا: در هفته ۴ ساعت زیر نظر مربی و ۲-۳ ساعت در منزل.
دیورا: من هم همینطور.
- آیا در کنار فعالیت ورزشی، به فعالیت‌های دیگری هم علاقه‌مند هستید؟
ریکا: بله به پیانو علاقه دارم و حدود ۶-۷ سال است که در سبک کلاسیک پیانو می‌زنم.
دیورا: من هم به پیانو علاقه دارم و حدود یک سال به پیانو پرداختم.
- پس هم به سلامت جسم و هم به سلامت روختان اهمیت می‌دهید که این دیدگاه بسیار حائز اهمیت است. در رابطه با کیوکوشین چه هدفی را دنبال می‌کنید؟
ریکا: دوست دارم این فعالیت را ادامه بدهم و در زمینه مربی‌گری در این رشته فعالیت کنم.
دیورا: من هم می‌خواهم این فعالیت را تا رسیدن به مقام مربی ادامه دهم.
- آیا در خانواده‌ی شما افراد دیگر هم به ورزش علاقه دارند؟
ریکا: بله خواهر بزرگتر ما سارا هم در همین رشته فعالیت می‌کند و از او به خاطر حمایت‌های فراوان در باشگاه، محیط خانواده و مخصوصاً در روز مسابقه سپاسگزاریم. ■

• ضمن تبریک برای کسب این موفقیت، خود و جایگاهتان را در این رشته معرفی کنید.

○ ریکا فروزان فر هستم، ۱۵ ساله، کلاس نهم. مقام سوم کشوری را با کمر بند رنگی در رده‌ی سنی نوجوانان در بخش کومیته (مبارزه) با دریافت مدال برنز کسب کردم.

○ دیورا فروزان فر هستم، ۱۳ ساله، کلاس هفتم. در مسابقه‌ی قهرمانی امسال، در رده‌ی نونهالان، مقام سوم مشترک کشوری را کسب کردم.

• از چه سالی این فعالیت را شروع کردید و در حال حاضر کمر بند شما چه رنگی است؟

ریکا: از سال ۱۴۰۰ و حدود یک سال و نیم در زمینه‌ی کیوکوشین فعالیت می‌کنم. از دوران کودکی به کیوکوشین علاقه داشتم و در حال حاضر کمر بند زرد دارم.

دیورا: من هم همیشه دوست داشتم یک رشته‌ی ورزشی را به صورت حرفه‌ای دنبال کنم و از سال ۱۴۰۰ همراه با خواهرم رشته کیوکوشین را انتخاب کردم و در حال حاضر کمر بند زرد دارم.

• آیا قبلاً هم در این زمینه موفقیتی داشته‌اید؟

ریکا: سال گذشته در بخش کاتا مقام سوم را کسب کردم. (کاتا مجموعه‌ای از حرکات و تکنیک‌های تهاجمی و دفاعی است که به شکل نوعی رقص موزون به نظر می‌رسد.)

دیورا: بله من هم در سال ۱۴۰۰ دو بار مقام سوم کشوری را در گروه نونهالان کسب کردم.

در واقع یک طلاق سالم مانند یک ازدواج سالم نیاز به آگاهی، تلاش و از خود گذشتگی دارد. متأسفانه در مسیر طلاق مراسم و آداب سالمی به مانند سایر رخدادهای غم‌انگیز زندگی نداریم. به‌عنوان مثال زمانی که عزیزی را از دست می‌دهیم، دیگران با حضور خود در مجالس متفاوت در غم ما شریک شده، همدردی کرده و تا مدت‌ها در کنارمان هستند. اما به هنگام طلاق تنها مییم. مهم‌تر از آن وقتی یکی از نزدیکان را از دست می‌دهیم، دیگر بر روی ویژگی‌های منفی و خاطرات دردناکی که با او داشته‌ایم تمرکز نمی‌کنیم و چه بسا او را می‌بخشیم، ولی در مورد طلاق قضیه دقیقاً بالعکس است. در نتیجه نه تنها از رنج و مشقت طلاق کاسته نمی‌شود بلکه ممکن است تا همیشه در باتلاق عواطف و مشکلات دست و پا بزنیم.

به همی این‌ها مسایل حقوقی و شرعی را هم اضافه کنید. اگرچه تقریباً در همی جوامع و ادیان طلاق مجاز شمرده می‌شود، ولی از آنجا که ازدواج و ماندن در آن یک ارزش محسوب می‌گردد، بسیاری از قوانین مدنی و شرعی به‌گونه‌ای تنظیم شده‌است که طلاق و جدایی هرچه سخت‌تر شود. به این امید که زوجین پشیمان شده و به زندگی متاهلی خود ادامه دهند!!! اگرچه که می‌توان انتقادات جدی به این قوانین وارد نمود (که از حوصله‌ی این مقاله خارج است) ولی باید پذیرفت که قوانین جاری فعلاً همین هستند. پس بهتر است پیش از هر تصمیم و اقدامی، با یک فرد خبره و آگاه به مسایل حقوقی و شرعی مشورت کنید تا بدانید که چه مسیری در پیش رویتان است (به ویژه همکیشان گرامی).

اما آنچه که در مسیر طلاق از نقطه‌نظر روانشناختی و عاطفی مهم است:

هنگامی که با واقعیت رابطه‌تان مواجه می‌شوید و می‌فهمید که شخصی که با او ازدواج کرده‌اید همانی نیست که می‌خواستید (سلطه‌گر است یا سلطه‌جو، بی‌عاطفه است یا چسبیده، بی‌اعتنا است یا بدبین، خسیس است یا ولخرج ...)، اگر مسایل را حل نکنید آن‌وقت ممکن است وانمود کنید که هیچ مشکلی وجود ندارد و یا وارد درگیری شوید. ادامه‌ی این روند در نهایت منجر به دوری کردن از یکدیگر، عدم ابراز علاقه، نبود گفتگو

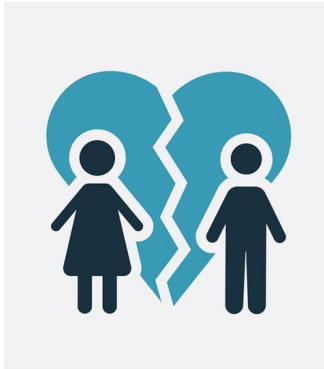
پدیده‌ی جدیدی به نام طلاق در جامعه‌ی کلیمی

(بخش دوم)



دُریتا معلمی
کارشناس روانشناسی

همان‌طور که در مطلب شماره‌ی قبل متذکر شدم، هیچ زن و مردی با امید و آرزوی جدایی ازدواج نمی‌کنند. همه، حتی آن‌هایی - که در طول دوره‌ی آشنایی و نامزدی نسبت به مسایل موجود در رابطه دچار شک و تردید می‌شوند، باز هم با این امید پیمان زناشویی می‌بندند که در نهایت خوشبخت و سعادتمند شوند. اما نمی‌توان منکر شد که همی از دواج‌ها به سرمنزل مقصود نمی‌رسد و در تمامی جوامع با درصدهای متفاوت، ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود. آنچه که در این بین بسیار حائز اهمیت است این که افراد در مورد طلاق هیچ آموزشی ندیده‌اند. معمولاً همه به زعم خود می‌پندارند و یا واقعا تلاش می‌کنند که ازدواج را خوب به پیش ببرند اما در مورد طلاق چیزی که به ذهن متبادر می‌شود تنها نزاع، دشمنی، درگیری، جنگیدن و غلبه کردن است. در بسیاری از طلاق‌ها، زوجین تمام تلاش خود را به کار می‌برند تا مانع رسیدن دیگری به حق و حقوقش و به آرامش شوند، تا انتقام خود را بگیرند و یا به دیگران ثابت کنند که خودشان کاملاً مبرا و دیگری سراپا تقصیر و گناه است. غافل از این که پا گذاشتن در چنین مسیر سنگلاخی نه تنها موجب آزار دیگری می‌شود بلکه خود فرد را هم از رسیدن به آرامش و در پیش گرفتن مسیر جدید زندگی باز می‌دارد. همچنین اگر در این بین فرزندان هم وجود داشته باشند به- شدت زخمی شده و آسیب می‌بینند (بماند که در جامعه‌ی کوچک ما طلاق‌های این‌چنینی پیامدهای دیگری نیز دارد از جمله: سخت‌تر شدن ازدواج مجدد، بروز اختلاف و تنش با سایر افرادی که به نوعی وابسته به طرف مقابل هستند، نقل محفل عام و خاص شدن، انزوا و دور افتادگی از سایر همکیشان).



بگیرید. چرا که در چنین مواردی دانش و تجربه‌ی یک فرد بی‌طرف می‌تواند کمک کند تا مسیر سنگلاخی هموارتر شده و در نتیجه از آسیب وارده به اعضای خانواده‌ی درگیر طلاق کاسته شود.

یک مشاور به‌جای آنکه از منافع یک طرف در برابر طرف دیگر دفاع کند (روشی که معمولاً نزدیکان و دوستان و ریش-سفیدان به‌کار می‌گیرند)، بر یافتن راه‌حلی تمرکز می‌کند که نیازهای همه‌ی اعضای خانواده را در بر گیرد. همچنین مشاور به هر دو طرف مهارت‌هایی را می‌آموزد که بتوانند مشاجرات آینده را حل و فصل نمایند. و البته از آنجا که بالاترین اولویت، فرزندان خانواده هستند، مشاور شیوه‌های برخورد مناسب با فرزندان را نیز به والدین آموزش می‌دهد.

در کنار تمام این مزایا در نظر داشته باشید که مشاوره از نقطه نظر زمان، پول و آشفتگی‌های عاطفی هزینه‌ی کمتری می‌طلبد.

بنابراین اگر ازدواجتان به گرداب طلاق منتهی شد، به‌جای آن‌که گناه و تقصیر را به گردن یکدیگر، دیگران، ماهواره، مسئولین و یا... بیندازید، بهتر است با قضیه عاقلانه و منطقی برخورد کرده و حتماً با یک مشاور در ارتباط باشید.

طلاق به خودی‌خود سخت و تلخ است. مراقب باشید که با رفتارهای نسنجیده و غیرمنطقی آن را تبدیل به یک جسد متعفن نکنید چرا که در نهایت خودتان باید حامل آن باشید. ■

منابع:

۱. سلامت روانی طلاق، لوئیس گلد، مجید رئیس دانا، انتشارات رشد
۲. بمانم یا بروم، لی رافل، بهزاد رفعتی، انتشارات توانا

و رابطه‌ی جنسی، و بی‌اهمیتی و بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر می‌شود (مرحله‌ی طلاق عاطفی).

و در ادامه‌ی این روند به‌خصوص اگر مایل به طلاق قانونی نیز باشید مرحله‌ی سوگواری نیز در انتظارتان است. این مرحله مشابه همان مرحله‌ی است که پس از آگاهی از مرگ یکی از عزیزانتان تجربه می‌کنید، شامل مرحله‌ی شوکه شدن و انکار واقعیت، خشم و عصبانیت، تلاش بی‌بهره برای تغییر واقعیت، اندوه و در نهایت پذیرش واقعیه. قابل ذکر است که زمان گذر از این مراحل از فردی به فردی دیگر متفاوت است، ولی اگر اجازه ندهید که هرکدام از این مراحل روند طبیعی خود را طی کند، ممکن است تا سال‌ها در یک مرحله باقی مانده و دست و پا بزنید، بدون آن‌که هیچ سودی عایدتان شود. به‌عنوان مثال حتماً با افراد مطلقه‌ای از این دست برخورد داشته‌اید که سال‌ها بعد از جدایی هنوز با عصبانیت در مورد همسر سابق‌شان صحبت می‌کنند و یا از اندوه آن دوران بیرون نیامده و دچار افسردگی شده‌اند.

و اما اگر به سلامت از این مراحل عبور کنید آن‌وقت به مرحله‌ی بازسازی می‌رسید که طی آن می‌توانید با یک چشم-انداز دیگر به زندگی بدون همسران بپردازید.

برای گذار سالم از مراحل متفاوت طلاق لازم است که تحت تاثیر احساساتی مانند خشم تصمیم‌گیری نکرده بلکه عاقلانه و سنجیده عمل کنید. مرتب در پی این نباشید که همسران را مقصر بدانید، سهم خود را هم بپذیرید. از دید همسران به موضوع نگاه کنید، او هم دارد عذاب می‌کشد. به‌دنبال مذاکره‌ی برد-برد باشید و از سر انتقام و لجبازی برخورد نکنید. و از همه مهم‌تر اگر فرزند یا فرزندان دارید، هرگز، هرگز و هرگز پای آنها را وارد این ماجرا نکرده و آنها را به وجه‌المصالحه و یا وسیله‌ای برای انتقام و تنبیه همسران تبدیل نکنید.

در عوض متعهد شوید به این‌که نیازهای مالی و عاطفی فرزندان را برآورده کرده و همیشه آن‌ها را در صدر اولویت‌هایتان قرار دهید. مانع رابطه‌ی فرزندان با والد دیگرش نشده و حتی حامی این رابطه باشید و تمام تلاشتان را به‌کار ببرید تا همگی بدون خون و خون‌ریزی!!! از این مرحله عبور کنید.

در این مسیر، شاید بهتر باشد که از یک مشاور طلاق کمک

نمی‌شود یا قانون گذاشته می‌شود اما فقط برای دو روز، چون والدین برای ادامه‌ی کار ثبات لازم را ندارند یا خودشان الگوی مناسبی ارائه نمی‌دهند یا چون حریف فرزندان‌شان نمی‌شوند، قانون را رها می‌کنند.

ممکن است خودشان وظایف فرزندان‌شان را به جای او انجام دهند؛ مثلاً اتاقش را مرتب بکنند، تکالیف مدرسه‌اش را انجام دهند یا ظرف غذا را از کیف مدرسه‌اش خارج کرده و بشویند، کیف و کتاب‌هایش را هر شب بچینند تا برای فردا آماده باشد. یا راه‌های غیر اصولی دیگری مانند این که فریاد بزنند تا او از پای بازی رایانه‌ای بلند شود یا گوشی موبایل را زمین بگذارد، یا هزار بار او را صدا کنند و ناز او را بخرند تا سراغی از تکالیفش بگیرد یا لیوان شیرش را پس از یک هفته از اتاقش به آشپزخانه منتقل کند یا این که با همسر خود بحث و مشاجره کنند و او را مقصر بدانند که چرا با او برخورد نمی‌کند و این داستان همیشه و هر روز تکرار می‌شود.

در ارزیابی‌هایم از والدین، معمولاً این جملات را در پاسخ به پرسش‌هایم می‌شنوم:

- برای انجام تکالیف، بازی، زمان خوابیدن یا استفاده از گوشی و ... قانونی تعیین می‌کنید؟ + قانون می‌گذاریم اما او حرف شنوی ندارد.

- تا حالا شده در جواب خواسته‌هایش "نه" بگویید؟ + اولش نه می‌گوییم اما آنقدر پافشاری می‌کند که جواب مثبت می‌دهیم.

- تا به حال شده ثبات داشته باشید و برای قانونی که مشخص کرده‌اید محکم بایستید؟ + نه.

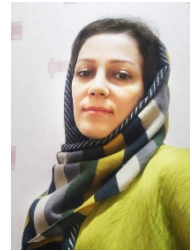
- چرا کوتاه می‌آیید؟ + چون داد می‌زند، گریه می‌کند، شام نمی‌خورد و خیلی جدی به مدرسه نرفتن فکر می‌کند. ما هم دلمان نمی‌آید... راستش کم می‌آوریم یا می‌ترسیم.

- پس می‌گویید جای شما و بچه‌تان عوض شده و او پدر و مادر شماست؟! + متأسفانه همین طور است.

و در آخر والدین با درماندگی و استیصال می‌خواهند بدانند چطور رفتار کنند که فرزندان‌شان اصلاح شود و قانون‌های خانه را رعایت کند؟

اگر از سنین پیش‌دبستان و دبستان با استفاده از تکنیک پاداش و جریمه و اقتدار به موقع، او را با برنامه‌ریزی آشنا کنید،

تربیت مقتدرانه، فرزندان با کفایت



لیورا سعید

کارشناس ارشد روانشناسی

ما در عصر «حق به جانبی» زندگی می‌کنیم، عصری که خواسته‌ها به سرعت به داشته‌ها تبدیل می‌شوند، به خصوص برای بچه‌های نسل امروز که برای خواسته‌هایشان "نه" نمی‌شنوند، اما در مقابل، برای انجام وظایف‌شان، بی‌تفاوت و بی‌انگیزه‌اند. بچه‌های امروز تقریباً در هیچ چیزی ناکامی را تجربه نمی‌کنند، باج‌گیر هستند و احساس خاص بودن دارند، نه به شکل مثبت و سازگارانه بلکه به طور منفی و ناسازگار، یعنی یا احساس بی‌ارزشی دارند یا ارزشمندی زیاد.

این نشانه‌ها در نوجوانی شدت می‌گیرد، پسران و دخترانی که خود را در اتاق‌شان حبس می‌کنند و دست به دلشان بزنی خون است و از والدین‌شان شاکی که "چرا مرا به دنیا آورده-اید؟... شما مرا درک نمی‌کنید... دلم نمی‌خواهد هیچ کاری بکنم... حسش نیست ... راحت‌تر بگذارید..." و به راحتی تشخیص افسردگی روی خود می‌گذارند.

خدا می‌داند این کودکان و نوجوانان همه چیزدان و همه چیزدار در بزرگسالی چه بشوند و چگونه زندگی کنند. شاید شما به عنوان پدر و مادر نظرتان این باشد که هر چه بچه‌ام بخواهد فراهم می‌کنم تا عقده‌ای نشود یا مثل افراد زمانه‌ی خودم نشود، آسان می‌گیرم چون نمی‌خواهم مثل پدر خودم دیکتاتور یا مانند مادرم کمال‌گرا باشم؛ اما در نظر داشته باشید اگر به شکل اصولی رفتار نکنید تاوان افتادن آن طرف بام را باید با خودمحوری، افسردگی، کمال‌گرایی، تک‌خوری و خودبزرگ-بینی فرزندان‌تان پس بدهید! چنین فرزندانی در آینده در مواجهه با تجارب تلخ زندگی، نامرادی‌ها و نه شنیدن‌های بزرگ‌تر، کم می‌آورد و احساس ناتوانی و شکست خواهد کرد.

بسیاری از بچه‌هایی که با وجود هوش خوب و امکانات سرشار، در انجام وظایف خود سهل‌انگار و بی‌مسئولیت هستند، در خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند که قانونی در آن خانه اعمال



فرزندى در مقایسه با خانواده‌های اکثریت، در این زمینه‌ها متعادل‌تر است. وقتی والدی در مسیر تربیت، افراط یا تفریط می‌کند، آشکار یا پنهان، عزت نفس کودک را دچار اختلال می‌کند و از او فردی ناامن و بی‌انگیزه می‌سازد. زمانی که والدین سهل‌گیرند و محدودیت و خط قرمز ندارند و فکر می‌کنند خودش بزرگ بشود یاد می‌گیرد که بالغ‌تر عمل کند، اشتباه فکر می‌کنند. کودکان بی حد و مرز به بزرگسالان بی حد و مرز تبدیل خواهند شد. زمانی که آن‌ها در سن پایین محدودیت را تمرین نکنند در بزرگسالی به مراتب این کار سخت‌تر خواهد بود. بزرگسالانی که محدودیت سالم دارند از کودکی احترام به دیگران و اطاعت از محدودیت‌های سالم را تمرین کرده‌اند.

می‌دانیم که اغلب والدین بیشترین تلاش خود را برای ابراز عشق به فرزندان‌شان به کار می‌گیرند و اشتباهات آنها غیر عمدی و نامحسوس است. اگرچه چیزی به عنوان پدر و مادر کامل وجود خارجی ندارد ولی والدین می‌توانند بیاموزند که "با کفایت" باشند. فرزند پروری با کفایت یک انتخاب است و نیاز به آموزش دارد. (همان کتاب)

۱- قانون تعیین کنید. (مثال: زمان استفاده از بازی رایانه‌ای یا گوشی موبایل)

۲- برای اجرای آن زمان مشخص کنید. (مثال: یک ساعت در روز با توجه به سن کودک یا نوجوان)

۳- برای اجرای آن توسط کودک، پاداش و برای عدم اجرای آن، جریمه در نظر بگیرید. (مثال: در صورت اجرا اجازه‌ی بازی بیشتر در آخر هفته و در صورت عدم اجرا به ازای هر روز، ۱۵ دقیقه از بازی روز بعد کم خواهد شد)

۴- در پیگیری قانونی که تعیین کرده‌اید ثابت قدم باشید.

۵- خودتان هم الگوی خوبی برای فرزندتان باشید.

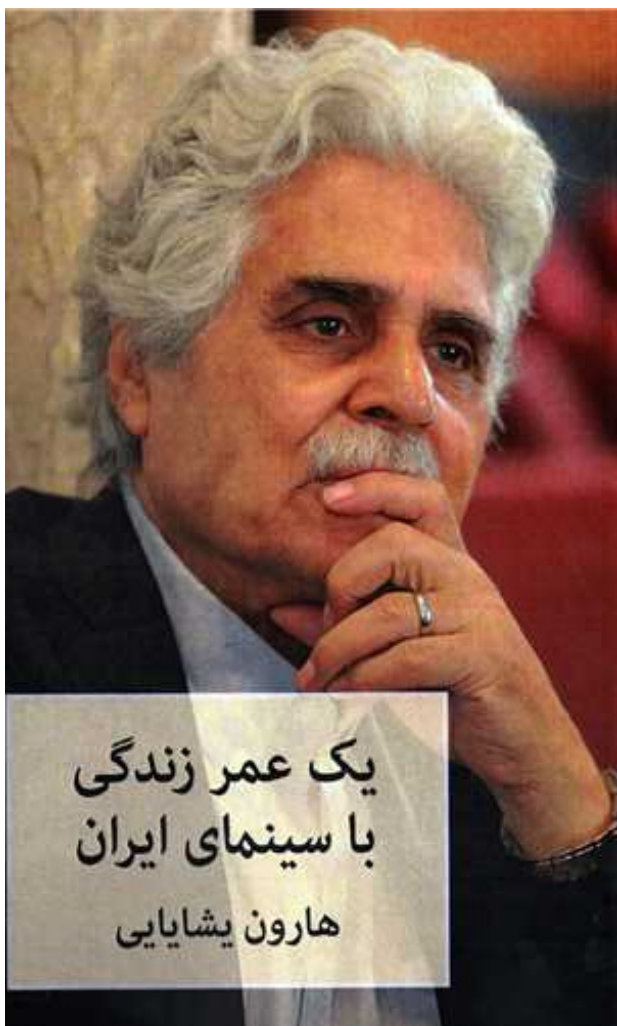
۶- شما و همسران در اجرای قوانین، برخورد یکسانی در برابر فرزندتان داشته باشید. ■

مسئولیت‌هایی برایش در نظر بگیرید، اجازه بدهید او "نه" را به موقع بشنود، برایش محدودیت‌هایی اعمال کنید یا اجازه بدهید گاهی خواسته‌هایش آرزو بشوند تا او برای رسیدن به آنها تلاش و صبر کند، در نوجوانی و سنین بالاتر احساس ارزشمندی متعادل - نه بی‌ارزشی و نه خودشیفتگی - خواهد کرد؛ قدر خودش، دیگران و دنیا را بهتر می‌فهمد، با دیگران همدلی می‌کند، نیازی به باج دادن یا حق به جانب بودن برای دستیابی به اهداف و آرزوهایش ندارد، روابط سالم‌تری برقرار خواهد کرد و اعتماد به نفس او باعث می‌شود خودش هم توانایی نه گفتن به دیگران را داشته باشد.

جمع‌بندی هزاران مطالعه در زمینه فرزند پروری نشان داده که: نوجوانانی که والدین حمایت‌گر دارند و در عین حال به طور ثابت قوانین خانواده را پیگیری و اجرا می‌کنند، انگیزه و موفقیت بیشتری در مدرسه دارند و از نظر جسمی و روانی سالم‌ترند. در مقابل، نوجوانانی که والدین بسیار سخت‌گیر دارند که به آنها استقلال کمی می‌دهند، همچنین والدینی که صمیمی هستند ولی سهل‌انگارند، احتمال بیشتری دارد که فرزند نوجوان‌شان تکانشی باشد و دست به رفتارهای پرخطر بزند (برگرفته از کتاب فرزند پروری با کفایت، جان فیلیپ لوییس، ترجمه دکتر سید مهدی موسوی موحد، ۱۳۹۶).

در خانواده‌هایی که دو یا چند فرزند دارند، هر کودک مجبور می‌شود به‌جز خودش، بچه‌ی دیگری را هم در خانواده بپذیرد. اتاقش را با او شریک شود، اسباب بازی‌های خود را به او بدهد، لباس‌های کوچک شده‌ی او را بپوشد یا مال خودش را به او بدهد، شاهد توجه و محبت پدر و مادرش به او هم باشد و سازگاری و تاب‌آوری بیشتری در برابر ناکام‌شدن‌هایش داشته باشد. چند فرزندى باعث می‌شود این بچه‌ها کمی از ذره‌بین پدر و مادرشان فاصله داشته باشند، احساس خاص بودن نکنند و بار آرزوهای والدین را کمتر به دوش بکشند. اما تک فرزندان، همیشه ذره‌بین تربیتی پر قدرتی را بالای سر خود دارند؛ از آنها انتظار می‌رود همواره بدرخشند، دست از پا خطا نکنند و به اندازه‌ی چند فرزند، خوب باشند. به دلیل این که همه چیز برای این بچه‌ها به سرعت مهیا می‌شود و ناکام شدن را تمرین نمی‌کنند، تاوان سنگینی برای تک بودن‌شان تا آخر عمر می‌پردازند. خوشبختانه جامعه‌ی کوچک ما (کلیمیان) با داشتن امتیاز چند

یشایایی و «یک عمر زندگی با سینمای ایران»



کتاب «یک عمر زندگی با سینمای ایران» اثر هارون یشایایی (نشر شهاب ثاقب، ۱۴۰۱) پنجشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۱ با حضور هنرمندان سینما، روزنامه‌نگاران و جمعی از تهیه‌کنندگان و سینماگران ایران و با حضور نویسنده در موسسه‌ی فرهنگی خانه‌ی اردیبهشت عودلاجان رونمایی شد.

یشایایی یکی از تهیه‌کنندگان برجسته ایران است که در محله عودلاجان تهران به دنیا آمده است. او از سن ۱۹ سالگی شروع به ساختن تبلیغات تجاری و سینمایی و در سال ۱۳۵۸ اولین فیلم خود را به نام جایزه تهیه کرد و از آن سال تهیه‌کننده‌ی بهترین آثار سینمای از مطرح‌ترین کارگردانان سینمای ایران بوده است. او تهیه‌کننده‌ی کارهایی همچون «ناخدا خورشید» (ناصر تقوایی، ۱۳۶۵)، «اجاره نشین‌ها» (داریوش مهرجویی، ۱۳۶۵)، «سلام سرزمین من» (اکبر خامین، ۱۳۶۷)، «در مسیر تندباد» (مسعود جعفری جوزانی، ۱۳۶۷)، «هامون» (داریوش مهرجویی، ۱۳۶۸)، «ای ایران» (ناصر تقوایی، ۱۳۶۸)، «کیمیا» (احمدرضا درویش، ۱۳۷۳)، «نون و گلدون» (محسن مخملباف، ۱۳۷۴)، «شهر زنان» (عطالله حیاتی، ۱۳۷۷) و «دیوار» (محمدعلی طالبی، ۱۳۸۶) بوده است. یشایایی در سال ۱۳۸۷ در بیست و هشتمین جشنواره‌ی فیلم فجر جایزه‌ی بهترین تهیه‌کننده در بعد از انقلاب را از آن خود کرد.

او در این کتاب، به مرور وقایع زندگی سینمایی و حرفه‌ای خود می‌پردازد و صحنه‌هایی از پشت صحنه‌ی فیلم‌های تهیه شده را نیز به مخاطب عرضه می‌کند.

کتاب «یک عمر زندگی با سینمای ایران» از مقدمه‌ی علی دهباشی و شش بخش تشکیل شده است. هارون یشایایی در بخش نخست کتاب خاطرات خود را از دورانی نقل می‌کند که در سال ۱۳۳۴، به‌همراه بیژن جزنی، مؤسسه‌ای به نام «پرسپولیس» را راه‌اندازی کرده‌اند که در ابتدا کارش چاپ و انتشار آگهی‌های تجاری در مطبوعات بوده و بعدها به ساخت و نمایش فیلم‌های تبلیغات تجاری در سینماهای تهران و

شهرستان‌ها پرداخته و نامش به «تبلی فیلم» و بعدها «پخشیران» تغییر کرده است.

یشایایی، پس از توضیحاتی مقدماتی، بخش نخست کتابش را با شرح آشنایی قدیمی‌اش با بیژن جزنی آغاز می‌کند؛ آشنایی‌ای که از دوران نوجوانی آن دو شروع شده و تا مرگ جزنی ادامه یافته است. بخش دوم کتاب با عنوان «زندگی در سینمای ایران»، به شرح چگونگی شروع کار یشایایی در سینمای داستانی ایران اختصاص دارد و بخش سوم کتاب، با عنوان «چگونه تهیه‌کننده‌ی سینما شدیم؟»، به دورانی می‌پردازد که او به‌عنوان تهیه‌کننده‌ی فیلم‌های داستانی در سینمای

سید علی میرفتاح هم در این جلسه گفت: فیلم‌های آقای یشایایی بسیار زیبا است و در آن شکی نیست و آثاری که تهیه کرده فوق‌العاده است، اما فضیلت او در این نیست، فضیلت آقای هارون یشایایی در انسان خوب و شریف بودن است، شما هر وقتی که با ایشان بگذرانید آن از اوقات خوش زندگی شما خواهد بود و این بزرگ‌ترین فضیلت یک انسان است.

بهبود مرباغی معمار که از دعوت‌کنندگان جلسه بود در شرح ماجرای رونمایی از کتاب گفت: ما در موسسه‌ی فرهنگی اردیبهشت اودلاجان قصد معرفی کتاب‌های هارون یشایایی را داشتیم اما مقدور نشد، تا امروز که مجال آن پیش آمد تا در خدمت شما و هارون یشایایی باشیم و از کتاب رونمایی کنیم. این کتاب و سه کتاب دیگر هارون یشایایی به همت علی دهباشی منتشر شده است ■ .

منابع:

۱. سایت بنوبوک
۲. <http://mozaic.ir>



ایران حضور داشته و نیز شرح ورود به عرصه‌ی مستندسازی را مرور می‌کند.

سید علی میرفتاح: فضیلت آقای هارون یشایایی در

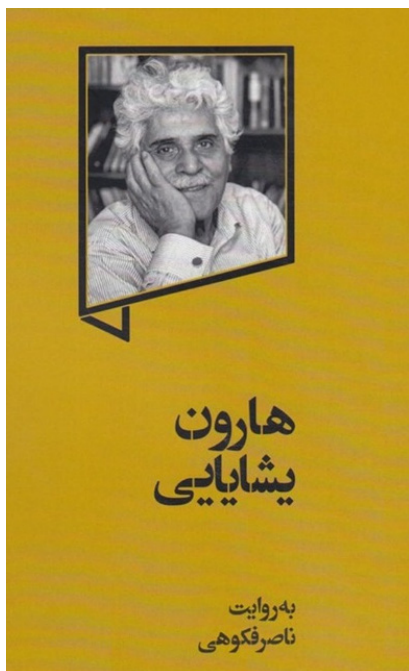
انسان خوب و شریف بودن است

«زندگی با دوستان سینمایی» عنوان بخش چهارم کتاب «یک عمر زندگی با سینمای ایران» است. یشایایی در این بخش از کتاب، از عباس کیارستمی، علی حاتمی، داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی و اصغر بیچاره سخن می‌گوید.

بخش پنجم کتاب، با عنوان «با سینمای ایران»، درباره‌ی سینمای ایران و موضوعات مربوط به سینما، نظیر تهیه‌کنندگی در سینمای ایران و اهمیت حضور مخاطب در سالن‌های سینما است؛ و در بخش ششم کتاب هم گفت‌وگویی با هارون یشایایی و میزگردی با حضور او، درباره‌ی مجموعه‌ی تلویزیونی «مدار صفردرجه» آمده است.

در مراسم رونمایی این کتاب، فرهاد توحیدی، فیلم‌نامه‌نویس، گفت: پرویز خان (هارون یشایایی) عیار تهیه‌کنندگی در سینمای ایران است، تهیه‌کنندگی در ایران یک امر تخصصی نیست. تهیه‌کننده باید زیبایی‌شناسی بداند و این که این سناریو را کدام کارگردان باید کار کند و... متأسفانه در سینمای ایران تهیه‌کنندگی جز حلقه‌های مفقوده است. ما به اندازه‌ی انگلستان یک دست تهیه‌کننده‌ی آگاه نداریم. این خلأ سینمای ایران است، ولی حقیقتاً پرونده و کارنامه‌ی سینمایی پرویز خان روشن است بدون آنکه کسی بخواهد تعریف کند، کارنامه با همه حرف می‌زند. فیلم‌هایی که ایشان تهیه کرده‌اند جزو قله‌های سینمای ایران هستند و اکثرشان جریان ساز شدند. او یک فعال صنفی و مدنی و اجتماعی است و همیشه منشأ اثر بوده و جایگاه ممتازی در سینما و جامعه دارد.

در بخشی دیگری از این مراسم رضا کیانیان بازیگر شناخته شده‌ی سینمای ایران روایتی درباره‌ی همکاری با دفتر تهیه‌کنندگی هارون یشایایی ذکر کرد و در پایان گفت که «من هم کارم را با شما شروع کردم آقای یشایایی، و با شما در این حرفه شناخته شدم».



«هارون یشایایی» به روایت ناصر فکوهی

المیرا سعید



«هارون یشایایی» نام کتابی است در چهارچوب پروژه‌های پیوسته با عنوان «تاریخ فرهنگی ایران مدرن» که به تازگی (۱۴۰۱) توسط نشر گهگاه به چاپ رسیده است. این پروژه به بررسی گسترده‌ی فرهنگ ایران در قرن بیستم اختصاص دارد. هدف در این بخش از پروژه، ارائه‌ی کتاب‌هایی است در توصیف یک کنش‌گر یا شخصیت فرهنگی به زبان، قلم و یا روایت او. روش پروژه، روشی تلفیقی و در ترکیبی از روش‌های میدانی و گفت‌وگوهای شفاهی و مطالعات تاریخی-اسنادی است و هدف اصلی آن، رسیدن به تألیف‌های توصیفی و تحلیلی و نه تاریخ-شناسانه با نگاه فرهنگی-اجتماعی برای درک مدرنیته‌ی همه-ی ابعاد در ایران کنونی و تلاش برای گره‌گشایی از مشکلات فرهنگی، بر اساس داده‌ها و تجربیات گذشته است.

این مجموعه بر آن است که روایتی از زندگی و آثار خود کنش‌گران به خواننده عرضه کند. «هارون یشایایی» بخشی از این مجموعه است. دکتر ناصر فکوهی در این مجال ترغیب یشایایی به نشان دادن شخصیت خود و رویکردش به فرهنگ، کار و مسائل مختلف زندگی را مد نظر قرار داده است. این مصاحبه در خرداد ۱۳۹۵ انجام شده است.

در بین اهالی فرهنگ و هنر دوستان، کمتر کسی است که نام یشایایی را جایی نشنیده یا نخوانده باشد. نامی، قرین حضوری پیوسته، از سنین پایین، در فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و هنری. خاطراتش بارها و بارها از زبان خودش شنیده شده. اما این بار، در این کتاب، حرف‌هایی روایت شده خواندنی و بی‌شک تازه و ماندنی.

هارون یشایایی در سال ۱۳۱۴ در محله‌ی سنتی کلیمیان تهران، عودلاجان، در خانواده‌ای پُر اولاد و متدین به دنیا آمده است. او فارغ‌التحصیل دانشکده‌ی ادبیات در رشته‌های فلسفه و جامعه‌شناسی است. مبارزات سیاسی، ساخت چندین فیلم ممتاز

و پُر بیننده و فعالیت‌های اجتماعی برجسته، در کارنامه‌ی کاری-اش، همواره خودنمایی می‌کند.

پای صحبت‌هایش که بنشینم، چه در جمعی دوستانه و خصوصی باشد چه در کتاب حاضر و نیز تمامی آثار به چاپ رسیده‌اش، سال‌های کودکی و نوجوانی‌اش را در کوچه‌های خاکی و تنگ محله‌ی عودلاجان، در کنار مردمانی نسبتاً فقیر، بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت خویش می‌داند. مردان و زنان محله را به گونه‌ای توصیف می‌کند که گویی سادگی و صفایشان در هیچ گوشه‌ای از دنیا یافت نمی‌شود. ریشه‌اش در گل و لای کوچه‌های محله، میان پستوی دکان‌های بازارچه و لای درز دیوار خانه‌های همان محله شکل گرفته. خانه‌هایی محقر که یکرنگی و همدلی ساکنین‌اش در عمق جان و دل او و هم‌سن و سالانش رسوب کرده است. چنان‌که می‌گوید: «زندگی با همه‌ی سختی‌ها در صمیمیت می‌گذشت».

در گفت‌وگوی انجام شده با یشایایی، فکوهی با دقت و وسواس و گاه به تکرار وارد جزئیات زندگی شخصی، تحصیلی، کار، معاش و سرگرمی‌های وی شده و تا حد امکان سعی شده موضوعی از قلم نیفتد. مصاحبه‌شونده نیز با پرداختن به رویدادهای مختلف در سال‌های عمر خود و ذکر علایق، اعتقادات، دوستان و خانواده، خواننده را تا آخرین سطر کتاب با خود همراه می‌کند.

عشق به وطن و میهن‌دوستی در تمامی عرصه‌ها، شعارها

شناسان یهودی نام می برد. وی اذعان می کند با وجود مهاجرت-ها، جمعیت یهودیان ایران در شمار ده دوازده کشور یهودی نشین جهان آورده می شود.

او هیچ گاه تماشاگر حوادث و اتفاقاتی که ایران با آن روبرو شده نبوده. گزافه نیست اگر بگوییم، چه با دست خالی چه با دست پر، او همواره از عناصر پررنگ روزهای ملتهد و پر آشوب کشورش شمرده می شود. هارون یشایایی نه تنها در سینما به عنوان تهیه کننده ای موفق و مطرح شناخته شده، بلکه به جرأت می توان گفت بازیگری اثرگذار و شاید کارگردانی کاردان در بزنگاه صحنه ها در راه سربلندی و خوشنامی وطن خوش درخشیده است.

این کتاب در ۱۳۰ صفحه شامل عکس ها و اسنادی ناب از دوران مختلف زندگی یشایایی است. در پایان کتاب، پرسشنامه-ی پروست (تست کوتاه شخصیت) و نیز کتاب شناسی و آثار وی پیوست شده است.



ناصر فکوهی (۱۳۳۵)
پس از اخذ مدرک
کارشناسی و کارشناسی
ارشد خود در
جامعه شناسی، مدرک
دکترای خود را در دانشگاه
پاریس در سال ۱۳۷۳ در
رشته ی جامعه شناسی و

انسان شناسی سیاسی به دست آورد. وی پس از چند سال تدریس در دانشگاه های تهران، در سال ۱۳۷۷ به استخدام دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران در گروه انسان شناسی در آمد و هم اکنون دارای رتبه ی استادی در این رشته در همین دانشگاه است. فکوهی متخصص مسائل و آسیب های فرهنگی، آسیب شناسی و مسائل شهرهای جهان مدرن و مسائل هویتی و هویت های جدید شهری است. فکوهی از ده سال پیش پروژه-ی بزرگ و پیوسته ی تاریخ فرهنگی ایران مدرن از مشروطه تا امروز را آغاز کرده است. او موسس و مدیر موسسه انسان شناسی و فرهنگ است. ■

و عباراتی نیستند که به قلم فکوهی بیان می شوند. بلکه یشایایی بر این ادعا در هر سطر از کتاب و تمامی نوشته های به چاپ رسیده اش پافشاری می کند. از «گزارش یک دوران» گرفته تا «کوچه مال کیست؟». همچنین علاقه اش به ایران در هر سکانس از فیلم هایش و نیز نمایش فرهنگ و اعتقادات مردم این مرز و بوم حکایت از این واقعیت دارد. از «ناخدا خورشید» و «هامون» تا «ای ایران» و «کیمیا» که بی تردید استقبال بی نظیر از این فیلم ها، دلیلی بر این ادعاست.

فکوهی: اگر به گذشته برمی گشتید، همین مسیر را انتخاب می کردید و همین جا می ماندید؟

یشایایی: «ببینید من از دوران دبیرستان مطلب نویس شدم، روزنامه می نوشتم و وارد فرهنگ شدم، دوستانم نیز همه این-کاره بودند. یعنی وارد فضایی شدم که به مهاجرت فکر نمی-کردم. برای هر چه هست، باید اینجا زندگی کنیم. حتی اگر سرمان را زیر آب کنند. در جواب جوانانی که نظرم را در مورد ماندن یا رفتن می خواهند، می گویم خودت باید تشخیص بدهی. اگر شرایط قابل تحمل نیست و دوست داری برو. پس چرا می-مانی؟ اگر می توانی شرایط را تحمل کنی، بمان. به هر حال آدم هر جا برود زندگی کند، مشکلاتی هست. مهاجرت معنی اش این نیست که الان شما رفتی آنجا، فرش قرمز انداخته و همه عاشقت می شوند... همیشه احساس اقلیت بودن داشته و دارم ولی اقلیت بودن برای من کمپلکس نیست، یک واقعیت است. غصه نمی خورم که اقلیت هستم. هر کس یک جوری است و هر کس فضایی برای زندگی کردن و اقبالی برای حیات دارد.» او خود را یک ایرانی یهودی می داند و هیچ گاه این دو را نه مقابل هم بلکه بر هر دو در کنار هم پایبند بوده و خود را همیشه مسئول می داند. او معتقد است نه در گذشته و نه اکنون حاکمیت موضع ضدیهودی نداشته است.

او در حالی که عنوان می کند فرهنگ مذهبی اصل اول رابطه در خانه بوده و فرهنگ یهود که به معنای دانستن فرایض دینی و خواندن نمازهای جاری بوده و آن را تکلیف می داند، یکی از بهترین فارسی زبانان و فارسی شناسان را یهودی می-خواند. او از سلیمان حییم، مهندس دانش راد، موسی معلم، گوئل کهن، آرش آبائی و ... به عنوان بهترین فارسی زبانان و فارسی-

خانواده، در سال ۱۹۲۱ وارد مدرسه الهیات یهود شد ولی دو سال بعد ترک تحصیل کرد و به عنوان ستون‌نویس یکی از مجلات ادبی ییدیش زبان ورشو مشغول به کار شد. تا سال ۱۹۳۵ به عنوان نویسنده، ویراستار و نمونه‌خوان به کار ادامه داد و اولین کتابش به نام «شیطان در گوری» در این سال چاپ شد. با به قدرت رسیدن حزب نازی و به دنبال آن تحولات ضد یهود در آلمان، ابتدا یوشع و سپس آیزاک راهی آمریکا شدند.

شهرت یوشع به عنوان داستان‌نویس ییدیش‌زبان پیش از خود او به آمریکا رسیده بود و کارهایش مورد توجه بودند. ولی برادر جوان‌تر، آیزاک، هنوز در آغاز راه بود. او در نیویورک در روزنامه‌ی فوروارد مشغول به کار شد. نشریه‌ای با تمرکز بر حفظ و گسترش ادبیات ییدیش. مخاطبین این روزنامه با سیل مهاجرت یهودیان از اروپای شرقی به آمریکا رو به افزایش بود. نشریه‌ی فوروارد تا به امروز به حیات خود ادامه داده و به صورت هفتگی چاپ می‌شود. سال ۱۹۴۰ سرآغاز شهرت یافتن آیزاک باشویس سینگر به حساب می‌آید. در این سال سینگر در میان مهاجرین ییدیش‌زبان به شهرت رسیده بود. با پایان جنگ جهانی دوم معلوم شد که عملاً جامعه‌ی یهودیان ییدیش‌زبان اروپا در جریان هولوکاست از بین رفته است، ولی سینگر باور داشت که هنوز علاقه به زبان و ادبیات ییدیش در میان بازماندگان زنده است و هنوز عده‌ی زیادی می‌خواهند که داستان زندگی خود را به زبان مادری بخوانند. به این ترتیب اولین اثر طولانی خود را به این زبان نوشت، «خانواده‌ی موسکات». داستانی که زندگی سه نسل متفاوت از یک خانواده-ی پرجمعیت یهودی ساکن ورشو را در فاصله‌ی زمانی بین دو جنگ جهانی روایت می‌کند. انتشار این کتاب از سوی جامعه‌ی ییدیش‌زبان و پس از ترجمه به زبان انگلیسی از سوی سایر جوامع مورد استقبال قرار گرفت، اگرچه جامعه‌ی یهودیان مذهبی خواندن این کتاب را برای پیروانشان ممنوع کردند. آثار سینگر بدون آن که رنگ و بوی نوستالژیک داشته باشد به گونه-ای به کشور زادگاهش مربوط می‌شود. وقایع داستان بلند «دشمنان»، داستان عاشقانه‌ای است که در آمریکا می‌گذرد ولی ریشه در لهستان دارد. گویی قهرمانان داستان، زادگاه خویش را

آن‌ها می‌دانند چگونه

قصه بگویند

شرحی کوتاه بر زندگی و آثار دو نویسنده‌ی یهودی برنده‌ی جوایز نوبل ادبی و پولیتزر



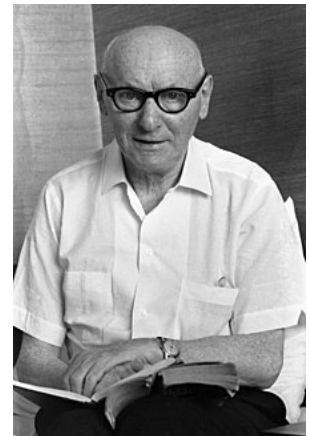
آتوسا آرمین

آیزاک باشویس سینگر (۱۹۰۲-۱۹۹۱)

«به خاطر هنر روایی پر

شور او که ریشه در سنت‌های فرهنگی یهودی-لهستانی دارد و به شرایط جهان‌شمول زندگی بشر می‌پردازد.»
(از متن آکادمی جایزه‌ی نوبل ۱۹۷۸)

این نویسنده‌ی لهستانی -آمریکایی به حق به عنوان



شاخص‌ترین و تاثیرگذارترین رمان و داستان‌نویس در زبان ییدیش شناخته می‌شود. او در نوشته‌هایش تاریخ، فانتزی، تمایلات نفسانی و عرفان را به‌مانند تار و پودی ظریف در هم می‌بافد و حاصل قصه‌ای می‌شود که خواننده را به دنبال خود می‌کشد. نوشته‌هایش آمیزه‌ای است از اخلاقیات مذهبی و خودآگاهی اجتماعی و تاثیر این دو در اهداف فردی و تمایلات نفسانی.

آیزاک در سال ۱۹۰۳ در دهکده‌ای نزدیک شهر ورشو در لهستان و در خانواده‌ای مذهبی و پیرو اصول سختگیرانه‌ی حسیدیسیم (یهودیت سنتی و عارف مسلک) متولد شد. پدرش حاخام بود و مادرش نیز از خانواده‌ی رهبران مذهبی حسیدی بود. خواهر و برادر بزرگتر او، استر و یوشع (یهوشوع) هر دو ذوق ادبی داشتند و پیش از او به عنوان نویسنده شناخته شدند. با توجه به علایق مذهبی والدین و سنت اشتغال به امور دینی در

آسمان خیال

▪ اسپینوزای بازار (مجموعه داستان)، آرمین سخاوت‌پور،

نشر تندیس

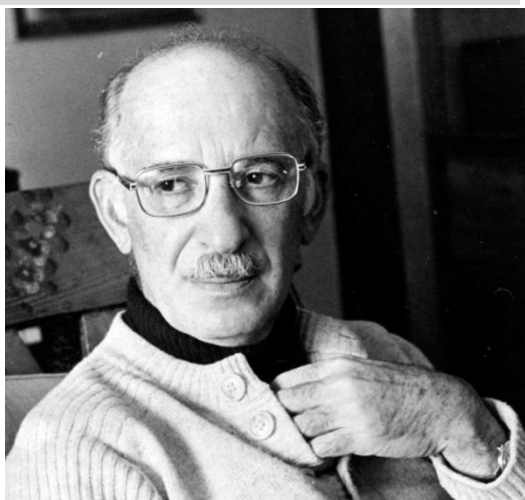
علاوه بر آثار فوق، برخی داستان‌های سینگر در میان

مجموعه داستان‌های دیگر و نیز در برخی نشریات منتشر شده

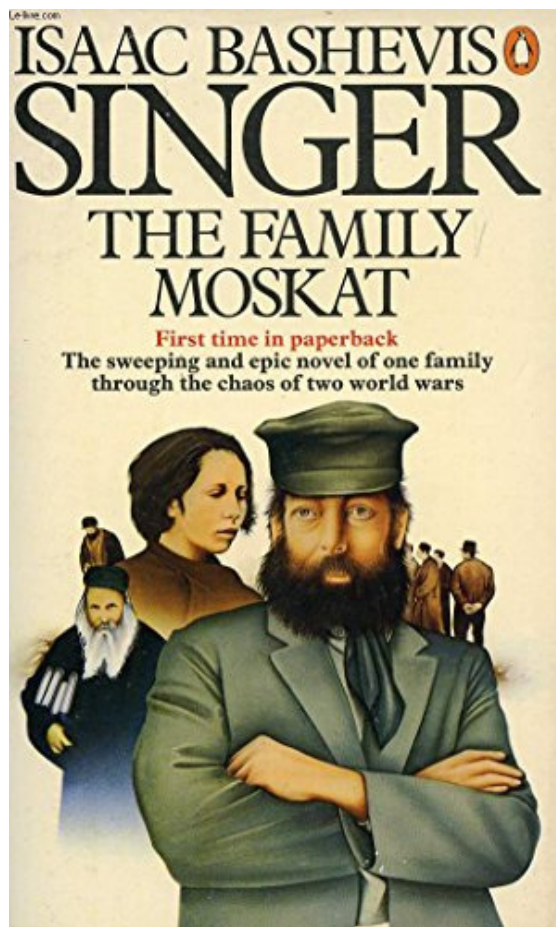
است.

برنارد مالامود،

داستان‌نویسی که دیر شکوفا شد



برای کسی که در ۳۴ سالگی نسخه‌ی دست‌نویس اولین داستان خود، «خواب سبک» را با نومییدی و فقدان اعتماد به- نفس آتش زد، می‌توان مالامود را نویسنده‌ای دانست که گرچه خیلی دیر پا به عرصه‌ی داستان‌نویسی گذاشت ولی آثارش اگر نه به لحاظ کمیت بلکه از نظر کیفی بسیار برجسته است. متولد بروکلین ایالت نیویورک در سال ۱۹۱۴ از والدین مهاجر روسی. دوره نوجوانی او مصادف بود با دوران رکود بزرگ اقتصادی، به‌ناچار در کنار تحصیل در دبیرستان، کارگری می‌کرد. با این‌که کار و تحصیل وقت آزاد زیادی برایش نمی‌گذاشت، زیاد کتاب می‌خواند و تنگدستی مانع آن نبود که تمامی فیلم‌های مطرح زمان خودش را ببیند. توان روایت‌گری او در همان زمان شکل گرفت که داستان فیلم‌هایی را که دیده بود و کتاب‌هایی را که خوانده بود در مدرسه برای دوستان مشتاقش بازگو می‌کرد. او در سال ۱۹۳۶ مدرک لیسانس خود را از کالج شهر نیویورک



با خود به سرزمین تازه آورده‌اند، نه فقط گویش‌ها که حتی عطر غذاهایی که در آشپزخانه‌ی مدرن نیویورکی پخته می‌شود نیز کاملاً لهستانی است. کتاب‌های سینگر به بسیاری از زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه شده است. اهدای جایزه‌ی نوبل ادبی در سال ۱۹۷۸ به سینگر برای جامعه‌ی ادبی جهان غیره منتظره نبود. او توانسته بود که آداب و رسوم و فرهنگ عامه‌ی یهودیان شرق اروپا را به گیرایی بازگو کند. او تا واپسین سال عمر به سال ۱۹۹۱ به نوشتن ادامه داد.

فهرست آثار ترجمه شده‌ی سینگر به فارسی:

- خانواده‌ی موسکات، فریبا ارجمند، نشر روزنه
- آخرین شیطان، سپاس ریوندی، نشر ماهی
- یک مهمانی، یک رقص (مجموعه داستان)، مژده دقیقی، نشر نیلوفر
- دشمنان، احمد پوری، نشر نیماژ
- احمق‌های چلم و تاریخشان، پروانه عروج‌نیا، نشر

منتشر شد. این داستان روایتگر چالش روزمره‌ی نسل اول مهاجرین اروپایی به آمریکاست. دو شخصیت اصلی این داستان هر دو مهاجرند. یکی از روسیه و دیگری از ایتالیا. اولی کارفرمای یهودی سالخورده و دومی پادوی کاتولیک و جوان. هر دو درگیر رویارویی با جهان نوین و ناشناختگی سرزمین جدید. این رمان انعکاس زندگی والدین مالمود و داستان کودکی و نوجوانی خود اوست. در پی انتشار این کتاب، یک مجموعه داستان کوتاه با عنوان «بشکه‌ی جادو» منتشر شد. کتابی که جایزه‌ی ملی کتاب آمریکا را برای نویسنده‌اش به ارمغان آورد.

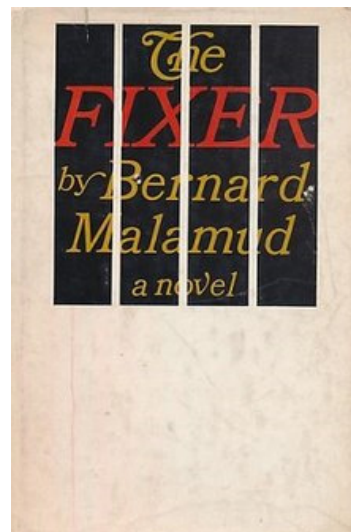
سال ۱۹۶۷ رمان «تعمیرکار» منتشر شد. روایت‌گر یهودی-ستیزی و مصایبی که یهودیان روسیه‌ی تزاری با آن دست به-گریبان بودند. این کتاب برای بار دوم جایزه‌ی ملی کتاب آمریکا و جایزه‌ی معتبر پولیتزر را نصیب مالمود ساخت. از این کتاب هم فیلمی ساخته شده است. یکی دیگر از رمان‌های مطرح نویسنده «اجاره نشین‌ها» است. در این داستان هر دو شخصیت اصلی نویسندگانی گمنام هستند. یکی یهودی مهاجر و دیگری سیاه آمریکایی. هر دو آس و پاس. دو همخانه در مخروبه‌ای در حال فروریختن از روی درماندگی. اینجا مالمود تصویرگر گرفتاری‌های سیاه‌پوست آمریکایی شده است. موضوعی که اگرچه در داستان نویسی معاصر آمریکایی تازگی ندارد ولی در کنار شخصیت یهودی مهاجر رنگی تازه به‌خود گرفته است.

مالمود نویسنده‌ای انسان‌گراست. او در سال ۱۹۸۶ درگذشت و در ماساچوست به خاک سپرده شد. فهرست آثار ترجمه شده‌ی مالمود به فارسی:

- تعمیرکار، شیما الهی، نشر چشمه
- کفش‌های خدمتکار، امیر مهدی حقیقت، نشر افق
- وردست، مجتبی ویسی، نشر مانیا هنر
- فروشنده، محمد کریمی، نشر شب‌خیز
- اجاره نشین‌ها، میلاد شالیکاریان، نشر چترنگ

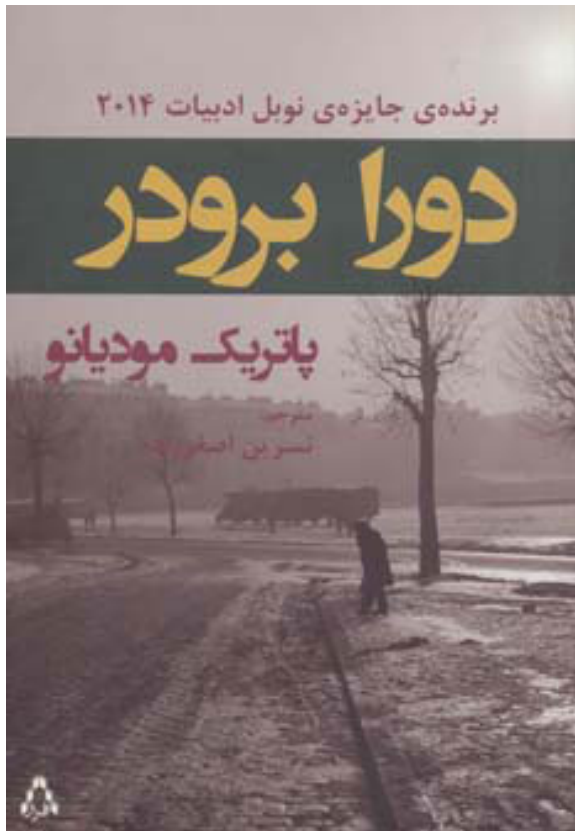
* طرح اصلی این نوشتار از مقاله‌ای در *JEWISH JOURNAL* با عنوان *Two Jews who knew how to tell stories* گرفته شده است. ■

گرفت و در ۱۹۴۲ با ارائه‌ی پایان نامه‌ای با محوریت آثار توماس هاردی از دانشگاه کلمبیا با مدرک فوق لیسانس فارغ‌التحصیل شد. او در همان سال به‌علت نگهداری از پدر سالخورده و بیوه‌اش، از خدمت در ارتش معاف شد.



مالمود ابتدا در اداره‌ی آمار ایالت نیویورک استخدام و پس از آن به‌عنوان معلم ادبیات انگلیسی در دبیرستان‌های مخصوص به بزرگسالان مشغول به تدریس شد. از سال ۱۹۴۹ او به تدریس نگارش ادبی در دانشگاه ایالتی اورگون در غرب آمریکا شروع به کار کرد. او وقایع این دوره از زندگی‌اش را در رمان زندگی نوین بازگو کرده است. از آنجا که او مدرک دکتری در ادبیات نداشت هیچ‌گاه رسماً وارد حلقه‌ی آکادمیک دانشگاهی نشد و همیشه به‌عنوان مدرس در دانشگاه اشتغال داشت. در کنار کار تدریس، او بیشتر وقتش را صرف نوشتن می‌کرد و کم‌کم به‌عنوان نویسنده‌ای مطرح شناخته شد. او از تدریس در دانشگاه اورگون در ۱۹۶۱ کناره گرفت تا به آموزش نویسندگی خلاق در کالج بنینگتون بپردازد. شغلی که تا هنگام بازنشستگی در ۱۹۶۷ با علاقه به آن ادامه داد و در آن سال به عضویت آکادمی آمریکایی علم و هنر انتخاب شد.

مالمود با آهستگی، پیوستگی و وسواس می‌نوشت. حاصل سال‌ها کار او ۸ رمان و ۵۵ داستان کوتاه است. چنانچه گفته شد او دست‌نویس اولین رمانش را آتش زد چون در نظرش به اندازه کافی خوب نبود. انتشار اولین رمان او، «استعداد طبیعی»، در سال ۱۹۵۲ بلافاصله با استقبال زیادی روبرو شد. این رمان داستان یک بازیکن گمنام بیسبال است که ناگهان به موقعیت اسطوره‌ای می‌رسد. از روی این داستان در ۱۹۸۴ فیلمی با بازی رابرت ردفورد ساخته شد. دومین رمان او «وردست» در ۱۹۵۷



رمان «دورا برودر»

برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۴

نسترن جاذب

کتاب دورا برودر، اثر پاتریک مودیانو، نویسنده‌ی فرانسوی، ترجمه نسرين اصغرزاده (انتشارات: افراز، ۱۳۹۳) اثری است جذاب که در آن سرگذشت گروهی از یهودیان فرانسه را به تصویر می‌کشد که به دلیل جنگ و اشغال سرزمینشان دچار مشکلات و مصائب بزرگی شده‌اند. دوره‌ی اشغال و وضعیت یهودی‌ها در پاریس از زمان نخستین رمان پاتریک مودیانو یکی از درون‌مایه‌های اصلی آثار او بوده‌است. این کتاب فقط یک رمان نیست، بلکه نوعی داستان‌سرایی است که با زندگی‌نامه‌ی خود او پیوند خورده‌است. در این اثر مودیانو تلاش کرده تا زندگی قربانیان جنگ را که در زندگی مدرن کنونی به فراموشی سپرده می‌شود به تصویر بکشد و طعم تلخ جنگ و آثار و پیامدهای آن را یادآوری کند.

مودیانو در سال ۱۹۸۹ با دیدن آگهی گم شدن دختری یهودی به نام دورا برودر در روزنامه‌ای قدیمی مربوط به جنگ جهانی دوم که در سال ۱۹۴۱ به چاپ رسیده بود، تصمیم می‌گیرد درباره‌ی این دختر و سرنوشت وی تحقیقاتی را انجام بدهد. این تحقیقات واقعی هشت سال به طول می‌انجامد و ماحصل آن کتاب «دورا برودر» است که در سال ۱۹۹۷ به چاپ رسید.

راوی در آغاز داستان می‌گوید:

هشت سال پیش در یک روزنامه‌ی قدیمی به نام شب پاریس^۱ که تاریخ آن ۳۱ دسامبر ۱۹۴۱ بود، خواندم:

پاریس

گم‌شده دختر جوانی به نام دورا برودر^۲ پانزده ساله، قد یک متر و پنجاه و پنج سانتی‌متر، با صورت بیضی، چشم‌های طوسی متمایل به قهوه‌ای ... هر گونه اطلاعات را به نشانی پاریس، بلوار ارنانو، پلاک ۲۱، آقا و خانم برودر ارسال نمایید.

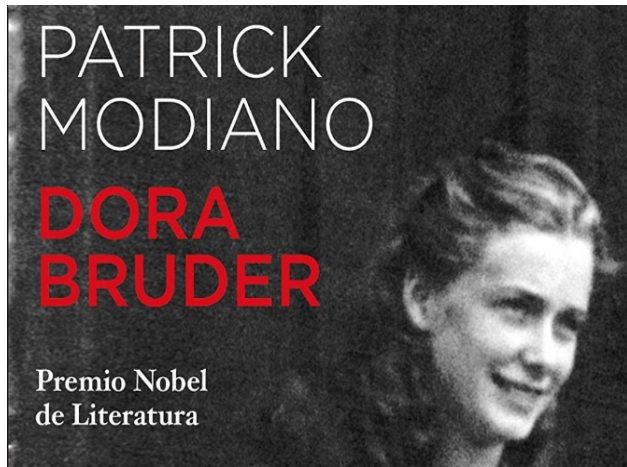
راوی ناخودآگاه توجه‌اش به این آگهی جلب می‌شود و خود را در آدرس‌ها و خیابان‌های منتهی به این آدرس می‌یابد و محل سکونت خانواده برودر را پس از چند سال می‌یابد و خاطرات پیش از جنگ برایش زنده می‌شود.

او به دنبال پیدا کردن نشانی از دورا برودر و والدینش به دفاتر ثبت مراجعه می‌کند و پس از مشکلات فراوان می‌فهمد که دورا برودر و والدینش قبلاً در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ در هتل بلوار ارنانو زندگی می‌کردند. او گواهی مبنی بر ولادت دورا یافت: دورا، جنسیت مونث، تاریخ تولد ۱۷ آوریل ۱۹۰۷، نام پدر: ارنست برودر متولد وین (اتریش)، مادر: سسیل بوردر.

دورا برودر در چهارده سالگی در یک مدرسه‌ی مذهبی شبانه‌روزی ثبت نام کرد که راهبه‌های مدارس مسیحی آن را اداره می‌کردند. راوی اشاره می‌کند که دلیل این که والدین دورا او را در مدرسه‌ی شبانه‌روزی مسیحی ثبت‌نام کردند مشخص نیست. آیا برای کوچکی محل سکونتشان بوده یا برای پنهان ماندن یهودی بودن دورا؟

^۲ - Dora Bruder

^۱ - Paris -soir



رد فرزندشان را گم می‌کنند و یکی از این والدین هم در ۱۹ مارس ناپدید می‌شود، گویی زمستان آن سال، مردم را از هم جدا می‌کند، رد پای آن‌ها را به هم می‌زند و پاک می‌کند تا جایی که حتی به وجودشان شک کنید، و هیچ چاره‌ای نیست. همان کسانی که مسئول جستجو و پیدا کردن شما هستند، فرم‌هایی را تهیه می‌کنند تا پس از آن به طور مشخص شما را ناپدید کنند.

نویسنده همچنان پیگیری‌ها و یافته‌های خود از دورا را شرح می‌دهد تا نهایتاً:

شب ۱۲ اوت شایعه‌ای در تورل پخش شد که طبق آن تمام زنان یهودی و کسانی که به «دوستان یهودیان» شهرت داشتند، باید روز بعد به کمپ درانسی می‌رفتند. صبح روز بعد در حیاط پادگان اتوبوس‌ها رسیدند و دورا هم مثل بقیه جایی برای نشستن پیدا کرد.

در درانسی، بین جمعیت، دورا پدرش را پیدا کرد که از ماه مارس در آن‌جا زندانی شده بود. مانند تورل و بازداشتگاه استانداری پلیس، این کمپ از آن ماه اوت هر روز با سیل جمعیت بیشتری از زنان و مردان پُر می‌شد. اولین گروه‌ها در دسته‌های هزارتایی با قطار باری به منطقه‌ای آزاد رسیدند. صدها زن که از کودکانشان جدا شده بودند، به کمپ‌های پیتویر و بون لارولاند می‌آمدند. در ۱۵ اوت و روزهای بعد از آن چهار هزار کودک، وارد شدند، که با عجله روی لباسشان نوشته شده بود: «کودک بی‌هویت».

و چندی بعد همه عازم آشویتس شدند. ■

در پاییز همان سال، روزنامه‌های دوم اکتبر فرمانی را چاپ کردند که بر اساس آن یهودیان باید در پاسگاه‌های پلیس سرشماری می‌شدند. ارنست برودر برای پرکردن فرم به پاسگاه پلیس در منطقه‌ی کلینیانکور رفته بود، اما نام دخترش را گزارش نداده بود. به هر کسی که سرشماری می‌شد، شماره‌ی ثبتی می‌دادند که بعدها روی «فایل خانوادگی» آن‌ها وجود داشت و آن را شماره‌ی «پرونده یهودی» می‌نامیدند. شماره پرونده یهودی ارنست و سیسل برودر ۴۹۰۹۱ بود، اما دورا هیچ شماره‌ای نداشت. شاید ارنست برودر به این ترتیب صلاح دانسته بود که او خارج از دسترس باشد.

در پیگیری و خبر گرفتن از دورا در دفتر بایگانی دانش-آموزان مدرسه‌ی شبانه‌روزی، زیر نام دورا برودر و در ستون «تاریخ و علت خروج» نوشته شده بود: «۱۴ دسامبر ۱۹۴۱، به علت فرار از مدرسه.»

مدت مدیدی از دورا برودر هیچ نمی‌دانستیم، از فرار ۱۴ دسامبر به بعد و آگهی گم‌شدنش که در روزنامه‌ی شب پاریس به چاپ رسیده بود. سپس متوجه شدم که در ۱۳ اوت ۱۹۴۲ یعنی هشت ماه بعد، در کمپ درانسی بازداشت شده بود. فرم نشان می‌داد که از کمپ تورل آمده بود. در حقیقت ۱۳ اوت ۱۹۴۲ سیصد یهودی از کمپ تورل به درانسی منتقل شدند.

از خودم می‌پرسم ۱۴ دسامبر ۱۹۴۱ دورا برودر در اولین لحظات فرارش چه کار می‌توانسته انجام دهد. شاید درست لحظه‌ای که جلوی در ورودی مدرسه‌ی شبانه‌روزی رسیده، تصمیم گرفته داخل نشود و تمام شب را در گذر از این منطقه تا زمان حکومت نظامی سرگردان بوده است.

آیا دورا برودر مقدمات فرارش را از قبل با همدستی یک دوست فراهم کرده بود؟ آیا او در پاریس مانده بود یا هنگام تلاش برای ورود به منطقه‌ی آزاد بازداشت شده بود؟

ارنست برودر پدر دورا در ماه مارس ۱۹۴۲ دستگیر شد، یا دقیق‌تر این که در چنین روزی در کمپ درانسی زندانی شد. از انگیزه‌ها و علل این دستگیری هیچ ردی نیافتیم.

پدری که سعی دارد دخترش را پیدا کند، گم شدن او را به پاسگاه گزارش می‌کند و در روزنامه‌ی عصر آگهی گم شدن او را چاپ می‌کند، اما این پدر خودش تحت پیگرد است. والدینی

کتاب «شهیدان ایرانی پیرو ادیان توحیدی»



۴- حبیب الله تکلیفی ۵- اسحاق تیزابی ۶- سیروس حکیمیان ۷- سالار روشنی ۸- شهرام زرینی ۹- داوود شریفی ۱۰- غنچه معلمی ۱۱- فریبرز موریم ۱۲- حمید نهاوندی ۱۳- یعقوب دیدید صیون.

پیش از این نیز مراسم رونمایی از این کتاب در بهمن ۱۳۹۹ با حضور نمایندگان دینی و فرهنگی ادیان توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. ■

کتاب «شهیدان ایرانی پیرو ادیان توحیدی» اثری از دکتر سعید زارع (دستیار مشاور سابق رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی) است که سال ۱۳۹۹ توسط بنیاد بین‌المللی ادیان توحیدی در انتشارات ستاد هماهنگی کانون‌ها فرهنگی مساجد کشور به چاپ رسیده است. این کتاب، که درباره‌ی تمام شهدای اقلیت‌های دینی است که در ایران از وطنشان در برابر متجاوزان و بیگانگان دفاع کردند، جزو کتب برگزیده‌ی بیستمین جایزه ملی انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس است که مراسم آن در ۲۲ اسفند ۱۴۰۱ در باغ موزه‌ی دفاع مقدس برگزار شد.

سعید زارع در این کتاب نگاهی به زندگی شهیدان ایرانی پیرو ادیان توحیدی (ارمنه، آشوریان، کلدانیان، کلیمیان، زرتشتیان و صابئین مندایی) داشته و نامشان را ثبت کرده است تا تاریخ هرگز فداکاری آنان را از یاد نبرد. چرا که آن‌ها هم ایرانیانی بودند که در میان حافظان میراث فرهنگی و حامیان فرهنگ و تمدن این سرزمین نقش فعالی داشتند و برای آن که ایران، خانه‌ی خوبان شود، رنج دوران برده‌اند؛ مردمی که با شجاعت، شهادت را به جان خریدند، اما اجازه‌ی دست درازی دشمنان به این خاک را ندادند.

فصل اول کتاب به شرح تاریخچه‌ی حضور ادیان توحیدی در ایران و وضعیت کنونی آنها پرداخته و اسامی شخصیت‌های برجسته‌ی دینی، علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی هر یک را در ایران ذکر کرده است. فصل چهارم این کتاب به شرح زندگی شهیدان کلیمی اختصاص دارد که فهرست اسامی آنان چنین است:

۱- سونیا اخوان راد ۲- عزیزه ایلپادی ۳- اسحاق باخاج





وقتی عسارا شالم شد



لنا دانیالی

عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان اصفهان

کنیسیای موشه حیا به کنیسیای سعديا هم معروف است چون اهالی اصلی و کلیددار آن خانواده سعديا هستند؛ یا کنیسیای پله (بزرگ) که به کنیسیای میرآخور هم معروف شده چون کلیدداری و حزانت^۳ آن را آقا الیاس میرآخور برعهده گرفته است. در دوره-ی پهلوی اول با شروع مهاجرت کلیمیان از محله به خیابان، کنیسیای «کتیر داوید» هم احداث شد اما حب خانوادگی و صمیمیت کنیسه‌های محله چنان قوی بود که این کنیسه‌ها هیچ‌گاه از رونق نیفتادند. پس از سال ۵۷ در اثر مهاجرت، تعداد کلیمیان اصفهان رو به کاهش گذاشت و از طرف دیگر مذاقه در هلاخا^۴ بالا گرفت و با کم‌تر شدن رفت‌وآمد به کنیسه‌های محله و استهلاک بنای برخی از کنیسه‌ها و دلایل دیگر، برخی از کنیسه‌ها از رونق افتادند و شالم شدن عسارا^۵ تقریباً در همه‌ی کنیسه‌های محله به مشکلی عمومی تبدیل شد که ماجراهای خودش را داشت.

ساقی^۶ اهل دردشت بود، قد بلند و کشیده، سری که کمی خلوت بود و چهره‌ای آفتاب‌سوخته با کت و شلوار اتو کشیده و کلاه شاپو از او کارمند بانک شاهی ساخته بود که نام هر دختری را که می‌برد دست رد به سینه‌اش نمی‌خورد. با اینکه باقی جیدا^۷ می‌گفتند دردشتی از کافر بدتر است، شعر معروف «زمانی خر شدم رفتم به گلبار» را خوانده بود و از محله‌ی

محله‌ی جوباره‌ی اصفهان که تا همین اواخر کلیمی‌نشین بود، بی‌اغراق از کهن‌ترین محله‌های یهودیان دنیاست. یهودیان از دوره‌ی ساسانی و قبل‌تر در آن ساکن بوده‌اند و گستره‌ی سکونتشان به دو محله‌ی همسایه‌ی گلبار (گلپهار) و دردشت (باب‌الدشت) هم می‌رسیده. تاریخ کتیبه‌ی نصب شده در کنیسیای گلبار به سال ۵۵۲۸ عبری (حدود ۲۵۰ سال پیش)^۱ ثبت شده و می‌توان آن را از قدیمی‌ترین کنیسه‌های ایران به شمار آورد که هنوز هم دایر است. دردشت دو کنیسه داشته که همین اواخر آخرین کنیسه هم براخا شد^۲. جوباره گرانی‌گاه حضور یهودیان بوده و حداقل ۱۳ کنیسه داشته که امروزه به زور هفت هشت‌تای آن شب شب‌ها یا صبح شب‌ها دایر باشد. قدمت بنای بسیاری از کنیسه‌های جوباره به دوره‌ی قاجار یا کمی پیش از آن می‌رسد اما گمان می‌رود محل احداث بنا بر روی کنیسیای کهن‌تری بوده باشد.

کلیمیان که در دوره‌ی قاجار اقتصاد پررونقی نداشته‌اند با خشت جان خود در بنای هر کنیسه کوشیده بودند و هر کنیسه معمولاً عبادتگاه یک یا دو طایفه‌ی کلیمی بوده که کنیسه به نام بانی اصلی، ملای دایر کننده یا طایفه‌ی سازنده معروف می‌شده. مثلاً کنیسیای آقا حزقیای یا کنیسیای موشه حیا یا ملا نیسان. نام این کنیسه‌ها طی زمان هم تغییر می‌کرد، مثلاً

^۳ پیشنمازی (برگرفته از کلمه حزان به معنای پیشنماز)

^۴ شرعیات

^۵ عسارا: حد نصاب ده نفر مرد مکلف جهت نماز جماعت. شالم شدن: تکمیل

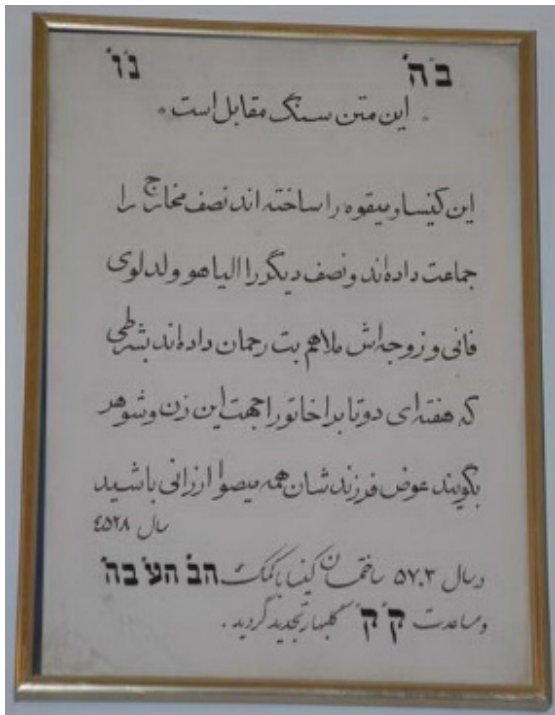
این حد نصاب

^۶ - مخفف و مصطلح اسحاق

^۷ یهودیان

^۱ رقم تاریخ خوانده شده از لوح اصلی برابر ۴۵۲۸ عبری معادل ۱۲۵۰ سال پیش اعلام شده که به نظر نمی‌رسد صحیح باشد و رقم ۵۵۲۸ به صحت نزدیکتر است، از آنجا که این بنا چنین قدمتی ندارد، به نظر می‌رسد که کتیبه‌ی مذکور متعلق به کنیسه‌ای باستانی در همین محل بوده باشد و پس از احداث کنیسه‌ی جدید در همان محل، کتیبه در آن نصب شده باشد. (سردبیر)

^۲ تخریب یا متروک شد



یا «وجه‌ها را گوش دارید»^{۱۱}.

اما داستان زندگی اسرائیل‌ها^{۱۲} سرنوشت دیگری برای کنیسا رقم زده بود، یکی از پسران آقا اورهام و دوتا از پسران آقا الياهو زن تهرانی گرفتند و ولایتشان عوض شد. آقا اورهام و آقا الياهو هم پیر و بیمار شدند و جز روزهای کپیور و موعیدیم یارای کنیسا آمدن نداشتند. پسران آقا موسی هم در پی اختلاف در شراکت مالی روی دیدن هم را نداشتند و هر یک کنیسایی دیگر را برای خود برگزیده بودند، چند تن دیگر از طایفه‌ی خاکشور هم سر تعیین ساعات شحریت و عربیت و اینکه کی شروع به خواندن تفیلا کنند یا این بار براخای «توخه‌حا» یا «آز یاشیر»^{۱۳} را کی بخواند و ... دعوایشان شده بود و دیگر به کنیسا نمی‌آمدند. با این که خود ساقی هم سالخورده شده بود همچنان کنیسا آمدن برایش مهم‌ترین بخش هفته بود. کل هفته را طی می‌کرد تا شب شبات شود و به کنیسا بیاید. برای همین بود که حالا که از اعضای کنیسا فقط یک عسارا باقی مانده بود، نقش مامور حافظ صلح را بازی می‌کرد. ساقی که اگر زمین به آسمان می‌رسید قبالت شبات را نباید کسی جز خودش می‌خواند، حالا

گلبار صاحب عیال شده بود. تا وقتی آخرین کنیسای دردشت دایر بود به کنیسای دردشت می‌رفت اما از آنجا که زنش هم گلباری بود بعد از این که بی‌کنیسا شده بود به کنیسای گلبار رفت؛ تا این که با پدر زنش به مشکلات عدیده خورد و دیگر پایش را در کنیسای گلبار نگذاشت. چندباری به کنیسای خیابان رفت اما این‌طور کنیسا رفتن به دلش نمی‌نشست و آداب و حال و هوای کنیساهای محله را بیشتر می‌پسندید. اول‌ها به کنیسای پله می‌رفت اما اهالی این کنیسا از همه سحرخیزتر بودند و ساعت شروع شحریت^{۱۴} شبات با ساعت بیداری ساقی جور در نمی‌آمد و بعد از چند بار که دیر به شحریت رسید باز هم کنیسایش را عوض کرد. سال‌ها گذشت، ساقی چندین کنیسا عوض کرد تا آخر و عاقبت در کنیسای یعقوب مسجدی جاگیر شد و چنان با این کنیسا و اهالی‌اش اخت شد که کنیسا برایش مثل خانه و اهالی‌اش مثل خانواده بودند.

اهالی کنیسای یعقوب مسجدی عبارت بودند از آقا اوراهام که خانه‌اش یک کوچه از کنیسا دورتر بود. همیشه ثانیه شماری می‌کرد که شب شبات از راه برسد و همراه پسرانش با گام‌های تند و بلند راهی کنیسا شود و با صدای رسا و آهنگ مخصوص به خودش قبالت^{۱۵} شبات را بخواند؛ آقا الياهو و پسرانش که دیوار به دیوار آقا اوراهام بودند؛ طایفه‌ی خاکشور از جمله آقا موسی که در خانه‌اش با در کنیسا در یک دالان قرار داشت و کافی بود آقا موسی فقط از در خانه با آن طمانینه و بی‌خیالی همیشگی قدم در درگاه کنیسا بگذارد و هیچ عجله‌ای هم به خرج ندهد. به غیر از این‌ها تک و توک خانواده‌های دیگری هم تقریباً به‌طور ثابت به کنیسا می‌آمدند. در این بین، اگر زن‌ها هم دست‌شان زودتر از کار شبات خلاص می‌شد تا قبل از «لیخا دودی» به کنیسا آمده بودند و مشغول صحبت می‌شدند و دیگر جا برای نشستن پیدا نمی‌شد، بچه‌ها مثل فرفره‌های رنگی دور میشکان می‌دویدند، هر از گاهی غریبوی مانند «آدونای هوها اُلوهیم»^{۱۶} از یکی مردان بلند می‌شد که «چنا این قد منگارید»

^{۱۱} «زن‌ها این قدر حرف نزنید»، یا «بچه‌ها را نگه دارید».

^{۱۲} بنی اسرائیل (کلیمیان)

^{۱۳} بخش‌های خاص تورات، اولی حاوی نفرین‌ها و دومی حاوی سرود شادمانی

^{۱۴} نماز صبح

^{۱۵} مقدمات نماز شب شنبه

^{۱۶} خداوند، خالق است.

یکی از تلامید^{۱۸} حاخام مبلغ ناچیزی برای حضورش در کنیسا در شب شبات و مبلغ ناچیز دیگری در صبح شبات پردازد و چون بیع در شبات آسور است این مبلغ باید در روز دیگری از هفته و با عنوان هدیه به تلمید حاخام پرداخت شود، و اگر یک تلمید^{۱۹} تورا خوان بخواهد، باز باید کمی به مبلغ بیافزاید. این-گونه به آسانی مشکل عسارا حل می‌شد. ساقی که با شنیدن این راه حل دود از سرش بلند شده بود پیشنهاد را با اعضای هم کنیسایی‌اش در میان گذاشت و البته دود که نه فقط از سر بلند شده بود، بلکه فضای کنیسا را فرا گرفته بود و با قاطعیت آرا این پیشنهاد رد شد.

شبات‌های بعدی برخی اعضای کنیسا ناز فک و فامیل را کشیده بودند و پسر عمو یا خاله‌ای با خود همراه کرده بودند که تخم و بادمجان شباتی کنیسای خورشیدی کار را خراب کرد. کنیسای خورشیدی هم که با مشکل عسارا مواجه شده بود ترفند بهتری به کار بسته بود و از آن جمله‌ی معروف که «ایچ چی مٹ جن اش ات هایل نبوئه»^{۲۰} استفاده کرده بود. زن اوری ملکا که بسیار میصواکار بود کمر همت بسته و بیشتر از دو عسارا را در کنیسای خورشیدی هر شبات گرد هم می‌آورد و اهالی کنیساهای دیگر را انگشت به دهان واگذاشته بود. اما وقتی عسارا شالم شد دیگر اوری از این پذیرایی مستدام خسته شده بود و کار پذیرایی کم کم رو به افول رفت. در همین حیص و بیص بود که تشت از بام افتاد که دانیل خان که از اعضای قدیمی و با اسم و رسم کنیسای موشه گلی بود گفته دیگر پایش را به کنیسا نخواهد گذاشت. دانیل خان که قصه‌گوی شیرین زبانی بود و مدت‌ها پاراشای^{۲۱} هفته را با آب و تاب داراش^{۲۲} می‌کرد، مدتی بود به لطف حضور تلمود تورا از این سمت خلع شده بود و حسرت بر دلش مانده بود، اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شد. دانیل خان که قصد تکیه زدن بر مسند پدربرزگی و تربیت نوه را داشته، صبح شبات به نوه‌ی شش ساله‌اش فرمان

آن را پیش کش جوان‌ترها می‌کرد، اگر دونفر در کنیسا کمی پشت چشمشان برای هم نازک می‌شد این ساقی بود که میانجی بود. ساقی گاهی هم نقش خروس سحری را بازی می‌کرد: صبح شبات‌ها تلفن به دست می‌شد و با هزار ناز و کلام شیرین ساعت شحریت را به بعضی از هم کنیسایی‌هایش یادآور می‌شد.

اما همه‌ی این تمهیدات چندان بر دوام نماند. دیر زمانی نبود که یعقوب به گروه تلمود تورای کنیسای خیابان پیوسته بود و از شاگردان ثابت گمارا^{۱۴} شده بود. آتش دیانت چنان در وجودش شعله دوانیده بود که جز خاکستری از او برجای نبود و به سبب دو حکم هلاخا که بر یهودی مومن واجب است در روز شبات به نزدیک‌ترین کنیسای محل سکونتش برود و دیگر آن-که به جز استفاده از وسایل نقلیه احتراقی، استفاده از دوچرخه هم که غیر احتراقی است در روز شبات آسور^{۱۵} است، آمدن به کنیسای محله را ترک کرد. هر یک از اهالی کنیسای یعقوب مسجدی تصمیم و منش جدید یعقوب را به نحوی تفسیر می‌کردند، برخی هم مانده بودند بر سر دوراهی که چه باید کرد. چند شبات بود که در پی یافتن نفر دهم، هر یک از اعضای کنیسا آواره‌ی کوچه و خیابان شده بودند و در خانه‌ی اندک بن‌عبری‌های محله را کوفته بودند و دست آخر تفیلا را یاجیدی^{۱۶} خوانده بودند، در این بین هم ملتفت شده بودند مشکل عسارا فقط مختص خودشان نیست و اعضای دیگر کنیساها هم در کوچه‌های محله به‌سان شاتول در پی داوود به کمین عسارا نشسته‌اند.

ساقی دیگر طاقتش طاق شده بود و دلش سوخته بود، روز یک‌شبات عزم جزم کرد و خدمت حاخام یقوتیئل بزرگ، سرور و سالار حخامیم^{۱۷} محله که چند سالی بیش نبود کنیسای موشه گلی را در حوزه‌ی فرمانروایی‌اش در آورده بود رسید و مشکل را با او درمیان گذاشت. به پیشنهاد حاخام ساقی می‌توانست به

^{۱۹} طلبه

^{۲۰} - هیچ چیز مثل زن «اِشیت حَئیل» (شجاع و قدرتمند) نمی‌شود.

^{۲۱} بخشی از تورات

^{۲۲} وعظ دینی

^{۱۴} تلمود

^{۱۵} حرام

^{۱۶} فرادا

^{۱۷} جمع حاخام

^{۱۸} طلاب

کنیسا یا حیدی خواندند هنگامه طلوع زمستان بود که شب‌ات حنوکا و روز روش خودش^{۲۳} هم حریف سرما و بعد مسافت و نم باران نشد. باز هم این فقط مشکل کنیسیای یعقوب مسجدی نبود و چه بسا بیشتر از نیمی از کنیساهای محله تفیلا را یا حیدی می خواندند. این شد که کنیسیای یعقوب مسجدی با کنیسیای ملا نیسان قرار گذاشتند هر هفته در میان به نوبت در یک کنیسا عسارا را شالم کنند، اما باز هم این آغاز محلوقت‌ها^{۲۴} تازه‌ای شد. از جمله وقتی یک شب‌ات در کنیسیای یعقوب مسجدی عسارا شالم می‌شد هفته بعدی اعضا به قول خود وفا نمی‌کردند و در کنیسیای ملا نیسان عسارا شالم نمی‌شد. زمان گذشت و کار خود را کرد و یکی از ستون‌های باربر سقف کنیسیای یعقوب مسجدی بر اثر گزند باد و باران و موربانه آسیب دید و به قول عبید زاکانی باقی تیرها هم سر به سجود آوردند. اداره‌ی میراث در تصویب بودجه تعلل کرد و گفت ما بودجه برای مرمت مساجد خود نداریم چه برسد به کنیساهای شما؛ و این آخر عمری ساقی باز بی‌کنیسا شده بود، انگار بی‌خانه، بی‌خانواده یا بی‌وطن شده باشد. ■

آوردن یک لیوان آب خنک گوارا را می‌دهد و چون آب به دست دانیل خان می‌رسد تا گلوبی تر کند، یکی از تلمید حاخام‌های دو آتسه به حکم آن که خوردن و آشامیدن در کنیسا ممنوع است مثل قرقی لیوان را می‌رباید. البته که کار به همین جا ختم نمی‌شود و با چک و لقت آب‌کشیده‌ای ادامه می‌یابد. حاصل این که کنیسیای موشه گلی هم که به سبب استقبال تلمید حخامیم هیچ وقت مشکل عسارا نداشت حالا کم کم طعم آن را می‌چشید. بازار بر سر جلب اعضای متواری کنیسیای موشه گلی و متقاضیان صبحانه‌ی شب‌اتی کنیسیای خورشیدی گرم بود. در این بین کنیسیای یعقوب مسجدی هم بی‌نصیب نماند و دانیل خان را بر صدر نشاند و میشکان و پاراشای هفته را به او سپردند. حضور دانیل خان و قصه‌هایش کم و بیش اعضای سرگردان دیگر کنیساها را گاهی به خود جلب می‌کرد.

ساقی که وقتی عسارا شالم می‌شد گل از گلش می‌شکفت کلون در را از پشت می‌انداخت تا مبادا کسی از کنیسا خارج شود و عیشش منقص شود. با این حال هنوز هم هر شب یا صبح شب‌ات به آسانی عسارا شالم نمی‌شد و بار آخر که تفیلا را در



کارِ نون و آب دار



شیپورچی

+خانوم این پسر ما سنی ازش گذشته، تا کی می‌خواد بیکار و علاف باشه؟!

-والا منم بهش می‌گم، ولی آخه شما بگو با این وضع و اوضاع اقتصادی چیکار میتونه بکنه؟

+به نظر من که باید بره زن بگیره.

-آقا من می‌گم بیکاره، تو میگی بره زن بگیره؟!

+خب همون دیگه! هنر و علم و سواد درست حسابی که نداره، عرضه‌ی کار کردنم که هیچی، باید بره زن بگیره تا بتونه برای خودش کار و زندگی دست و پا کنه.

-یعنی چی عزیز من؟ مگه کسی با زن گرفتن سرمایه‌دار و شاغل میشه؟! والا! اصلا مگه زن گرفتن شغله؟!

+خب همین دیگه، تو از خیلی چیزا سر در نمیاری. گوش کن تا من بهت توضیح بدم ببینی چطور میشه با زن گرفتن پولدار شد...

+اول می‌گردیم به دختر خوب از خانواده‌ای که دستشون به دهنشون می‌رسه پیدا می‌کنیم. بعد که بچه‌ها خوب با هم آشنا شدن و دختر خانم حسابی به پسر شما دل بست، می‌ریم به بابای دختره می‌گیم که اگه می‌خوای دخترتو بگیریم باید سر کیسه رو شل کنی...

-سر چیو شل کنه؟ مگه داری ماشین معامله می‌کنی؟
+همینه دیگه... مجبور میشه برای دخترشم که شده کلی پول به آقا پسرمون بده.

-پول چی؟ حالا نه که پسرت نفر اول المپیاده یا نابغه‌ی تحصیلی؟ گیرم که باشه، اصلا چرا ما باید بریم از دختر مردم پول بگیریم؟ تو خودت دختر داری ها!

+باشه خانم. هر چند که ما نه داریم و نه از این پولا به کسی می‌دیم، ولی من راهشو بلدم. می‌ریم به خونه و مغازه و ماشین از پدر دختره می‌کنیم!

-عجب...! شما چه مغز اقتصادی بودی و ما خبر نداشتیم...!
+حالا کجاشو دیدی! نقشه‌ی اصلی هنوز باقی مونده. وقتی رفتند سر خونه و زندگی‌شون، بعد از هفت هشت ماه که با هم زندگی کردند، با توجه به این که پسر ما نه اهل زندگی کردنه و نه عقل و اخلاق درست حسابی داره، دختره رو از زندگی کردن پشیمون می‌کنه، تا حدی که به احتمال زیاد دختر و خانواده‌اش جز درخواست طلاق راه دیگه‌ای نداشته باشند...

-خب...!!! بعدش؟؟؟

+هیچی دیگه. احتمالا دختره در به در میوفته دنبال طلاق و جدایی؛ و از اونجایی که خودتم می‌دونی قوانین سخت گیرانه-ی مذهبی ما اجازه‌ی طلاق بهش نمیدن، مجبور میشه به هر قیمتی که شده برای گرفتن طلاق، رضایت پسر ما رو جلب کنه... اینجاست که نوبت اجرای نقشه‌ی اصلیه... ما هم بهشون می‌گیم اگر جون دخترشون رو دوست دارن باید چند میلیارد تومن پول به پسر ما بدن که راضی بشه طلاقش بده.

-چی داری میگی؟ ما بریم از دختر بیچاره‌ی مردم اخاذی کنیم؟ این کار درسته؟ این حقه؟

+بالاخره همینه که هست. وقتی پسرمون به همچین حقی داره چرا تو میخوای جلوشو بگیری؟ بالاخره تو قوانین شرعی ما این حق مال مرده که اگر دلش نخواست، هیچ وقت زنشو طلاق نده... به همین راحتی کلی پول دستش میاد و میتونه باهاش تجارت کنه... تازه منم که این وسطم پورسانتمو می-گیرم... به به!

-واقعا برات متاسفم آیا این پول حلاله؟ مردم چی میگن؟
+اختیار داری، فکر اونجاش رو هم کردم. قسمتی از پول رو میدیم به خیریه که حلال بشه، بعد هم به همه می‌گیم پول رو صرف امور خیریه کردیم!

-خدای من... یعنی چی؟ تو داری میگی ما یه پول با زور و گردن کلفتی از مردم بگیریم و بگذاریم تو جیبمون، بعد یه قسمتشو بدیم خیریه؟ این کار اسمش خفت گیری و زورگیریه.
+باشه بالاخره بعضی خیریه‌ها نیاز مالی دارن و از این موضوع استقبال می‌کنن.

-مگه تو رابین هودی... تازه اون بدبخت می‌رفت جیب مفت‌خورها رو میزد، نه که با زندگی و احساس دختر مردم بازی کنه...

-میدونی چیه؟ من به عنوان یک زن هرگز اجازه نمیدم که پسر من یک زن دیگه رو بدبخت کنه. خودم زیر دست تو و مادر و خواهرت بدبخت شدم کافیه... تو اسم خودت رو گذاشتی مرد؟ واقعا که برات متاسفم.

+دهنتو بند ضعیفه! اینجا فقط من حرف می‌زنم و تصمیم می‌گیرم. اگه زیاد حرف بزنی میرم به زن دیگه می‌گیرم!
-برو بگیر. تو چه گلی به سر من زدی که به سر یکی دیگه بزنی. ولی من می‌دونم پسری که تربیت کردم هرگز همچین کاری نمیکنه.

+آره دیگه تو تربیتش کردی که الان خوراک غیر کاشر می‌خوره! اگه اجازه می‌دادی من تربیتش کنم الان پسرت به دین معتدتر می‌شد و هر چیزی رو هر جای نمی‌خورد!!!

نجات حثیم بود. مژده یمینیان و هیلدا نجات حثیم داوران مسابقه، الهام مودب طراح و برنامه‌ریز مسابقه و دکتر سلیمان کهن صدق و افسانه دانیالی از همکاران این برنامه بودند.

نفرات اول تا سوم بخش کودک:

نفر اول: دپورا صدیق پور ۹ ساله از تهران / نفر دوم: الیان خالدار ۵ ساله از شیراز و الینور نعیمیان ۸ ساله از تهران / نفر سوم: مرگالیت سعیدیان ۵ ساله از اصفهان و یروشیا ملکان ۶ ساله از اصفهان.

نفرات برگزیده‌ی گروه نوجوان:

ال ال بهل ۱۰ ساله از شیراز - شسوا نکاییم ۱۰ ساله از اصفهان - لیورا هارونیان ۱۱ ساله از تهران - رونیتا سخایی ۱۴ ساله از تهران - پریسا ملکان ۱۵ ساله از اصفهان.

مراسم اهدای جوایز در تهران

در اول دیماه ۱۴۰۱ در محل کتابخانه‌ی انجمن کلیمیان تهران با حضور دکتر همایون سامه‌یح، دکتر سلیمان کهن صدق، آرزو شوشنی (مدیر مهد یلدای ۲)، داوران، والدین و کودکان و نوجوانان نقاش و جمعی از اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان، مراسم اهدای جوایز برگزار شد. اجرای مسابقه، برنامه‌ی شاد توسط عمو شکلات، سخنرانی‌های همایون سامیح، سلیمان کهن صدق و لیورا سعید، روشن کردن شمع حنوکا و خواندن براخا توسط دکتر لاله‌پور، نمایش کلیپ‌هایی از نقاشی‌ها و معرفی شرکت‌کنندگان، قصه‌گویی داستان حنوکا توسط ایلانا حوریزاده، خوانش بخشی از کتاب توسط شرگان انورزاده، تقدیم تقدیرنامه به داوران و اهدای جوایز به همه‌ی شرکت‌کنندگان در مسابقه‌ی نقاشی، از جزئیات این مراسم بود.

مراسم اهدای جوایز در اصفهان

برگزاری مراسم اهدای جوایز به کلیه‌ی شرکت‌کنندگان مسابقه‌ی نقاشی در اصفهان در ۷ دی به همت کانون جوانان اصفهان و هماهنگی لئا دانیالی و با حضور اعضای انجمن کلیمیان اصفهان، معلمین دینی و دکتر همایون سامه‌یح برگزار شد. از شرکت‌کنندگان اصفهانی و همچنین از معلمین دینی با

فعالیت‌های کتابخانه‌ی انجمن

کلیمیان در سال ۱۴۰۱

الهام مودب

از اول فروردین ۱۴۰۱ گروه کتابخانه در چند پیام‌رسان با حضور اعضای از تهران، شیراز و اصفهان تشکیل شد که فعالیت‌های زیر را در کارنامه خود دارد:

- خوانش داستان‌های «آقا حق نظر مصا نمی‌پزد» با صدای هارون یشایایی (نویسنده‌ی داستان) و «به شرط آنکه پسر را پدر کند داماد» توسط سارا کاهن از کتاب «روزی که اسم خود را دانستم» (اثر هارون یشایایی).
- معرفی کتاب‌های مختلف توسط چهره‌های فرهنگی جامعه از جمله یائل هارونیان، لیورا سعید، لئا دانیالی، آتوسا آرمین و امیر فراز نعیموت.
- معرفی کتاب و نویسندگان در زمینه‌های مختلف و یهودیت
- بازدید از محله‌ی عودلاجان، حمام کشوری و کنیسه‌های ملا حنینا، حادثاش و عزرا یعقوب و بازدید میدانی از بیمارستان دکتر سپیر با حضور و توضیحات هارون یشایایی.
- مصاحبه‌ی اختصاصی آرش آبائی از طرف کتابخانه با هارون یشایایی در خصوص کتاب‌ها و فعالیت‌های این نویسنده.

مسابقه‌ی سراسری نقاشی

برگزاری اولین دوره‌ی مسابقه‌ی سراسری نقاشی در پاییز ۱۴۰۱ با موضوع روش هشانا، کیپور و سوکوت برای دو گروه کودک و نوجوان؛ تهیه‌ی کلیپ عکس‌های نقاشی‌های برتر و برگزیده‌ی مسابقه توسط مردخای امین شموئلیان از مهم‌ترین فعالیت‌های کتابخانه بود.

طراحی پوستر خلاقانه و شاد این مسابقه بر عهده‌ی هیلدا

**سخنرانی لیورا سعید، روانشناس کودک و نوجوان در
مراسم اهدای جوایز اولین دوره‌ی مسابقه سراسری نقاشی
در کتابخانه‌ی انجمن کلیمیان تهران:**

ما دو نیمکره در مغز داریم: نیمکره‌ی راست با رنگ، طرح، تصویر، معنا، احساس، کیفیت و خلاقیت سر و کار دارد؛ نیمکره-ی چپ با زبان، تفکر، کمیت، منطق، استدلال، قضاوت و نتیجه‌گیری ارتباط دارد. کودکان تا پیش از ورود به مدرسه و در سنین قبل از دبستان، خود به خود خلاق هستند؛ نقاشی می‌کشند، نقش اجرا می‌کنند، کاردستی درست می‌کنند و از طریق این شیوه‌ها به بیان احساسات خود پرداخته و به لذت و آرامش دست پیدا می‌کنند. آن‌ها هنوز از طریق زبان و منطق قادر به بیان احساسات و افکار خود نیستند. با وارد شدن به آموزش‌های رسمی، از ۷ سالگی به بعد تا آخر عمر، خانواده، مدرسه و جامعه از آنان انتظار دارد بیشتر صحبت کنند، فکر کنند، برای مسئله-های خود راه حل پیدا کنند، دلیل بیاورند، منطقی باشند و...

به این صورت بچه‌ها کم کم از ارتباط با نیمکره‌ی راست خود فاصله می‌گیرند و نیمکره چپی می‌شوند. این موضوع باعث می‌شود ذهن انسان از حالت تعادل خارج شود. به این صورت فرد چون با هنر و خلاقیت ارتباط کمتری می‌گیرد، دستاوردهای خلاقانه هم نخواهد داشت، بنابراین اعتماد به نفس کمتری خواهد داشت، منزوی‌تر است و درک و همدلی کمتری نسبت به دیگران خواهد داشت.

توصیه می‌شود کودکان زیر ۷ سال که ارتباط بیشتری با هنر به‌خصوص نقاشی دارند، در مواقعی که هیجان منفی همچون خشم، نگرانی یا غم به سراغشان می‌آید با کشیدن نقاشی، احساسات خود را ابراز کنند و توسط والدین پشتیبانی شوند تا جهت کاهش استرس و خشم، جرات‌ورزی و اعتماد به نفس، ارتباطشان با هنر ادامه پیدا کند.

بزرگسالان نیز از هنر استفاده‌ی بیشتری داشته باشند تا هم از فواید نیمکره‌ی راست بهره مند شوند هم در سنین سالمندی از بیماری‌هایی مثل آلزایمر، زوال عقل و افسردگی دور شوند.

«قرار نیست همه‌ی بچه‌ها هنرمند شوند، فقط کافی است

با هنر ارتباط داشته باشند»

اهدای جوایز توسط دکتر سامه‌یح، سیون ماه‌گرفته (رئیس انجمن کلیمیان اصفهان)، سپارزاده و بیژن خاکشور (از اعضای انجمن)، رزیتا خاکشور، موریس یشاریم و رایین شمیان تقدیر شد.

بزرگداشت مقام زن

در راستای بزرگداشت مقام زن و مادر و ترویج کتابخوانی، قصه‌گویی و تصویرگری، به پیشنهاد الهام مودب در تاریخ ۲۲ دی‌ماه به مناسبت روز زن و به همت پریسا خالپری و همکاری کسرایی مدیریت و انجمن اولیا و مربیان دبستان دخترانه‌ی مجد دانش، دانش‌آموزان با همراهی مبین فر (آموزگار پایه اول ابتدایی) و خالپری و مونچی (اعضای انجمن اولیا و مربیان) از کتابخانه‌ی انجمن کلیمیان تهران بازدید کردند. این بازدید شامل برنامه‌های زیر بود:

- توضیحات افسانه دانیالی (مسئول کتابخانه) برای آشنایی دانش‌آموزان با کتابخانه و نحوه‌ی عضویت.
- قصه‌گویی تعاملی با موضوع مادر توسط شیوا مونچ
- تصویرگری قصه‌ی خوانده شده (با موضوع مقام والای زن) و همچنین نوشتن نامه و بیان احساسات به همراه نقاشی برای مادر توسط دانش‌آموزان
- خواندن سرود در ارتباط با مادر توسط دانش‌آموزان کلاس اول (الی‌ورا ستاره‌شناس، شارین اصفهانی، رونیکا نانی، میلکا ساسانی‌فرد، الیشوع ملکان و استر آور)
- کتابخوانی توسط دانش‌آموزان کلاس اول
- قصه‌گویی دانش‌آموزان کلاس سوم به‌صورت گروهی با همکاری الیانا رنگار، نازنین میراخور، لیتال شمیان، شادان یادگاران، دبور پوراتی، اورا ملکان و سارا مناشه‌اف
- قصه‌گویی دانش‌آموزان کلاس چهارم به صورت انفرادی توسط آنا شاریم و دایانا گیدانیان
- قصه‌گویی تعاملی در ارتباط با درک احساسات و پذیرش احساس درون‌فردی توسط پریسا خالپری
- اجرای پانتومیم، چیستان و لطیفه توسط دانش‌آموزان.

منابع مطالعاتی یهودیت

آرش آبائی

با توجه به پرسش‌های مکرر مراجعان از انجمن کلیمیان یا کارشناسان کلیمی درباره‌ی منابع مطالعاتی در حوزه‌ی یهودیت، فهرست زیر از منابع موثق و در دسترس جهت محققان معرفی می‌گردد.

مشخصات دسترسی	عنوان کتاب / مرجع	موضوع	
ترجمه: پیروز سیار، نشر نی و نشر هرمس	«عهدعتیق» جلد اول: کتاب‌های شریعت یا تورات - جلد دوم: کتاب‌های تاریخ - جلد سوم: کتاب‌های حکمت - جلد چهارم: کتاب‌های پیامبران	کتاب مقدس (تورات و عهدعتیق)	۱
ترجمه: فاضل خان همدانی، ویلیام گلن و هنری مرتن، انتشارات اساطیر	«کتاب مقدس» (عهدعتیق و عهدجدید) ترجمه‌ی قدیم		۲
آلن انترمن، ترجمه: رضا فرزین، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم	«باورها و آیین‌های یهودی»	آشنایی با یهودیت	۳
ایزیدور اپستاین، ترجمه: بهزاد سالکی، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران	«یهودیت، بررسی تاریخی»	تاریخ یهود	۴
ابراهام کهن، ترجمه: امیرفریدون گرگانی، انتشارات اساطیر	«گنجینه‌ای از تلمود»	تلمود ترجمه‌ی کل تلمود به فارسی موجود نیست	۵
آدین اشتاین سالتز، ترجمه: باقر طالبی دارابی، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم	«سیری در تلمود»		۶
جوزف دان، ترجمه: مصطفی مرشدلو، نشر سینا	«قبالا»	عرفان یهود (قبالا/ کابالا)	۷
گرشوم شولم، ترجمه: علیرضا فهیم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم	«گرایش‌ها و مکاتب اصلی عرفان یهود»		۸
گرشوم شولم، ترجمه: فریدالدین رادمهر، انتشارات نیلوفر	«جریانات بزرگ در عرفان یهودی»		۹
www.iranjewish.com	سایت انجمن کلیمیان تهران	زبان عبری (متن آموزشی)	۱۰
انجمن کلیمیان تهران	لغتنامه‌های عبری سلیمان حییم	لغتنامه عبری-فارسی / فارسی-عبری	۱۱
www.iranjewish.com	سایت انجمن کلیمیان تهران	آشنایی با کلیمیان ایران (آرشیو مقالات مجله بینا)	۱۲
هارون یشایایی، نشر ماهریس	«گزارش یک دوران، سی سال زندگی یهودیان ایرانی»	تاریخ معاصر یهودیان ایران	۱۳
ناصر تکمیل همایون، دفتر پژوهش‌های فرهنگی	«محلّه‌ی کلیمیان تهران»		۱۴



نشست اهالی نشر ادیان توحیدی با معاونت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

است. به عنوان مثال من در دوره‌های مختلف سه کتاب به اداره‌ی کتاب دادم، در کتاب آخر مجوز را صادر کردند مشروط به این که هر جایی کلمه اسرائیل آمده‌است باید حذف شود. این در حالی است که در کتاب قبلی من در مواردی نام اسرائیل درج شده بود و منتشر نیز شد.

در ادامه‌ی جلسه محمدحسین ظریفیان یگانه، مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی، ارزیابی کتاب را اقدامی اعلام کرد که در کشورهای گوناگون با روش‌های مختلف انجام می‌شود و افزود: حذف محتوای خلاف اخلاق در کتاب‌ها، موضوع تنوع بین دین‌ها نیست، حتی بین بی‌دینی و دینداری نیست، موضوع در ارتباط با شرافت است. در سال‌های اخیر درصد بسیار پایینی (که به دو درصد نمی‌رسد) از کتاب‌هایی که وارد اداره‌ی کتاب می‌شود، اجازه‌ی انتشار پیدا نمی‌کنند و تعداد کمی مشروط می‌شوند. اگر جنبه‌ی علمی کتاب‌ها مستند شود حتما مجوز دریافت خواهند کرد.

او درباره‌ی حساسیت اداره‌ی کتاب به استفاده از برخی واژگان در کتاب توضیح داد: حساسیتی روی کلمه‌ی خاصی وجود ندارد. اما اگر در کتابی از اسرائیل به عنوان رسمیت بخشیدن به یک دولت استفاده شود، آن کلمه مجوز دریافت نخواهد کرد.

**موبد سروش‌پور: پیروان ادیان مختلف در دل
یک فرهنگ به هم نزدیک‌ترند تا پیروان یک
دین در فرهنگ‌های مختلف.**

نشست اهالی نشر و مطبوعات پیروان ادیان توحیدی با معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دوم آذر ۱۴۰۱ در سالن کنفرانس کتابخانه‌ی عمومی پارک شهر برگزار شد. در این نشست، یاسر احمدوند معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمدحسین ظریفیان یگانه مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی، اسماعیل جانعلی پور مدیرکل مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی معاونت امور فرهنگی، محمدعلی مرادیان مدیرکل دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و جمعی از اهالی نشر و مطبوعات پیروان ادیان توحیدی حضور داشتند.

از جامعه‌ی کلیمیان تهران نیز دکتر سلیمان کهن‌صدق، هارون یشایایی، فریده پوراتیان، بیژن آصف و آرش آبائی در این نشست شرکت کردند.

در این جلسه هارون یشایایی با تاکید بر این که یهودیان همیشه در تاریخ ایران حضور داشته‌اند، اظهار داشت: در دوره‌ای که زبان فارسی مورد تهدید بود، یهودیان ابتکار کردند و اشعار را به خط عبری و زبان فارسی نوشتند، این‌گونه فارسی-یهودی شکل گرفت و خیلی از متون حفظ شد. او در ادامه گفت: این تجمع نباید به معنی این باشد که ما عده‌ای دیگر هستیم که با مسئولان صحبت می‌کنیم. حق قانونی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این است که کتاب‌ها و نشریات را نظارت و کنترل کند، اما مشکلی که در اداره‌ی کتاب وزارت ارشاد وجود دارد این است که افراد با سلیقه‌های مختلف در آن فعال هستند. وی با تاکید بر اینکه باید میان ارزیاب‌های اداره‌ی کتاب هماهنگی ایجاد شود، افزود: باید قطعی شود چه چیزهایی قابل حذف شدن

پایداری ایران تنوع و تکثر است. آموختیم کنار هم خوب زندگی کنیم، از یکدیگر حمایت و با هم رشد کنیم، ضرورت‌های این مساله در قانون دیده شده است.

در بخشی دیگر از این نشست، موبد پدram سروش‌پور از جامعه‌ی زرتشتیان درباره‌ی ارزش و جایگاه فرهنگ ایرانی گفت: هر سرزمینی را به نام فرهنگش می‌شناسند و پیروان ادیان مختلف در دل یک فرهنگ به هم نزدیک‌ترند تا پیروان یک دین در فرهنگ‌های مختلف. هرچقدر به مقوله‌ی فرهنگ با خرد و مساوات ارزش بگذاریم موجب این می‌شود که مردم بتوانند در کنار هم قرار گیرند، این سرزمین پذیرای ادیان مختلف آشوریان، یهودیان، ارمنیان و زرتشتیان بوده است.

وی با اعلام این‌که نباید فرهنگ را مقابل دین قرار داد، بیان کرد: ادیان همه از یک سرچشمه یعنی خدای یکتا نشأت گرفته است. این فرصت را نباید از دست دهیم. مسئولان در این روزها بیش از هر زمانی وظیفه‌ی نشر فرهنگی را بر دوش دارند. با این شرایط فرهنگی باید ناشران و اهالی فرهنگ بیش از گذشته حمایت شوند.

همچنین اسماعیل جانعلی‌پور مدیرکل مجامع، تشکله‌ها و فعالیت‌های فرهنگی معاونت امور فرهنگی بیان کرد: امروز ۴۳ سال از انقلاب می‌گذرد و هنوز دسیسه‌ها و توطئه‌هایی ناظر به استقلال کشور ماست. هر روز یاد رشادت‌ها و شجاعت‌های شهدای عزیز می‌افتیم. قدردان شهدای بزرگ جامعه‌ی اقلیت دینی در ایران نیز هستیم. قریب به ۵۰ شهید فقط جامعه‌ی اقلیت‌های دینی دارند که حتی بعد از سربازی نیز راهی جبهه‌ها شدند. ۱۱۰ جانباز نیز از همین تعداد حضور داشته‌اند؛ افرادی که سربازی‌شان تمام شد ولی مجدداً به جبهه‌ها بازگشتند. ■

منابع:

- 1) www.irna.ir/news/۸۴۹۵۱۶۴۶
- 2) www.ibna.ir/fa

همچنین یاسر احمدوند، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با تأکید بر این‌که یکی از پایه‌های فرهنگ، فهم از موضوع است، افزود: کنار هم ماندگار و پر قدرت هستیم و باید این‌ها را به نسل‌های بعد منتقل کنیم. همه‌ی جامعه فرهنگی با مشکلاتی مواجه است و این مشکلات اختصاص به این جمع ندارد.

به گفته‌ی او در موضوع ارزیابی و ممیزی کتاب هیچ محدودیتی اضافه بر ضوابط قانونی برای پیروان ادیان توحیدی وجود ندارد. در مورد کتاب‌های مختص به هر کدام از ادیان اداره‌ی کتاب با حداکثر همراهی باید همکاری کند. وی درباره‌ی تنوع دیدگاه در حوزه‌ی ارزیابی کتاب توضیح داد: جایی که نیروی انسانی باید بر اساس اصولی نظر بدهد، ممکن است دو قاضی هم نظرهای مختلف داشته باشند. برای ارزیابی کتاب قانون مشخص در نظر گرفته شده‌است و افراد آموزش دیده این اقدامات را انجام می‌دهند. مخصوصاً متونی که ویژگی‌های دینی پیدا کند توسط افراد متخصص بررسی می‌شود.

احمدوند با تأکید بر اینکه اصرار غیرخردمندانه روی کلمات وجود ندارد، افزود: استفاده از کلمه‌ای مانند اسرائیل اگر در متن تاریخی یا نقل قول استفاده شود، بلامانع است.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:
در موضوع ارزیابی و ممیزی کتاب هیچ محدودیتی اضافه بر ضوابط قانونی برای پیروان ادیان توحیدی وجود ندارد.
در مورد کتاب‌های مختص به هر کدام از ادیان اداره‌ی کتاب با حداکثر همراهی باید همکاری می‌کند.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این‌که جامعه‌ی ایرانی جامعه‌ی متکثری است و این تکثر گاهی در دین، زبان، محیط زیست و... مشاهده می‌شود، گفت: این تکثر برای این کشور یک نعمت است. به نظرم یکی از زمینه‌های

دیدار رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان از انجمن کلیمیان



مرجع کلیمیان ایران و رئیس و اعضای انجمن کلیمیان برای حضور در این اجلاس دعوت به عمل آورد.

حاجام دکتر یونس حمامی لاله‌زار در گفتگو با مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نکاتی را درباره‌ی مبانی فکری یهود که در تلمود مندرج است بیان نمود و درباره‌ی «گنیزا» به معنای آثار مکتوب قدیمی که به علت تقدس در محلی خاص انبار می‌شوند توضیحاتی داد.

دکتر همایون سامه‌یخ، رئیس انجمن کلیمیان تهران گفت: به نظر می‌رسد یکی از موضوعاتی که بتوان توسط آن تفکرات منفی نسبت به ایران را زدود، ارائه‌ی تصویر صحیح از رعایت حقوق بشر در ایران به جهانیان است.

نماینده‌ی کلیمیان در مجلس شورای اسلامی همچنین، افزود: انجمن کلیمیان تهران آمادگی همکاری برای ارائه‌ی تصویر صحیح از جامعه‌ی کلیمی ایران در عرصه بین‌المللی را دارد.

آرش آبائی، پژوهشگر کلیمی نیز با اشاره به وضعیت یهودیان در ایران که متفاوت از یهودیان در دیگر کشورها است، گفت: اکثر یهودیان دنیا سابقه‌ی مهاجرت و جابجایی دارند، در حالی که یهودیان در ایران سابقه‌ی حضور چند هزار ساله داشته و از این نظر اصالت دارند.

وی ادامه داد: این یک تجربه فرهنگی است که یک یهودی در نظام اسلامی زندگی می‌کند، با ایرانیان تعامل دارد و این برگرفته از تاثیر فرهنگ ایرانی و اسلامی بر یهودیت است.

آبائی همچنین پیشنهاد تشکیل هسته‌ی تحقیقاتی مشترک میان سازمان و انجمن را جهت بررسی و تدوین محورهای مطالعاتی و تعامل بین دینی مطرح نمود. ■

دکتر علی‌اکبر ضیایی، رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، به همراه علی اصغر عامری، معاون این مرکز، دکتر هایده رستم‌آبادی، رئیس گروه گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت کاتولیک و یهودیت، و دکتر زهرا رشیدیگی، رئیس گروه گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت ارتدوکس و پروتستان از انجمن کلیمیان تهران بازدید کردند. در این جلسه‌ی مشترک که ۷ آذرماه ۱۴۰۱ برگزار شد، حاجام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یخ و آرش آبائی از طرف انجمن کلیمیان حضور داشتند.

ضیایی در سخنانی، با تشریح فعالیت‌های مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها گفت: علاوه بر گفت‌وگوی خوب و مؤثر با جامعه‌ی کلیمی کشورمان، به دنبال آن هستیم که تعامل با پیروان ادیان را مستندسازی کنیم.

رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها افزود: معتقدیم علیرغم تفاوت‌ها نکات ارزشمندی برای به اشتراک گذاشتن در عرصه‌ی بین‌الملل داریم که یکی از این نکات، همزیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان در کشورمان است.

وی اظهار داشت: به همین منظور برای تهیه مستندی در زمینه‌ی تفاهم و همزیستی پیروان ادیان در حال مذاکره هستیم که به مدت ۲۰ دقیقه از خیابان سی تیر تهیه و به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی ترجمه شود.

رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها تصریح کرد: بخش کلیمیان در این مستند می‌تواند با همکاری و هماهنگی انجمن کلیمیان تهران صورت پذیرد.

ضیایی در ادامه با اشاره به برگزاری همایش ملی «نقش ادیان الهی در خروج از بحران‌های جهانی محیط زیست» طی روزهای پایانی آذرماه در اصفهان، از حاجام حمامی لاله‌زار،

اخبار^۱

یادواره‌ی شهدای ادیان توحیدی

مراسم تجلیل از شهدای ادیان توحیدی ۲۰ بهمن ماه ۱۴۰۱ در سالن اجتماعات مجتمع ورزشی فرهنگی شهید بهشتی به میزبانی سپاه محمد رسول‌الله و با هماهنگی و حضور دکتر همایون سامه‌یح (نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و رئیس انجمن کلیمیان) و مهندس بهداد میکائیل (عضو هیات مدیره و مسئول کمیته بهشتیه) برگزار گردید.

در این مراسم از طرف جامعه‌ی کلیمیان، حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران)، حاخام مهرداد ساسانی فرد، موسی ثانی، یهودا آصف، مهندس روبرت خالدار، مهندس بهادر میکائیل و تعداد دیگری از فعالان اجتماعی کلیمی حضور داشتند.

فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی سخنان خود، بر احترام نسبت به کلیه شهدای ادیان توحیدی و جوامع اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی تاکید کردند. استاندار تهران نیز در این برنامه به ایراد سخنرانی پرداخت. از طرف جامعه‌ی کلیمیان، ایثارگر داوود ازیری به ایراد سخنرانی و خاطره‌گویی پرداخت. همچنین از دکتر جهانبخش قهرمانی جانباز ۷۰ درصد کلیمی دوران جنگ، تجلیل و قدردانی به عمل آمد.

همچنین مراسم جشن لاله‌ها و گل‌افشانی مزار شهدای اقلیت‌های دینی، پنجشنبه سیزدهم بهمن ماه ۱۴۰۱ در آرامستان زرتشتیان با حضور جمعی از مسئولان کشوری و همکیشان کلیمی برگزار شد.



^۱ با سپاس از مهندس امید محبتی مقدم و بیژن خاکشور

همایش «قدس، قبله‌ی اول»

در آستانه‌ی روز قدس، همایش بین‌المللی «قدس، قبله‌ی اول» ۲۲ فروردین ماه در حرم مطهر امام خمینی(س) برگزار شد.

دکتر همایون سامه‌یج، در این همایش گفت: یهودیت یک دین چهار هزار ساله ولی صهیونیسم یک حزب حدود ۱۰۰ ساله است که سعی دارد با سوء استفاده از دین و یهودیت برای خودش وجهه ایجاد کند. وی با تأکید بر اینکه روز قدس روز همه‌ی مستضعفین دنیا است و فرقی ندارد که مسلمان یا غیر مسلمان باشند، افزود: رژیم



صهیونیستی دچار آشوب‌های زیاد است. نتانیاهو یک دیکتاتور بالفطره است و این دیکتاتوری را علیه مردم خودش هم آغاز کرده است. همان طوری که من نمی‌خواهم به یهودی‌های ایران توهین شود، و نمی‌شود، مردم فلسطین هم حق دارند زندگی آرامی داشته باشند. امیدواریم مردم فلسطین به زودی به خانه‌ی خودشان برگردند و در دنیا صلح برقرار شود.

حضور کلیمیان در مراسم روز قدس



جمعه، ۲۵ فروردین ۱۴۰۲، جامعه‌ی کلیمیان ایران با شرکت گسترده در راهپیمایی روز جهانی قدس و اعلام انزجار از اعمال ظالمانه افرادی که به هیچ دین و آیینی پایبند نیستند، کلام راستین امام راحل مبنی بر این‌که «حساب جامعه یهود از صهیونیسم جدا است» را یک بار دیگر به گوش همه جهانیان یادآور شد.

همایش «گفت‌وگوی ادیان و مذاهب؛ همزیستی مسالمت‌آمیز» در زاهدان

اولین همایش بین‌المللی «گفت‌وگوی ادیان و مذاهب، همزیستی مسالمت‌آمیز» ۸ اسفند ۱۴۰۱ در دانشگاه سیستان و بلوچستان و با همکاری معاونت فرهنگی اجتماعی دانشگاه و دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی برگزار گردید. این همایش به منظور ترغیب محققان، اساتید و دانشجویان علاقمند و پژوهشگر در حوزه‌ی گفت‌وگوی ادیان و مذاهب در موضوعات متنوع برنامه‌ریزی شد و با وصول ۱۳۵ مقاله و با ارائه تعدادی از مقالات برگزیده ادامه یافت.

سخنرانان این همایش بعد از ارائه گزارش علمی دبیر همایش دکتر حکیمی فر، عبارت بودند از: حاخام دکتر حمامی لاله‌زار رهبر کلیمیان ایران، حجة الاسلام دکتر بامری مسئول استانی نهاد، دکتر لگنهاوزن استاد فلسفه، دکتر علی اکبر ضیایی رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها، مولوی نذیر احمد سلامی نماینده مردم استان در مجلس خبرگان رهبری، دکتر ابراهیمی دینانی استاد

فلسفه، دکتر قربان علمی مدیر گروه ادیان و عرفان دانشگاه تهران، دکتر حسین جهانتیغ عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب و دکتر ابوالفضل احمدزاده دادیار حقوق عامه.

تشکیل انجمن ورزشی ادیان الهی در منطقه ۱۲ تهران

طی نشست در ۲۵ بهمن ۱۴۰۱ با حضور نمایندگان ادیان آسمانی، انجمن ورزشی ادیان الهی در منطقه ۱۲ تهران تشکیل شد. امیر یزدی، شهردار منطقه ۱۲ گفت: مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ میلادی، هفته‌ی نخست ماه فوریه را «هفته‌ی جهانی همبستگی میان ادیان» نام‌گذاری کرده است. یزدی با یادآوری این که «گذر ادیان» در خیابان ۳۰ تیر منطقه ۱۲ واقع شده، افزود: با توجه به قراردادن عبادتگاه‌های ادیان آسمانی مسیحی، زرتشتی و کلیمی در این خیابان، شهرداری منطقه ۱۲ فرصت را برای برنامه‌ریزی متناسب با این هفته جهانی مناسب دید و نخستین جلسه‌ی انجمن ورزشی ادیان الهی را با حضور نمایندگان این ادیان برگزار کرد.

سیدامیرحسین ساداتی، معاون امور اجتماعی و فرهنگی منطقه نیز در این جلسه اعلام کرد: با توجه به اینکه چهارراه ادیان به عنوان مکان منحصربه‌فرد تاریخی در دنیا در منطقه ۱۲ واقع شده و این گذرگاه، طی سالیان متمادی محل تجمع عبادتگاه‌های ادیان مختلف آسمانی و پیروان آن بوده، شهرداری منطقه ۱۲ بر خود لازم می‌داند برای تحقق شعار «ورزش برای همه در قلب طهران» نسبت به خدمات‌رسانی و ایجاد همبستگی بین شهروندان این ادیان اقدام نماید.

طی این نشست مقرر شد با نگاه ویژه به مدارس و بهره‌مندی از حضور خانواده‌ها، نسبت به برگزاری مسابقات و جشنواره‌های مختلف و برگزاری تورهای گردشگری ورزشی در جلسات آتی و ماهیانه این انجمن ورزشی برنامه‌ریزی و اقدام شود.

کسب مقام توسط بانوی رزمی کار کلیمی، هیلیت نقره‌بیان

«هیلیت نقره‌بیان»، بانوی رزمی کار کلیمی ۷ دی ماه ۱۴۰۱، موفق به کسب مقام اول در مسابقات مچ‌اندازی شد.

خاطرنشان می‌سازد این بانوی کلیمی در سال ۹۷ موفق به کسب مدال طلا در رشته‌ی کیوکوشین کاراته شده بود و پس از آن تا به امروز نیز افتخار صدر هیات ریسه کیوکوشین کاراته ایران در دوره‌ی دوم را در کارنامه ورزشی خود دارد. وی همچنین موفق به اخذ دان ۴ کمر بند مشکی نیز شده است. نقره‌بیان اخیراً موفق به کسب مدرک داوری از فدراسیون کیوکوشین کاراته شد.

کسب مقام اول کیوکوشین کاراته توسط نونهال کلیمی

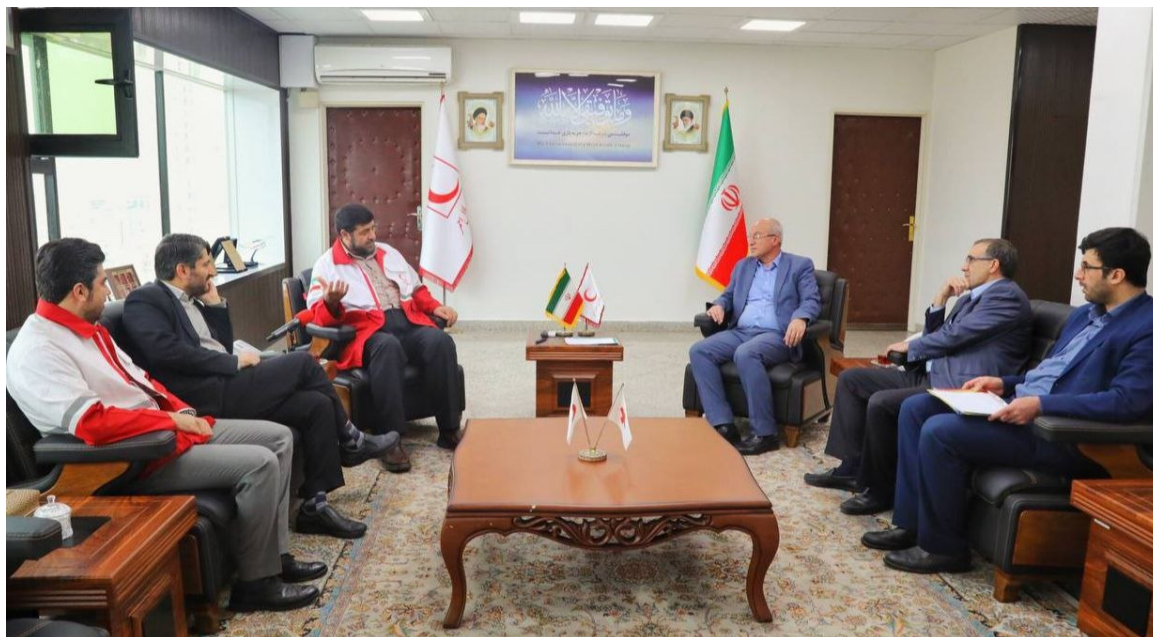
در مسابقات قهرمانی کیوکوشین کشور که ۲۸ مردادماه ۱۴۰۱ با حضور نزدیک به ۲۵۰ نفر در دو بخش کاتا و کومیته برگزار شد، «مهرزاد پنیاس رفیع» ورزشکار نوجوان کلیمی، موفق به کسب مقام اول مسابقات قهرمانی کشوری در رشته کیوکوشین شد. خاطرنشان می‌سازد این نونهال افتخارآفرین کلیمی، در یک خانواده‌ی کاملاً ورزشی پرورش یافته است.

پدر مهرزاد در رشته بدنسازی و بادی بیلدینگ فعالیت داشته است. مادر وی، نگار نقره‌بیان دارای کمر بند مشکی در رشته کیوکوشین کاراته و در شرف گرفتن دان ۲ می‌باشد و مهیار، برادر مهرزاد نیز در سن ۱۷ سالگی در شرف گرفتن کمر بند مشکی تکواندو است.



دیدار نماینده‌ی ایرانیان کلیمی با رئیس جمعیت هلال احمر ایران

۲۳ اسفند ماه ۱۴۰۱، دکتر همایون سامه‌یح به اتفاق دکتر باقرزاده نماینده‌ی مردم بابلسر و رئیس کمیته هلال احمر در کمیسیون بهداشت مجلس، با دکتر کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر ایران، دیدار داشت. در این دیدار از فعالیت‌های بسیار خوب آن جمعیت در زمان بحران تقدیر و تشکر به عمل آمد و بر افزایش حمایت‌های دولت و همچنین مردم از این جمعیت تأکید گردید. همچنین دکتر سامه‌یح درخواست مساعدت خود را از آن جمعیت برای برخی از زیرمجموعه‌های انجمن‌های کلیمیان کشور عنوان نمود که مورد موافقت دکتر کولیوند قرار گرفت.



دریافت کمک و تجهیزات جهت مدارس کلیمی

با پیگیری‌های دکتر همایون سامه‌یح در جهت افزایش کیفیت آموزشی مدارس کلیمی، مبلغ پانصد میلیون ریال از طرف وزارت نفت به حساب مدارس کلیمی دولتی روحی شاد و اتفاق واریز شد. همچنین پیرو پیگیری‌های دکتر همایون سامه‌یح با وزارت آموزش و پرورش جهت ارتقا و افزایش کیفیت آموزشی در مدارس کلیمی، تعداد ۴ دستگاه کامپیوتر، ۴ دستگاه تخته‌ی هوشمند، تعداد زیادی بسته‌ی آموزشی و ۸ دستگاه کولر جهت مدارس دخترانه اتفاق و فخر آباد از اداره‌ی پشتیبانی و تجهیز وزارت آموزش و پرورش به مبلغ تقریبی ۵ میلیارد ریال دریافت و تحویل مدارس فوق گردید.

دریافت کمک‌های معیشتی کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره)

در ادامه‌ی کمک‌های کمیته‌ی امداد امام، مبلغ سه و نیم میلیارد ریال در مرحله‌ی دوم به صورت کارت هدیه از طریق نماینده‌ی ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی به نیازمندان جامعه ایرانیان کلیمی اهدا گردید. این کمک به انجمن‌های کلیمیان شیراز، اصفهان، کرمانشاه، کرمان، یزد و رفسنجان؛ و در تهران به ستاد خیریه‌ی کوروش، خیریه‌ی کنیسای ملاحینا، خیریه‌ی دست‌های مهربان من و تو، کنیسای رفیع‌نیا و سازمان دانشجویان یهود ایران جهت کمک به افراد نیازمند در حوزه‌ی خود تحویل گردید.

تقدیر از معلمان تعلیمات دینی شیراز

مراسم تقدیر از معلمان دینی کلاس‌های مجتمع آموزشی کوثر و همچنین گروه هسلاخا به همت مسئولین این دو ارگان ۳ دی ماه ۱۴۰۱ در کنیسه‌ی دلرحیم شیراز برگزار گردید.

در این مراسم ضمن حضور اساتید و خانواده‌هایشان، رئیس و نایب رئیس انجمن کلیمیان شیراز، مدیر مجتمع آموزشی کوثر، حاخام فرهاد سله (نماینده شورای روحانیت شیراز) و مسئولین برگزاری کلاس‌ها حضور داشته و هر کدام اقدام به ایراد سخنرانی نمودند.



از نکات حائز اهمیت این جلسه اعلام ثبت مجتمع آموزشی کوثر به‌عنوان یک ارگان آموزشی با اهداف مشخص و نیز امکان تاسیس مهد کودک و پیش‌دبستانی بود.

در پایان ضمن اهدای هدایایی به رسم یادبود به معلمین، تقدیری ویژه از خانم بصلی به پاس خدمات شایانی که طی سالیان دراز به جامعه داشت، صورت گرفت.

همچنین از مسئولان برگزاری کلاس‌های تابستانی مجتمع آموزشی کوثر آقایان آذران، شکوهی‌نیا، فرازند و مسئولان گروه هسلاخا خانم‌ها کاکن، عطار، امتیاز، زرین‌خو، رئوف‌فر و شمسا و آقایان یوسف زاده و گمزه قدردانی شد.

افتتاح مجموعه‌ی آموزشی و مجتمع فرهنگی رفاهی کلیمیان اصفهان

به مناسبت جشن حنوکا، در اول دی ماه ۱۴۰۱ با حضور معلمان دینی و دبیران عبری و مربیان جامعه‌ی اصفهان، هیات مدیره کانون جوانان یهود اصفهان، تلمود تورای کتر داوید، فعالان اجتماعی و محصلان کلاس‌های عبری و مسئولان انجمن کلیمیان اصفهان؛ مجموعه‌ی آموزشی و مجتمع فرهنگی رفاهی کلیمیان اصفهان طی مراسمی افتتاح شد.



مجمع عمومی عادی سالانه‌ی سازمان دانشجویان یهود ایران

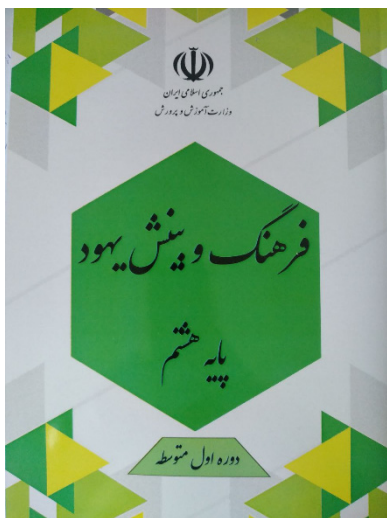
مجمع عمومی عادی سالانه‌ی سازمان دانشجویان یهود ایران ۲۶ اسفند ۱۴۰۱ با حضور بیش از ۴۰ نفر از اعضا برگزار گردید. جلسه با سخنان سامان سامه‌یج به عنوان نماینده‌ی هیئت مدیره‌ی پیشین آغاز و سپس دانیل ذریمانی، سارا لاله‌پور و دانیلا یومتوبیان به‌عنوان رییس، نایب رییس و منشی هیئت ریسه‌ی پیشنهادی انتخابات هیئت مدیره‌ی دوره‌ی ۵۵ معرفی و تایید شدند. پس از صحبت‌های هیئت ریسه، سالار



فیروز طالع گزارش عملکرد سالانه‌ی هیئت مدیره‌ی دوره‌ی ۵۴، نیوشا ماه‌گرفته گزارش مالی و پرهام ذکریاپور گزارش بازرسی را قرائت نمودند. پرهام ذکریاپور گزارش مالی را تایید نمود.

پس از آن، کاندیداهای هیئت مدیره‌ی دوره‌ی ۵۵ سازمان دانشجویان به معرفی خود پرداختند و در ادامه با انجام رای‌گیری، به ترتیب آرا: صبا حق‌نظری، تنن‌ال جبرئیل، سوگل دانیال‌مفرد، درین پاکدامن، نیکان خالدار، پویا کهن‌صدق و پویا سرور به‌عنوان اعضای اصلی و علی‌البدل و سالار فیروز طالع به عنوان بازرس انتخاب شدند.

تدوین مجدد کتاب‌های درسی فرهنگ و بینش یهود



با تغییراتی که در سال‌های اخیر در سیستم آموزشی ایجاد شد و با توجه به گذشت سال‌های طولانی از تالیف کتاب‌های فرهنگ و بینش یهود دبیرستان (و دوره‌ی راهنمایی قدیم) و پدیدار شدن مشکلات آموزشی و نواقص موجود در متون درسی، به پیشنهاد و همکاری جمعی از دبیران دینی و شخصیت‌های دینی و فرهنگی، بازبینی و تالیف کتاب‌های فرهنگ و بینش یهود پایه‌های هفتم و هشتم دوره‌ی اول متوسطه از سال ۱۳۹۵ در دستور کار کمیته فرهنگی (علمی-آموزشی) انجمن کلیمیان قرار گرفت. علیرغم برخی اختلاف نظرها درباره‌ی محتوای کتب جدید، سرانجام در بهار و تابستان سال ۱۴۰۱، تالیف و ویرایش این دو کتاب به‌طور کامل به سرانجام رسید و با اخذ مجوز از وزارت آموزش و پرورش، از سال تحصیلی ۱۴۰۱-۰۲ کتب مذکور منتشر و مورد تدریس قرار گرفت.

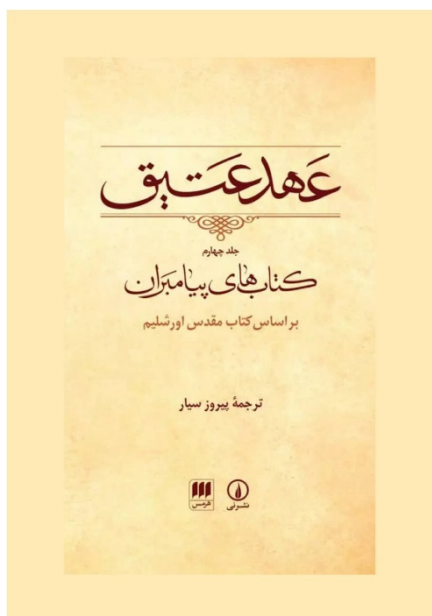
سرفصل‌های هر کتاب به سه بخش تاریخ یهود، هلاخا (احکام شرعی) و صفات اخلاقی تقسیم شده است. از جمله نکاتی که در تدوین این دو کتاب مد نظر قرار

داشت این موارد را می‌توان ذکر نمود: کاربردی بودن و روانی مفاهیم، تناسب محتوا با کتاب‌های پایه‌های ماقبل و مابعد خود، حجم مناسب کتاب با توجه به ساعات آموزشی، وضوح مطالب و فارسی‌نویسی صحیح. همچنین خودخوان بودن مطالب کتاب‌ها از مهم‌ترین خصوصیات آن در نظر گرفته شد، به‌صورتی که در شرایط بدون حضور معلم دینی، دانش‌آموز بتواند آن را فرا گرفته و در آزمون‌ها بدون مشکل شرکت نماید.

حاحام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر فرزین فرنوشی و دکتر فهیم لاله‌زاری نویسندگان کتاب‌ها؛ و ویراستاران ایلن میشاعلیان و مهندس شلومو ستاره‌شناس بوده و ویرایش نهایی کتاب‌ها توسط آرش آبائی انجام شده است. حروفچینی، صفحه‌آرایی و تدوین نهایی را دکتر فهیم لاله‌زاری انجام داده و نظارت فنی و پیگیری امور اداری توسط ایلن میشاعلیان از طرف کمیته‌ی فرهنگی (علمی-آموزشی) انجمن کلیمیان صورت گرفته است.

لازم به ذکر است که کتاب پایه‌ی ششم ابتدایی نیز در دست بازبینی و ویرایش قرار دارد و در آینده کتاب‌های فرهنگ و بینش یهود سایر پایه‌ها نیز مورد تجدیدنظر قرار خواهد گرفت.

انتشار جلد چهارم مجموعه‌ی عهد عتیق



در زمستان ۱۴۰۱ چهارمین جلد از مجموعه مجلدات عهد عتیق با عنوان «کتاب‌های پیامبران» - بر اساس کتاب مقدس اورشلیم - با ترجمه‌ی پیروز سیار به همت انتشارات هرمس و با همکاری نشر نی با حجمی در حدود ۱۱۰۰ صفحه منتشر شد. منبع اصلی ترجمه‌ی پیروز سیار، متن فرانسه‌ی «کتاب مقدس اورشلیم» - ویرایش آخر؛ سال ۱۹۹۸- بوده است که از معتبرترین ترجمه‌های کتاب مقدس در جهان محسوب می‌شود.

کتاب مقدس از دو بخش بزرگ تشکیل شده است که تحت عنوان «عهد عتیق» و «عهد جدید» شناخته می‌شوند. عهد عتیق شامل نوشته‌های وحیانی انبیای یهود است، اما علاوه بر یهودیان، مسیحیان نیز آن را کتاب آسمانی خود می‌شمارند. یهودیان عهد عتیق را تنخ می‌نامند که نامی اختصاری است بر اساس عناوین سه بخش کتب مقدس یهود که عبارتند از: تورا (شریعت)، نبیئیم (پیامبران) و کتوبیم (مکتوبات).

ترجمه‌ی عهد عتیق به همت پیروز سیار در چهار جلد با تقسیم‌بندی‌ای تقریباً متفاوت با سنت یهودی منتشر شده است. جلد اول کتاب‌های شریعت یا تورات، جلد دوم کتاب‌های تاریخ، جلد سوم کتاب‌های حکمت و جلد چهارم کتاب‌های پیامبران.

بیمارستان دکتر سپیر در آستانه‌ی بازگشایی

بیمارستان خیریه‌ی دکتر سپیر که از سال ۱۳۹۸ به علت مشکلات عدیده‌ی مالی تعطیل و حتی به‌خاطر بدهی‌های بسیار زیاد موجب مسدود شدن حساب‌های بانکی هیئت مدیره‌ی آن مرکز شده بود، با تلاش‌ها و پیگیری‌های دکتر سامه‌یح و حمایت‌های وزارت بهداشت و درمان و همچنین دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، به زودی و در حساس‌ترین شرایط اقتصادی به چرخه‌ی درمان کشور باز خواهد گشت.

با واریز ۵۰ میلیارد ریال دیگر به حساب بیمارستان (در مجموع مبلغ ۱۵۰ میلیارد ریال طی یک سال گذشته)، از طرف وزارت بهداشت و درمان و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تمامی بدهی‌های این بیمارستان تسویه خواهد گردید. از تمام ارگان‌هایی که به هر نحوی، قدمی برای خدمت به جامعه کلیمی و خصوصاً بازگشایی این بیمارستان خیریه برداشته‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود.

همچنین از دکتر عین‌الهی وزیر محترم بهداشت و درمان، دکتر رحیمی معاونت پشتیبانی و نوسازی وزارت بهداشت، دکتر زالی ریاست دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دکتر خدادوست معاونت پشتیبانی دانشگاه شهید بهشتی، سپاسگزاری می‌گردد.

نامه‌ی هیئت مدیره‌ی بیمارستان دکتر سپیر:

تاریخ: ۱۴۰۲/۱/۱۴
شماره: ۱۰۱/۳۹۷
پیوست:
مؤسسه خیریه کانون خیرخواه
(بیمارستان و زایشگاه دکتر سپیر)
خیابان مصطفی خمینی شماره ۴۷۳
تلفن: ۱-۳۳۵۵۰۰۰۰

به نام خدا

حلول سال نو و فرارسیدن سال ۱۴۰۲ شمسی و موعد پسح

را به عموم هموطنان و همکیشان گرامی تبریک عرض مینماییم.

احتراماً بدینوسیله به اطلاع میرسانیم پیرو حمایت‌ها و مساعدت جناب آقای دکتر سامیح (نماینده محترم ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی) و تلاش و پیگیری دوجانبه آن مقام محترم و هیئت مدیره بیمارستان دکتر سپیر و با توجه ویژه مسئولین محترم وزارت بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در جهت حل مشکلات این مرکز درمانی، مبلغ ۱۵ میلیارد تومان از اسفند ۱۴۰۰ لغایت اسفند ۱۴۰۱ شمسی با حمایت مالی وزارت بهداشت و دانشگاه به حساب بیمارستان واریز گردید که اهم خدمات انجام شده به شرح ذیل اعلام میگردد:

- ۱) پرداخت بخش اعظمی از دیون به سازمان‌های دولتی (تأمین اجتماعی، شهرداری، دارایی، آب، برق، گاز و مخابرات)
- ۲) پرداخت کلیه مطالبات و سنوات چندین ساله پرسنل رسمی و تسویه حساب کامل و اخذ استعفا ایشان جهت جلوگیری از ادامه روند پرداخت حقوق به ایشان تا زمان بازگشایی بیمارستان
- ۳) پرداخت و تسویه کلیه مطالبات سنوات بازنشستگان
- ۴) پرداخت مطالبات و تسویه حساب کامل با کلیه کارمندان بیمارستان
- ۵) پرداخت بخشی از مطالبات پزشکان و شرکت‌های دارویی و اخذ تسویه حساب با برخی از آنان
- ۶) استانداردسازی لوله کشی گاز بیمارستان و اخذ تأییدیه از شرکت گاز و اداره نظام مهندسی
- ۷) بازگشایی بخشی از درمانگاه پس از تعطیلات نوروزی سال ۱۴۰۲ شمسی

مؤسسه خیریه کانون خیرخواه

(بیمارستان و زایشگاه دکتر سپیر)

خیابان مصطفی خمینی شماره ۴۷۳

تلفن: ۱-۳۳۵۵۵۰۰۰

تاریخ: ۱۴۰۲/۱/۱

شماره: ۱۰۱۳۹۷

پیوست:

لازم به ذکر است از تاریخ ۱۳۹۹/۵/۵ به دلیل فرسودگی و عدم کارایی لازم برخی از تجهیزات پزشکی، افزایش شدید هزینه ها ناشی از افزایش ناگهانی نرخ ارز، کاهش بیماران بستری در بخش داخلی و زنان به دلیل شیوع بیماری کرونا و کاهش درآمد، پذیرش بیماران متوقف گردید و تا به امروز هیئت مدیره بیمارستان در شرایطی دشوار با صلابت در رویارویی با انبوهی از احکام صادره از اداره کار، تأمین اجتماعی و دارایی، تنها با ۱۰ پرسنل در مدیریت، حفظ و نگهداری اموال و ساختمان بیمارستان کوشا بوده و با پیگیری ها و مراجعات مکرر و نیز جلسات متعدد با مقامات محترم وزارت بهداشت همراه با نماینده محترم ایرانیان کلیمی در مجلس، ضمن پاسخگویی در رفع مشکل ۲۳۰ پرسنل، ۱۵۰ پزشک و ۱۰۰ شرکت دارویی، راهکار های میان مدت و دراز مدت ادامه فعالیت بیمارستان را برنامه ریزی و سیاست گذاری نموده است.

ضمناً یادآور میگردد بیمارستان خیریه دکتر سپیر با ۸۰ سال سابقه فعالیت از میراث تاریخی با ارزش جامعه ایرانیان کلیمی می باشد که با توجه به فرسودگی بافت فیزیکی و تجهیزات قدیمی، قطعاً تهیه ملزومات پزشکی ضروری و مدرن، بازسازی و نوسازی ساختمان، بهسازی تأسیسات و استخدام پرسنل جدید جهت بازگشایی بیمارستان و ادامه فعالیت این مرکز خیریه، امری اجتناب ناپذیر است که امید است به یاری الهی با تداوم حمایت های مالی دولت محترم جمهوری اسلامی و مقامات محترم وزارت بهداشت و نیز تداوم تلاش و پیگیری نماینده محترم مجلس و هیئت مدیره بیمارستان به زودی گام به گام این امر تحقق یابد.

هیئت مدیره بیمارستان دکتر سپیر



۱۴۰۲/۱/۱

سیدان لیل صدوق



یک عمر صرف کردم تا مانند
یک کودک نقاشی بکشم
(پابلویکاسو)



همایش تقدیر از شرکت کنندگان مسابقه نقاشی کودک و نوجوان (کتابخانه‌های تهران و اصفهان)
حنوکای ۵۷۸۳ (۱ دی ۱۴۰۱)



شعر فارسیهود - کتاب شاهین تورا